

عَلَّمَ مَادِلَ الْبَرْجَانِ

در قرن چهارم هجری ق.

بضمیه
فرز ارکان معا

مؤلف :

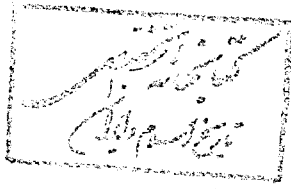
آيَةُ اللَّهِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ أَحْمَدُ بْنُ رَجَاءٍ

_____ می‌خواهیم از زمانی سخن بگوییم که در آن اندیشه‌وران و ژرف‌اندیشان را
 این شهر مأمن و معبد بود، آن‌زمان که مهاجمان و ستیزندگان افکار ناب اسلامی را نام
 این شهر تنگ‌مایه و سست پایه می‌ساخت.
 آن هنگام، که هنگامی در این شهر بود، که نه تنها از اردبیل، ابهر، قزوین و قیدار
 برای تحصیل کمالات علمی و عملی بدین شهر روی می‌آوردند، بلکه از قفقاز، بادکوبه
 و لنکران نیز میزبان دانش‌طلبان و دانش‌پژوهان بود
 (از مقدمه کتاب)

«این کتاب با استفاده از تسهیلات حمایتی استانداری زنجان چاپ شده است»



مرکز پخش: انتشارات دارالنشر اسلام
 قسم: خیابان بهار تلفن: ۷۴۱۰۶۱
 قیمت ۲۵۰ تومان



علماء نامدار زنجان

دو قرن چهاردهم و پنجم



بضمیمه

فرزانگان معاصر

مؤلف:

آية الله زين العابدين احمدی زنجانى

مشخصات کتاب

نام کتاب: علماء نامدار زنجان در قرن چهارم هجری قمری
نام مؤلف: آية الله زين العابدين احمدی زنجانى
موضوع: رجال
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ: امیر
ناشر: مرکز انتشارات دارالنشر اسلام - قم ۱۳۶۱
چاپ اول: پائیز ۱۳۷۴
قطع و صفحه: وزیرى - ۱۲۸

تمام حقوق این اثر محفوظ است.

صحت مطالب مندرج در کتاب به عهده مؤلف می باشد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۰	مقدمه
۱۶	بخش اول جمعی از علماء نامدار زنجان در قرن چهاردهم
۱۷	حضرت مولیٰ قربانعلی زنجانی معروف به حجة الاسلام
۲۱	آقا شیخ عباس مقدّمی
۲۱	میرزا لطف الله زنجانی
۲۲	سید جعفر سلطانیه‌ای
۲۲	شیخ غلامحسین زنجانی
۲۳	سید اسماعیل حسینی
۲۳	شیخ محمد حسن زنجانی
۲۴	شیخ جعفر خوئینی
۲۴	سید ابوطالب زنجانی
۲۵	میرزا عبدالرحیم
۲۵	مولی حسین قلی قاضی‌کندی
۲۵	حاج میرزا ابوالفضائل امام جمعه
۲۷	شیخ ابراهیم دیزجی زنجانی
۲۷	شیخ اسماعیل
۲۷	شیخ عبدالله
۲۷	حاج سید عبدالله شمس‌الدین موسوی زنجانی
۲۸	شیخ جواد طارمی
۲۹	شیخ یحیی طارمی
۲۹	شیخ مرتضی جواد طارمی
۲۹	شیخ صادق طارمی
۲۹	ملا فتحعلی زنجانی
۳۰	آقا علی زنجانی

صفحه	عنوان
۳۰	آقا شیخ حسین ساعت ساز
۳۰	آقا شیخ عبدالعلی
۳۱	میرزا عبدالله کاوندی
۳۱	جناب شیخ جعفر
۳۱	جناب شیخ عبدالخالق
۳۲	شیخ زین العابدین زنجانی عابدی
۳۲	آخوند هیدجی
۳۳	آقا شیخ کاظم صاحب مسجد معروف آقا کاظم
۳۳	جناب شیخ اسدالله
۳۴	جناب شیخ ابوالقاسم دیزجی
۳۴	جناب شیخ ابراهیم دیزجی
۳۵	حاج شیخ اسماعیل دیزجی
۳۵	حاج شیخ عبدالله دیزجی
۳۵	حاج سید حسین زنجانی
۳۵	سید مهدی زنجانی
۳۵	سید نجم الدین زنجانی
۳۶	شهید شیخ حسین جوقونی
۳۶	آقا شیخ جواد شهیدی
۳۶	آخوند میرزا مجید زنجانی
۳۷	شیخ اسماعیل سلطانیه ای
۳۷	شیخ محمد رضا زنجانی
۳۸	میرزا عبدالرحیم مهانی طارمی
۳۸	شیخ اسدالله رستم خانی
۳۹	آقا میرزا علی زنجانی
۳۹	حاج سید محمد زنجانی
۴۰	آیه الله حاج سید رضا زنجانی
۴۱	آیه الله حاج سید ابوالفضل زنجانی

صفحه	عنوان
۴۱	آقای سید جواد زنجانی
۴۱	آقای سید هاشم موسوی زنجانی
۴۱	حاج سید علی زنجانی
۴۲	شیخ میرزا محمد
۴۲	سید اسماعیل سلطانیه‌ای
۴۲	آقا شیخ فیاض سرخه دیزجی
۴۳	آقا شیخ زین‌الدین حکمی
۴۳	آقا سید علی نقی سلطانیه‌ای
۴۳	آقا سید محمد
۴۳	آقا سید حسن ابن التّضاد
۴۴	آقا سید رضا سلطانیه‌ای
۴۴	آقا میرزا سید حسن
۴۴	آقا سید باقر
۴۵	آقا سید محسن آل یاسین
۴۵	حاج سید اسماعیل آل یاسین
۴۵	شیخ عبدالکریم صائین قلعه‌ای
۴۵	شیخ ابو عبدالله
۴۵	شیخ یحیی
۴۵	شیخ عبدالکریم خوئینی
۴۷	شیخ ذولفعلی زنجانی
۴۷	شیخ احمد آیه‌اللهی
۴۸	حاج شیخ محمد آقا
۴۸	آقا شیخ حسن
۴۸	شیخ محمد رضا زنجانی
۴۸	آخوند ملا محمد فراگوزلو
۴۸	شیخ حسین زنجانی

صفحه	عنوان
۴۹	آقا شیخ حسین قاتوقی
۵۰	میرزا عباس حسن آبادی
۵۰	میرزا احمد مدرّس
۵۱	حاج سید میرزا مهدی موسوی زنجانی
۵۱	شیخ عبدالکریم زنجانی
۵۲	شیخ حسین قراکولی
۵۲	شیخ فضل الله زنجانی
۵۳	آخوند حاج ملا آقا جان زنجانی
۵۴	سید محمود نظام الدین
۵۴	شیخ یعقوبعلی سرخه دیزجی
۵۵	شیخ فخرالدین سرخه دیزجی
۵۵	آقا شیخ احمد زنجانی
۵۶	حاج سید اسماعیل احمدی
۵۶	سید محمد دیزجی
۵۷	آقای حاج سیف الدین دیزجی
۵۷	حاج سید مجتبی حسینی میرصادقی
۵۷	آقا سید رضا حسینی میرصادقی
۵۷	حاج سید سجاد روضه خوان
۵۸	آیه الله العظمی حاج میرزا عبدالرحیم واسعی زنجانی
۵۹	آیه الله العظمی حاج سید احمد زنجانی
۶۱	شیخ براتعلی بزه شاهی
۶۱	آقا شیخ ناصر
۶۱	سید هدایت الله ابدالی
۶۲	آقا نجفی فرزند سید هدایت الله
۶۲	سید قوام الدین
۶۲	حاج سید فاضل مصطفوی

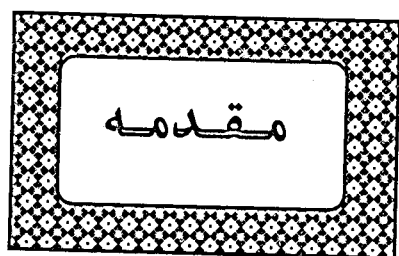
صفحه	عنوان
٦٢	سيّد عبدالرحيم بلوبين
٦٣	آقا سيّد ابوالقاسم بلوبين
٦٣	آقا سيّد عبدالكريم بلوبين
٦٣	ملاً صالح جعفرى
٦٣	شيخ بهاء الدين
٦٣	شيخ حنفيه خوئينى
٦٤	آقا شيخ على اصغر مولوى
٦٥	آقا شيخ رجب على زهاد
٦٥	آقا شيخ نصرت حسيني
٦٥	شيخ اسدالله زنجاني
٦٦	سيّد ابوالمعالي
٦٦	آية الله سيّد محمود امام جمعه
٦٨	شيخ ابو عبد الله زنجاني
٧٩	حاج سيّد محمد
٨٠	شيخ على اصغر فصاحتى
٨٠	سيّد محمد كلجه طارمى
٨١	سيّد قوام الدين
٨١	حاج سيد مهدي
٨١	شيخ محمد باقر زنجاني
٨٢	شيخ اسماعيل زنجاني
٨٣	سيّد محمد ولايى
٨٣	شيخ بهاء الدين هيدجى
٨٣	شيخ ابو عبد الله
٨٣	آقا ميرزا يحيى مدرّس
٨٤	حاج آقا موسى مدرّس
٨٤	ابراهيم همايونى زنجاني

۸۴	آقا شیخ محمود امینیان
۸۵	میرزا علی نقی حلی
۸۵	آقا شیخ حسین فیاض
۸۶	سید محمد باقر زنجانی
۸۶	سید محمد حسین زنجانی
۸۶	شیخ موسی زنجانی
۸۹	فهرست تمامی علماء نامدار زنجان در قرن چهاردهم هجری قمری
۹۷	بخش دوم، فرزندان معاصر
۱۰۰	فصل اول دانشمندان خارج از کشور
۱۰۰	کویت - آیه الله سید ابراهیم موسوی زنجانی
۱۰۲	عراق - نجف اشرف - آیه الله شیخ ابوالحسن انوار
۱۰۲	سوریه - دمشق - آیه الله سید احمد فهری
۱۰۳	فصل دوم: دانشمندانی که داخل ایران و خارج زنجان هستند
۱۰۳	قم - آیه الله العظمی حاج سید موسی شبیری زنجانی حفظه الله
۱۰۶	حضرت مستطاب، محمد آل اسحاق خوئینی
۱۰۸	حاج سید ساجدین موسوی (ره)
۱۰۸	شیخ احمد دانش (ره)
۱۰۸	حضرت مستطاب حاج شیخ احمد رضوانی
۱۰۸	حضرت مستطاب حاج شمس الدین کاظمی هیدجی
۱۰۸	حضرت مستطاب حاج شیخ قربانعلی ذوالقدر
۱۰۸	ابوالفضل شکوری
۱۰۸	ابر علی خداکرمی
۱۰۸	علی محمدی زنجانی
۱۰۸	مشهد - آیه الله العظمی حاج سید عزالدین حسینی موسوی زنجانی
۱۱۱	آیه الله حاج سید مجتبی حسینی میرصادقی
۱۱۲	تهران - حضرت حجة الاسلام و المسلمین عباسعلی عمید زنجانی

عنوان

صفحة

حضرت حجة الاسلام و المسلمين محمد شجاعى	۱۱۳
حضرت حجة الاسلام و المسلمين يحيى عابدى	۱۱۵
حضرت حجة الاسلام و المسلمين سيد رشيد موسى	۱۱۵
تکاب - آية الله شيخ عزيز الله خسروى زنجانى (ره)	۱۱۵
فصل سوّم - دانشمندان ساکن شهر زنجان	۱۱۵
حضرت آية الله حاج سيد اسماعيل موسى زنجانى	۱۱۵
حضرت آية الله حاج شيخ محمد اسماعيل صائنى	۱۱۶
حضرت آية الله حاج شيخ جلال الدين اصحابى (ره)	۱۱۹
حضرت حجة الاسلام و المسلمين حاج سيد مجتبى موسى (ره)	۱۲۰
حضرت حجة الاسلام و المسلمين حاج سيد طاهر علوى	۱۲۱
حضرت حجة الاسلام و المسلمين حاج سيد محمد حسينى موسى زنجانى	۱۲۱
حضرت حجة الاسلام و المسلمين حاج شيخ ابو الفضل سليمى	۱۲۱
حضرت حجة الاسلام و المسلمين حاج شيخ ابراهيم محمدى	۱۲۱
حضرت حجة الاسلام و المسلمين حاج شيخ بيوك خاتمى	۱۲۱
حضرت حجة الاسلام و المسلمين حاج شيخ تقى خاتمى	۱۲۱
حضرت حجة الاسلام و المسلمين حاج شيخ اصغر حبيبي	۱۲۱
حضرت حجة الاسلام و المسلمين حاج سيد يعقوب موسى	۱۲۱
حضرت حجة الاسلام و المسلمين حاج شيخ قربانعلى عباسى	۱۲۱
حضرت حجة الاسلام و المسلمين حاج شيخ يعقوبعلى جبارى (ره)	۱۲۱
حضرت حجة الاسلام و المسلمين حاج شيخ عبد الحميد قائمى (ره)	۱۲۱
زندگينامه مؤلف کتاب	۱۲۲
منابع و مأخذ	۱۲۶



بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد و الصلوة

هر یک از این گوی را بلادی است که از جهاتی چند بعضی شهرهاشان شهره‌اند. اگر لختی تاریخچه شهر زنجان را نیز فرا اندیشه آورید می‌یابید که آن نیز از همان گاه پیدایش یا چندی بعد از جهاتی متعدد آوازه این گوی خاکی گشته است.

گاه به جهت استوار ساختن مشربهای سیاسی و دیگر گاه به خاطر وجود ژرف اندیشانی گران مایه و بلندپایه، که نام آنرا شهره جهانی بخشیده‌اند. اینها و جز اینها مسائلی است که باعث شده زنجان نه بسان آن شهرهایی که وجودشان با نبودشان - در کتب تاریخی - هم فراست، بلکه جزو معدود شهرهای حماسه‌سازی که ارکان صفحات پربار تاریخ را سامان داده‌اند، همیشه مهد فحول افکار بکر و بدیع بوده باشد.

سخن گفتن در مورد چنین شهری که از بدو وجود دستخوش، حوادث گونه‌گون گشته و زمانی در کثر راهه گام نهاده و دیگر زمان خود را با صواب همعنان ساخته آسان نیست.

اگر لختی درازای سخن را برتابید خواهیم گفت، تحقیقاً سخن ما در وضع دهه آخر این شهر نیست که به عوامل متعدد بخت ناهمگونی به هم زد، بل، از زمانی می‌خواهیم سخن بگوئیم که در آن اندیشه و ران و ژرف اندیشان را این شهر مأمن و معهد بود، آن زمان که مهاجمان و ستیزندگان افکار ناب اسلامی را، نام این شهر تنگ مایه و سست پایه می‌ساخت.

آن هنگام که هنگامه‌ای در این شهر بود، که نه تنها از اردبیل، ابهر، قزوین و قیدار برای تحصیل کمالات علمی و عملی بدین شهر روی می‌آوردند، بلکه از قفقاز، بادکوبه و لنکران نیز میزبان دانش‌طلبان و دانش‌پژوهان بود.

گمان مبر که اسطوره ساخته و افسانه می‌گویم، حیف که نمی‌دانید و اگر می‌دانستید آنگاه که سخنرانی مصلح اکبر در ال‌زهر مصر، دکتر طه حسین را

آنچنان به وجد آورد که از جابرخواست پیش آمد و دستهای این شیخ زنجانی را بوسه زد و با افتخار گفت: « این اولین و آخرین دستی است که بر آن بوسه می‌زنم»، شکوهمندی گفتارش آنجاست که ادامه می‌دهد « من گمان بردم که ابن سینا زنده شده و دارد سخنرانی می‌کند» و هزاران همانند این را می‌شنیدند، معترف می‌شدید که دارم از حقیقتهای متحقق سخن می‌گویم.

بگذاریم و بگذریم.

آن تنها نگار بر هر یک از افراد بشر حظّ و نصیبی نگاشته که به جدّ و جهد از برای دیگر افراد ولو با رنج فراوان میسر نگردد. چه، بسیار از دانشمندان را می‌نگریم که با هر مقدار از توشه علمی و ذخیره معنوی، رشته کاری به دستشان نیفتاده و نتوانسته‌اند قدم مؤثری برداشته و یادگاری بر یادنامه خویش باقی گذارند. و، ای بسا تمام وسائل و شرایط تعالی و ترقی آنان مهیا بوده، لکن استفاده از آنان منحصر بوده به چند روزه ایام حیات و با رحلتشان گویا تمامی آثار وجودی آنان نیز رحیل نموده است.

در قبال آن جمعی از اندیشمندان و فرزندگان را می‌نگریم که در اوّل زمان و از بدو معارفه محور و محمل ارجاعات مردمی و سامان دهی به مشکلات اجتماعی بوده‌اند زمانی به‌سان آن چشمه جوشانی که هر دور و نزدیک منزل، برای بقاء، بدان رجوع می‌کند و دیگر زمان همچو آن نهر جاری که انتهای آن را انتهای ابدیت می‌نمایاند در راهرو اندیشه اندیشه‌وران و رهنمون شدن کژراهه رفته گان مُنجی و مَعْلَم بوده‌اند، آنان که نور دانش ایشان رهنمای هر گمشده و عمل آنان نزدیک گراننده هر دور افتاده بود، و بیرقی که بر منزلگه خاکی و افلاکی افراشتند همه دیدگان را مبهوت خود ساخت.

آهنگ آن دارم تا آنچه دیده‌ام و آنچه شنیده‌ام و از مأخذ صحیح بدست آورده‌ام را در کمال ایجاز و اختصار برایتان بنگارم تا آنان را که اشارتی بسوی

سرنوشتشان کافی است، بوده باشد. چه، مولای روم فرماید:

«گوشم شنید قصه ایمان و مست شد.»

وگرچه شنیدن کی بود مانند دیدن که دیدن دل می‌رباید و شنیدن، شنیدن وصف آن است که نایب بروصل، لکن همینقدر به دل خویش وعده بدهید که «وصف العیش نصف العیش».

یاران، قبل از آنکه شروع در این مقال کنیم چند تذکار زیر را نیک بپائید: اگر بخواهیم فرهیختگان و فرزنانگان این شهر را از پگاه پرتوافشانی اسلام در این شهر بیاماریم بی‌شک کاری بس مشکل و شاید محال باشد لذا گوئیم دانشمندان اسلامی که در این دیار پا به عرصه وجود گذاشتند بردو گونه‌اند: جمعی فقط در حدود شهر یا دهستان خویش محدود شده‌اند و پس از درگذشت، یادی از آنان برجای نماند که اکثراً چنین بوده‌اند و جمعی دیگر که ما بر آنان قید نامدار، آورده‌ایم کسانی بوده‌اند که سالها و در پی آماج گشتهای اجتماعی نامشان ماندگار شده است. من این نامداران را نیز بردو قسم استوار ساخته‌ام اول نامورانی که قبل از قرن اخیر - قرن چهاردهم - بوده‌اند و دوم نامداران قرن چهاردهم.

و اما تا پیشتر از قرن چهاردهم، می‌توانید شکوهمندی زندگی آنان را در کتابهای حجیم همچون اعیان الشیعه، روضات الجنات، الکنی و القاب، حذیقه الشیعه، و جز اینها بیابید و اما در مورد قرن چهاردهم، بایستی بگوئیم از بخشایشهای خداوندی است که در سالهای اخیر عده‌ای برای به تصویر کشیدن تاریخ جغرافیایی و فرهنگی و از جمله، ترجمه‌نویسی این شهر کمر همت بسته و موفق نیز بوده‌اند. از جمله آنان است، الفهرست لمشاهیر علماء زنجان، تاریخ زنجان - علماء و دانشمندان - فرهنگ‌نامه زنجان - صفحات مربوط به علماء و بزرگان - علماء و رجال استان زنجان و ... و اخیراً نیز خط سوم در انقلاب

مشروطیت، اگر هر یک را اندکی فرا اندیشه آورید می‌باید که هر کدام از دیدگاهی ویژه سخن گفته‌اند که دیگری فاقد آن است.

چه زیباست اگر کسی از گزندها نه‌راسد و از پیشین‌ترین دانشمند اسلامی این شهر تا واپسین آن را در قرن کنونی، مجموعه‌ای مدوّن سازد، که تحقیقاً شگفت‌آفرین خواهد بود.

به‌هر حال آنچه ما نیز بر قلم آورده‌ایم مربوط به قرن چهاردهم می‌شود، از نامی‌ترین عالم فرزانه یعنی حضرت حجة الاسلام تا ابتدای قرن پانزدهم که در آن بسر می‌بریم. بر آن نبودیم تا تمامی دانشمندان قرن چهاردهم را بیامارم آنچنان که هیچ برجای نماند، نه، چون همانگونه که اشارت رفت فضلائی چند در این زمان از آن زمان سخن گفته‌اند و نوشته نبشته‌اند و طبعاً تکرار مکررات پیش می‌آمد از آنجا که آن کتابها پژوهندگان اسلامی نیمه اول قرن چهاردهم را آورده بودند، خواستم تا مجموعه‌ای گردآورم که از نیمه اول قرن چهاردهم جمعی را و از نیمه دوم قرن چهاردهم همه آنچه بوده‌اند - که هیچیک از کتب مذکور متذکر بیوگرافی آنان نشده‌اند - را به قلم آورم تا مجموع کتابهای فهرست، تاریخ زنجان، علما و رجال استان زنجان، عرفا و حکمای زنجان، خط سوم و این نبشته دست در دست هم شرح حال دانشمندان قرن چهاردهم و اندکی قبل و بعد از آن را دربرداشته باشند. با وجود این در آخر کار برای اینکه بدانید دانشمندان اسلامی در قرن چهاردهم چه کسانی بوده‌اند فهرست اسامی تمامی آنان را آورده‌ام و گمان آن دارم از مشاهیر دانشمندان قرن چهاردهم نام کسی را از قلم نیانداخته باشم و برای شرح زندگی آنان می‌توانند به یکی از پنج کتاب مذکور رجوع نمایند.

* این مجموعه فقط و فقط طبق سبقت زمانی مرتب شده و در تقدّم یا تأخّر تراجم به هیچ وجه رتبه علمی مورد نظر نبوده است از ابتدا تا انتها الا در

موارد بسیار جزئی که مقام علمی شخصی بر همگان مبرهن بوده را مقدم ساخته‌ام.

* ما نخواسته‌ایم شرح حال بنویسیم یعنی از روش و منش بزرگان در زندگی خصوصی و اجتماعیشان خاطره و داستان نقل کنیم، تا الگو و نمونه‌های عالی اخلاقی را معرفی کنیم، نه، بلکه صرفاً فهرست‌نویسی کرده‌ایم، چرا که اولاً، زوایای زندگی اینان بر ما کاملاً آشکار نبوده است. ثانیاً، مقصود ما معرفی بزرگان بوده است، همین بس.

* مطلب دیگر اینکه همانگونه که در عنوان قید علماء زنجان را آورده‌ایم در عمل نیز فقط از کسانی نام می‌بریم که متولد این شهر یا یکی از روستاهای وابسته به این شهر باشد و چه بسا بزرگانی بوده‌اند و اکنون نیز در این شهر هستند که از سایر شهرها برای تحصیل یا تدریس و یا به این شهر روی آورده و در آن مقیم شده‌اند. لکن از آنجا که کار ما محدود به زنجانیان بوده از بیوگرافی آنان همانند آیه‌الله یکتائی امام جمعه محترم خلخال و ... صرف‌نظر کرده‌ایم. در مؤخره این مقدمه بایستی اذعان نمایم که هر مجموعه‌ای غیر از اثرات معصومین علیهم‌السلام خالی از خلل نیست از جمله این نبشتار، لذا شما را می‌طلبیم که به عین عنایت به آن بنگرید.

والسلام

زنجان - زین‌العابدین احمدی

بهار ۷۴

بخش اوّل

جمعی از علماء نامدار زنجان

در قرن چهاردهم هجری قمری

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد و الصلوة

۱- حضرت مولی قربانعلی زنجانی معروف به حجة الاسلام

علم الأعلام، المحقق النحریر، قدوة اهل العلم، قطب دائرة التحقيق و المحققین، الزاهد العابد سلمان العصر، آية الله فی العالمین، مرشد الروضتین، مفتی المسلمین، المرجع الأعلى، مولی قربانعلی زنجانی که زمانی به حجة الاسلام، دیگر زمان به آخوند زنجانی شهره گشته.

حضرتشان در سال ۱۲۴۸ یا ۱۲۳۵ در یکی از قرای زنجان به نام آریون یا آرغون برای اولین و آخرین بار پا به عرصه وجود نهاد و پدرشان علی عسگر نام بوده است. ایشان بعد از مسافرت به زنجان و توقف در آن به عزم نجف بار بسته اند و ترک این دیار نمودند. در آنجا از افاضل تلامذه علامه شیخ مرتضی انصاری قدس الله اسراره الشریف و شیخ راضی نجفی گشتند. شهرت ایشان در بزرگی و بزرگواری اجل از آن است که ذکر شود و به زیب و زیور وصف درآید. آن عزیز بسایر خوش خلق، کریم النفس، قوی القلب، وجید البطش، زاهد، عابد و صاحب ورع بوده اند به همان سان که اشارت رفت از دهی بنام آریون زرنده نزدیک سجاس بود.

در تاریخ جغرافیای رزم آرا چنین می نگارد: ارغین دهی است جزو دهستان سجاس رود از بخش قیدار شهرستان زنجان، ۶ کیلومتری شمال باختری قیدار پیغمبر و در کوهپایه ای سردسیر که سکنه آن از ۶۱۷ نفر تجاوز نمی نماید همه اهالی شیعه مذهب، ترک زبان، چشمه ساره، غلات انگور میوه، شغل زراعت و قالیچه بافی.

و آنطوری که کتاب الکلام یجر الکلام تألیف حضرت آیه الله العظمی حاج سیداحمد زنجانی «ره» نقل کرده تاریخ ولادتش معلوم نیست. سنّش در حدود هشتاد سال بلکه بیشتر به نظر می آید بدین حساب در حدود سنّه ۱۲۴۶ و بعضی گفته در تاریخ ۱۲۳۴ متولد شده و ۶۴ سال عمر کرده در ایّام توقّف در زنجان به مدرسه نصرالله خان (سابق) درآمد و در آنجا مقدمات علوم عربیه را آموخته و قلیل مدت نیز از محضر ملاعلی قزوینی که ساکن زنجان بوده استفاده نمود تا آنکه در غوغای محمدعلی باب و بهائیت در سنّه ۱۲۶۶ قمری چنانچه ناسخ التواریخ نوشته از زنجان عازم عتبات عالیات گردید و لکن راه عراق و عربستان بسته بوده و چند ماه در بروجرد توقّف نموده و از اساتید آن دیار دیدار و استفاده برده تا آنکه مانع برطرف شده که آن سال مهاجرت نموده اند و از آقای آقا شیخ ممقانی نقل کرده اند که آخوند از آیه الله حاج سیدحسین کوه کمره ای عموی والد مرحوم آیه الله آقا سید محمد حجت تلمذ نموده اند و حاصل اینکه ۱۲ سال از محضر مرحوم شیخ انصاری فیض برده تا اینکه به رتبه عالیّه اجتهاد نائل آمده و به افتاء و مرجعیّت قدم نهاده اند بعد از رحلت شیخ قدس سره در سنّه ۱۲۸۱ به زنجان مراجعت نموده و مرجعیّت تقلید و تدریس و قضاوت و سایر امور اجتماعی را عهده دار گشته و در زنجان تأسیس حوزه علمیه نمود به گاه آن از اردبیل، قفقاز، بادکوبه، قزوین، میانه، طارم، خلخال و اطراف استان زنجان به قصد تحصیل و استفاده از درس ایشان به این شهر می آمدند و ایشان به آنان مباحثی در علم اصول و فقه و ... القاء می نموده و آنان را به زیور علم الهی می آراسته.

حجة الاسلام مرحوم حافظه قوی داشتند به طوری که هر استفتائی و از هر بابی از ابواب فقه که از ایشان می شد بدون مراجعه به مدرک جواب می فرموده اند

و اگر از مدرک سؤال می‌شده فوراً بیان می‌کرده‌اند.

بعد از ارتحال میرزا محمد حسن شیرازی، مجدّد بزرگ اکثر اهالی قفقاز و ترکمنستان و آذربایجان و سایر بلاد روس در مسئله مرجعیت و تقلید به ایشان رجوع نمودند، تازه:

این هنوز اول نوروز جان افروز است

باش تا خیمه زند دوست نیستان را یار

چرا که آن عزیز در امر به معروف و نهی از منکر بسیار بسط ید داشته و در اقامه حدود شرعیه بسیار چست کار و باریک بین بوده‌اند.

و حضراتشان چندان چنان بوده‌اند تا اینکه انقلابات سیاسی در اوضاع آشفته حال ایران رخ می‌نماید مسئله دائرین مشروطیت و استبداد می‌شود گروهی به این سوی و گروهی به آن سوی روانه می‌شوند و در انجام، نظام قدیم به نظام دستوری جدید منقلب می‌شود و آن یگانه عصر نه به دستگاه زورمند جدید باورمند می‌شوند و نه واژگان دلفریب قدیم او را فرا می‌گیرد، بلکه بسی استوارتر از دپروز طرحی نو در می‌اندازد با تمایلی تمام شیعی در عصری که از انقلاب اسلامی حتّی نامی در اذهان نبود، پی‌ریخت این سیستم تفکر تشیع را عملاً در خود و اطرافیان باکار و پیکاری توانفرسا به اجرا در می‌آورد و پس از آن به سبب رخدادهای سیاسی افراطی آهنگ عتبات عالیات می‌کند و الحاصل در کاظمین قریب به سه سال توقّف می‌کند.

در «منتخب التواریخ» نگاشته شیخ هاشم خراسانی (قده) آمده: «از جمله علما که به فیض عظمای شهادت دست یازید در فتنه مشروطه ایران، آخوند ملا قربانعلی زنجان‌ی است که مسموم کشته شد در کاظمین، و درجائی دیگر می‌فرماید: «در اواخر ماه ربیع‌الاول سال ۱۳۲۸ قمری حیات را بدرود گفته و در

رواق مقدسه در صفه‌ای که چسبیده است به مسجدی که در حرم کاظمین علیهما السلام است دفن شده.»

و اما از آثار آن جناب بدست نیامده جز معدودی مانند : رساله علمیّه و بعضی حواشی که بر بعضی از کتب فقهی نگاشته به جهت عمل کردن مقلدینش. و من خود از حضرت آیه الله سید عزالدین حسینی ساکن شهر مقدس مشهد شنیدم که فرمودند : «شخصی نزد پدرم آیه الله سید محمود حسینی (ره) آمد در حالی که کتابی در حالات علماء نگاشته بود. سؤال کرد از حالات حضرتشان و از حالات آخوند ملا قربانعلی زنجان و پدرم آن شخص را گفت: که اعمال و حالات آخوند خارق العاده بوده و لکن از توضیح این مطلب استنکاف کردند، من (آیه الله سید عزالدین) گمان می‌کنم به خاطر عدم فهم آن شخص از معنی خارق العاده یا عدم تحلیل او از آن حالات بود که حضرت ابوی از توضیح مطلب اباداشتند چرا که آن از انبیا عظام علیهم السلام صادر می‌شود.»

باری، چنین نقل کرده‌اند که جناب شیخ اسدالله فرزند جعفر زنجان نزدیک‌ترین اشخاص بود نسبت به آیه الله اصفهانی و او نقل کرد از مؤذن شیخ انصاری که اخیراً ساکن مکه معظمه شده بود و او (مؤذن) آخوند قربانعلی را می‌شناخت می‌گفت: بعضی از شبها می‌دیدم مشرف به مکه می‌شوند از ایشان درخواست کرم یک شب در خدمتشان باشم. فرمودند : «مأذون نیستم».

شگفتا این مرد سترگ تا کجا خویشتن را بیاراسته، آه بر پوشال گرایان که در اینان دقیق نمی‌شوند تا متأثر شوند. سوگند که آخوند را مقامات عالیّه سلوک عرفانی بوده و بی‌شک از اولیاء الله بوده‌اند.

خداوند تمام موجودات را برای بندگان مسخر ساخته و ما چون درپابند شهوات دنیویه هستیم به نظر ما بعید می‌آید.

و چه دقیق فرموده جناب سعدی علیه‌الرحمه:
طیران مرغ دیدی تو زیبای بند شهوت
بدرآی تا ببینی طیران آدمیت
رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند
بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت
و به همین جهت بود که آیه‌الله معظم حضرت سید احمد زنجانی (قده)
دریاره آن عزیز سروده:
شب به فکر بودم در فوت شیخ مرحوم
هاتف ز غیب گفتا «فی الکاظمین مسموم»^(۱)

۱۳۲۸

۲- آقا شیخ عباس مقدمی (قده)

به سال ۱۳۰۵ قمری در روستای چرگر که در ده فرسخی زنجان است دیده به جهان گشوده پدرش مرحوم کربلانی محمدرضا بوده است. ایشان از تلامذه آیه‌الله شیخ فیاض شریعتی بوده‌اند و مدتی را در مسجد آهنگران اقامه جماعت می‌نموده در تقوی و پرهیزگاری زبانزد خاص و عام بوده و بعد از ۷۵ سال عمر در سنه ۱۳۸۰ قمری مطابق ۱۳۳۸/۱۲/۲۲ خورشیدی دیده از جهان فرو بسته است. رحمه‌الله علیه.

۳- میرزا لطف‌الله زنجانی (قده)

وی فرزند میرزا نصرالله ابن میرزا محمدبن علامه شهید شیخ علی صاحب مقام شامخ در علم و ادب می‌باشد. ایشان در زنجان متولد شده به تاریخ ۱۲۳۳ و

۱- برای شرح حال مسبوط ایشان به کتاب «خط سوم در انقلاب مشروطیت ایران» نوشته آقای ابوالفضل شکوری مراجعه شود.

متون فقه و اصول و ادبیات را در شهر زنجان از اساتید حوزه آن زمان، استفاده نموده سپس مهاجرت نموده به کربلا و در درس آقای سید ابراهیم خوئینی، معروف به «صاحب ضوابط» که از حوزه درس آن دانشمند عزیز هزار نفر از فضلا استفاده می‌کردند، مدتی مشغول بوده است و بعد مراجعت نموده به قزوین. بعلت نزاع بین دولتین (قاجار و پهلوی) مدت سه سال در قزوین تحصیل نموده دوباره مراجعت نموده به عتبات عالیات و در نجف اشرف از حوزه درس علامه شیخ محمدحسن نجفی، صاحب جواهر و شیخ مهدی آل کاشف الغطاء استفاده کرده و از اساتید نجف اشرف، بوده.

بعد از وفات استاد خود، مرحوم صاحب جواهر مراجعت نمود به زنجان و مشغول افاده بود تا اینکه در ماه رجب سنه ۱۳۰۷ قمری دنیا را وداع نموده و ایشان صاحب چندین اجازه از اساتید خود بودند و تالیفاتی چند در فقه و اصول و ... دارند که چاپ نشده است.

۴- سید جعفر سلطانی‌ای

وی فرزند امیررضا حسینی است، تحصیلات ابتدائی علوم اسلامی را در زنجان و اصفهان به پایان برده و او معاصر با جناب ملا قربانعلی (ره) بوده است. صاحب الفهرست کتب زیر را از ایشان می‌داند:

۱- حاشیه علی القوانین

۲- حاشیه علی الفصول

۳- حاشیه علی المعالم الدین

۴- تعلیقات علی الروضه

۵- شیخ غلامحسین زنجانی

وی فاضل مجتهد و فقیه ماهر، عظیم‌المنزله و معاصر با جناب حجة الاسلام بوده و حضرت حجة الاسلام از ایشان بسیار تعریف و تمجید

می نموده. در اواخر عمرش در اعضاء وی شلی عارض شده و در زنجان فوت نموده، تاریخ وفاتش در دست نیست.

۶- سید اسماعیل حسینی

اهل سلطانیه است، ایشان فرزند امیراسدالله، جلیل القدر و عظیم المنزله بوده از تألیفات وی: شرحی بر قواعد علامه (ره) در چهار جلد می توان نام برد. فرزندش حاج میرزا ابوالمعالی، شخص فاضلی بوده است و در روز پنجشنبه در ربیع الثانی سنه ۱۳۲۲ رحلت نموده، روحش شاد باد.

۷- شیخ محمد حسن زنجانی

وی فرزند مولا قنبر علی بن محمد بن حسن بن احمد بن محمود، متولد روز پنجشنبه ۱۷ ربیع الأول ۱۲۵۲ قمری در زنجان و از محضر اساطین حوزه زنجان استفاده نموده و غالب اوقات در سیاحت آفاق گذرانده و عتبات عالیات را مکرراً زیارت نموده تألیفات ارجدار وی مانند:

۱- کتاب انیس الطالبات در ترجمه علماء زنجان که مع الأسف چاپ نشده

۲- لوائح الأدله فی فوائح العدلیه

۳- بیان البیان فی قواعد القرآن

۴- روشن ضمیر در شرح جوشن صغیر

۵- قسطاس المقادیه

۶- توضیح المشکلات در نحو و صرف عروض

۷- نهج الرشاد در شرح ارشاد مفید (ره)

۸- منظومه در شرح تصریف

۹- کتابی در تجرید

۱۰- شرح نصاب الصبیان در ۳۰۰ بیت

۱۱- کتابی در فتوحات

وی مردی پرهیزگار بوده و در زنجان به سال ۱۳۴۰ قمری وفات نموده است.

۸- شیخ جعفر خوئینی

وی متولد سال ۱۲۵۴ در قصبه خوئین بوده و بر سیدعلی صاحب حاشیه بر قوانین تلمذ نموده و به اصفهان مهاجرت نموده بر شیخ نوروز علی شاگردی کرده و مراجعت نموده به زنجان و بر حجة الاسلام ملاقربانعلی شاگردی نموده و مرجع قضاوت بوده و تقریرات آخوند حجة الاسلام را از اول اصول تا آخر «اوامر و نواهی» نوشته و به تاریخ ۱۳۳۴ قمری وفات نموده و دو نفر اولاد ذکور داشته به نام‌های: آقا شیخ عیسی متولد سال ۱۲۹۸ و متوفی بعد از سنه ۱۳۰۶ و شیخ موسی متولد ۱۳۰۳ قمری که هر دو فاضل بودند.

۹- سید ابوطالب زنجان‌ی (قده)

ایشان از اکابر علماء امامیه عصر خود بودند مولد شریف وی در شهر زنجان و به سال ۱۲۵۹ هجری قمری بوده متون ادبیات را در قزوین تحصیل نمودند و بعد به سال ۱۲۷۸ هجری قمری باتفاق برادر خود سید ابوالمکارم به مدت سه سال در نجف اشرف به شیخ انصاری تلمذ نمودند و بعد از وفات شیخ (قده) به محقق جلیل و فقه اهل بیت آقا سیدحسین کوه کمری عم پدر و والد آیه الله آقا سید محمد حجت کوه کمری شاگردی نموده و موفق به اخذ اجتهاد از کوه کمری شده‌ند و نسب ایشان به ابراهیم سمین می‌رسد مدفون در سلمان بیک نزدیک طوز خرما در کرکوک و این مطلب به نوشته ریحان الادب ج ۲/ ص ۱۲۹ می‌باشد. او در تهران به کثرت اطلاع و تبحر علمی معروف و مرجع اشکالات علمی بوده، وی تألیفاتی دارد از جمله:

۱- احکام اوانی الذهب و الفضة، ۲- ایضاح السبیل که چاپ شده،

۳- التعادل و التراجیع، ۴- التفتید فی احکام التقلید

آن بزرگ به سال ۱۳۲۹ به دیار باقی شتافته است. رحمة الله علیه.

۱۰- عالم کامل، میرزا عبدالرحیم

فرزند ملا ابوالحسن و او فرزند ملا محمد حسن، ابتدا در زنجان تحصیل نموده و سپس به نجف منتقل گشته است، و در آنجا نزد علامه سید محسن تلمیذ علامه شیخ هادی طهرانی تلمذ نموده از ایشان تقریرات بحث استادش در اصول مانده، آن عزیز بعد از سنه ۱۳۴۱ در نجف اشرف وفات نموده است.

۱۱- مولیٰ حسینی قاضی کندی

ایشان احتمالاً همان آقا شیخ حسین قاضی کندی باشند که از ملازمان جناب حجة الاسلام بوده است.

به هر صورت برای او دیوانی است به عربی، فارسی و ترکی در مدح و مرثی و در سنه ۱۳۶۵ وفات نموده و به مضطر متخلص بوده اند.

۱۲- حاج میرزا ابوالفضائل امام جمعه

این دانشمند ربّانی سومین امام جمعه از خاندان امام جمعه زنجان می باشد. پدرشان (آیه الله میرزا عبدالواسع) و جدّ ایشان نیز امام جمعه زنجان بوده و از همان ابتداء بناء مسجد جامع تولیت آن را بنا به امر بانی مسجد به عهده گرفته اند به همین مناسبت نیز این مسجد به جدّ ایشان امام جمعه اول زنجان - یعنی حضرت آیه الله سید محمد مجتهد - منسوب است نه به بانی آن.

جناب حاج سید محمد حسینی که از اعقاب آیه الله حاج میرزا ابوالفضائل می باشد و تولیت و امامت جماعت مسجد را نیز بر عهده دارند. در مورد زندگانی ایشان فرموده اند:

«تاریخ تولد دقیق ایشان را نمی دانم، ایشان دوران تحصیلات مقدمات را

در زنجان گذرانده و بعد به نجف اشرف مشرف شده‌اند و در آنجا از تلامذه علامه فاضل شریانی بوده‌اند و این مسئله از اجازاتی که بعضی از اعلام به ایشان داده‌اند معلوم می‌شود و بعد به زنجان مراجعت نموده‌اند و با اینکه مقام امامت جمعه را داشته‌اند اقامه جمعه نمی‌فرمودند، لکن بیت ایشان مرکز بوده و محل مراجعات مردمی بوده است.

ایشان بیرونی مفصلی داشته‌اند و همه روزه عده کثیری از مردم بی‌بضاعت را اطعام می‌فرمودند و بسیار انزوا طلب بوده است و جناب مرحوم حجة الاسلام به ایشان عنایت ویژه‌ای داشته‌اند» آن عزیز به جنبه‌های تقوا و خودسازی بسیار اهمیت می‌داده‌اند و این مطلب را در زندگی فرزند ایشان آیه‌الله سید محمود امام جمعه عارف نامدار و عالم ربّانی، صاحب کشف و شهود عرفانی نیز می‌توان دید. شاید بتوان گفت: علت عدم اقامه امامت جمعه یکی انزواطلبی ایشان و دیگری وجود حضرت حجة الاسلام در زنجان بوده که با وجود حضرت حجة الاسلام نه تنها بزرگان شهر زنجان بلکه دانشمندان منطقه کلاً تحت الشعاع قرار گرفته بوده‌اند و اتفاقاً در طول مدت اقامت حضرت حجة الاسلام در زنجان تولیت و امامت جمعه و جماعت مسجد جامع سید را نیز ایشان به عهده داشته‌اند. و به نوشته «گنجینه دانشمندان» فرزند جناب میرزا ابوالفضائل امام جمعه به نام آیه‌الله سید محمود امام جمعه - که شاگرد حضرت حجة الاسلام نیز بوده - در سن ۲۰ سالگی - بعد از رحلت مرحوم حجة الاسلام - به دستور مرحوم آخوند ملا غلامحسین فقیه زنجانی در مسجد سید اقامه جماعت می‌نمودند.

علی ای حال آن عزیز یکی از بزرگان زنجان در زمان مشروطیت بوده و بسیار شدید مورد توجه حضرت حجة الاسلام قرار گرفته‌اند تا آنجا که جناب حجة الاسلام نبشته‌ای دال بر متولّی بودن خاندان امام جمعه مسجد سید را به

ایشان داده‌اند و این دست خط هم اکنون در دست حاج سید محمد حسینی امام جماعت و متولی مسجد سید موجود است.

۱۳- شیخ ابراهیم بن شیخ اسدالله دیزجی زنجانی

ایشان در زنجان متولد شده و مقدمات اولیّه را در زنجان تحصیل کرده، سپس به نجف اشرف مهاجرت نموده‌اند، از محضر آخوند خراسانی تلمذ نموده و موفق به اخذ اجازه از ایشان شده و مراجعت به زنجان کرده‌اند. آنگاه مشغول ترویج و تبلیغ شده‌اند و در تاریخ ۱۳۳۷ وفات نموده‌اند، ایشان والد شیخ اسماعیل ساکن طهران و شیخ عبدالله می‌باشند.

۱۴- حاج سید عبدالله شمس‌الدین موسوی زنجانی

وی فرزند محمد بن ابوالقاسم از اعظام علماء امامیه بوده و صاحب تألیفات قیمه می‌باشد. ایشان در زنجان به سال ۱۲۶۲ قمری متولد شده و در خاندان سیادت و علم و فضیلت و تقوی نشو و نما نموده و به چندین واسطه نسب ایشان متصل می‌شود به ابراهیم سمین، مدفون در قریه سلیمان بک نزدیک توزخرما در کرکوک و در آن اطراف شهرت به سزا دارند و از اطراف به زیارتش می‌روند و گنبد و بارگاه مجللی دارد و سادات محله تسعین کرکوک از اولاد وی می‌باشند.

آقای موسوی مقدمات را در زنجان از محضر شیخ حسن طارمی که از اعظام مدرّسین سطوح بوده، استفاده کرده و در سنه ۱۲۸۰ قمری برای ادامه تحصیل به قزوین مهاجرت کرده و در سال ۱۲۸۳ بعد از توقف وی در قزوین از محضر شیخ حسین معروف به شعبان کردی استفاده نموده و بعد به مشهدالرضا علیه سلام الله مشرف شده، در اثناء سفر خود، در سبزوار از محضر فیلسوف نامی جناب حاج ملا هادی سبزواری صاحب منظومه معروف استفاده نموده و

در سال ۱۲۸۶ به نجف اشرف مشرف شده و تا ۱۲۹۴ قمری به تحصیلات خود در آنجا ادامه داده، سپس مراجعت کرده به زنجان و به تدریس پرداخته و مرجعیت پیدا کرده و به سال ۱۳۱۳ قمری در زنجان وفات نموده، آثار علمی وی بدین قرار است:

- ۱- کتابی در قطع
 - ۲- کتاب الأیماظات و الایقاظات
 - ۳- رساله‌ای در عروض و القوافی
 - ۴- شرح مختصر النافع
 - ۵- شرح کتاب الطهاره
 - ۶- مصابیح در مقتل
 - ۷- نورالمنابر که چاپ شده
- ۱۵- شیخ جواد طارمی

جناب شیخ جواد، طارمی الاصل، زنجان‌ی المسکن، عالم فاضل کامل، محقق مدقق، فقیه و اصولی و متکلم و مؤلف ارزشمند، در طارم به دنیا آمده و به زنجان مهاجرت کرده است، تألیفاتی دارد ارزشمند از جمله آنهاست:

- ۱- حاشیه بر قوانین میرزای قمی
- ۲- حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی انصاری
- ۳- شرح الصمدیه فی النحو که در اوائل تحصیلش نوشته
- ۴- منتخب العلوم که شامل قواعد صرفیه و نحویه همراه با معماهای فقهیه می‌باشد.
- ۵- ربیع المجتهدین فی الادعیه
- ۶- شرح نهج البلاغه
- ۷- عقائد الشیعیه فی الاصول و العقائد طبع شده در سنه ۱۳۰۰.

وی در تاریخ ۱۳۲۵ قمری در زنجان وفات کرده و چند نفر اولاد صالح به جامعه اسلامی تحویل داده‌اند، یکی از آنها حاج شیخ یحیی طارمی است که در زنجان متون سطوح را از اساتید زنجان تلمذ نموده و برای نیل به مقامات عالیه مهاجرت نموده به نجف اشرف و از محضر علماء عظام آنجا استفاده نموده و مراجعت نموده به زنجان و از اکابر علماء زنجان بود و بسیار زاهد و صاحب ورع و پرهیزگاری و مردی دانشمند و فاضل بوده و مشغول به وعظ و خطابه بوده، به طوری که نوشته‌اند و نقل شده از متأخرین مثل ایشان کمتر دیده شده و در مسجد جامع سید اعلی الله مقامه امام جماعت بوده تا اینکه در ۱۳ شوال سال ۱۳۵۲ وفات نموده و دوم از اولاد شیخ جواد، جناب آقا شیخ مرتضی طارمی است. متوفی در نجف اشرف به سال ۱۳۳۴، وی مردی فاضل و جلیل القدر بوده است. سوم از اولاد ایشان، جناب آقا شیخ صادق فرزند آقا شیخ جواد، در زنجان از اساتید حوزه تحصیل نموده و به قم مهاجرت نموده و از محضر آیه الله آقا شیخ عبدالکریم یزدی مؤسس حوزه قم استفاده نموده و بعد مراجعت نموده به زنجان و مشغول تبلیغ بوده تا اینکه در تاریخ ۱۳۶۲ به مرض سکتہ وفات نموده و چهارم از اولاد شیخ جواد، جناب شیخ جعفر است که علی الظاهر به مقدمات اکتفا نموده است.

۱۶- ملا فتحعلی زنجان

ایشان در تاریخ ۱۲۶۸ قمری متولد شده‌اند. وی فرزند حاج ولی برادر حجة الاسلام زنجان بوده است، مقدمات عربیه را در زنجان از محضر اساتید شهر فرا گرفته، سپس منتقل شده به قزوین و در پیش سید علی خوئینی زنجان صاحب حاشیه بر قوانین، تلمذ نموده و بعد منتقل شده به طهران و از محضر آیه الله آشتیانی و حاج میرزا محمد صاحب حاشیه بر رسائل در دروس سطوح و

خارج استفاده کرده و مراجعت نموده به زنجان و مدت ۸ سال از عم خود (آخوند حجة الاسلام) استفاده نموده، سپس دوباره منتقل شده به طهران و مدت یک سال در حضرت عبدالعظیم توقف نموده و برای نیل به درجه اجتهاد مسافرت نموده به نجف اشرف و از محاضر مراجع بزرگ عالم تشیع از قبیل آقا سید حسین کوه‌کمری، عموی مرحوم والد آیه‌الله آقا سید محمد حجت کوه‌کمری و علامه میرزا محمد حسن شیرازی صاحب فتوای تحریم تنباکو و شیخ حبیب‌الله رشتی و فاضل اردکانی یزدی و مازندرانی استفاده نموده و بعد از فوت استاد خود جناب حاج میرزا حبیب‌الله رشتی در خانه خود نشست و مشغول تألیف شد، تألیفات ارجلاری از خود به یادگار گذاشته و در اواخر عمر در کوفه ساکن بوده و به تاریخ ۱۳۳۸ قمری دار فانی را وداع نموده و در وادی السلام مدفون گردید و برادر وی مرحوم آقا علی از اجلاء محققین بود و در ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۲۹ وفات نموده و خلف وی مرحوم آقا شیخ حسین معروف به ساعت‌ساز از مدرسین سطوح نجف اشرف بوده، مردی وارسته و موقر بوده که در نجف اشرف مرحوم شده است.

۱۷- آقا شیخ عبدالعلی

عالم رفیع، صاحب فضل جمیل جناب شیخ عبدالعلی بن مولی عبدالصمد بن مولی علی اکبر بن محمد سعید، متولد در ۱۳ رجب سنه ۱۲۶۸ از اجلاء شاگردان مولی قریانعلی زنجان می‌باشد که منتقل شد به نجف و بر شیخ محمد حسن مامقانی و فاضل شریانی و غیر این دو شاگردی نمود و بیش از ۱۰ سال در آنجا بود، سپس از اساتید خود اجازه دریافت نموده و مراجعت کرد به زنجان و مشغول به تدریس و ترویج شد تا اینکه در روز چهارشنبه ۱۳ جمادی الآخر در سنه ۱۳۴۹ قمری رحلت فرمود، استخاره ایشان بین مردم معروف بود و از

ائمه جماعات بود، چند تألیف دارد از جمله آنها است:

۱- حاشیه بر رسائل

۲- شرح دعاء صباح

۱۸- میرزا عبدالله کاوندی زنجانی

وی در قریه کاوند از دهستان ایجرود در چهار فرسخی زنجان متولد شده است و تاریخ تولد وی بدست نیامد. او متون اولیه را در شهر زنجان نزد عظماء حوزه تلمذ نموده، در الفهرست می نویسد: شیخ عبدالله فرزند مولا عبدالله احمد زنجانی از علماء امامیه که بر مجدد شیرازی نیز تلمذ کرده است و در سامرا به کسب علوم و معارف پرداخته است، وی فقیه محقق و مجتهد عظیم المنزله و دارای خط زیبایی بوده، در تاریخ ۱۳۲۸ قمری مشرف شد به زیارت حضرت رضا علیه السلام و بعد مراجعت نمود به زنجان و یک سال در زنجان توقف نمود و بزرگان زنجان از جمله آقا سید محمود امام جمعه یک سال از محضرش استفاده نمودند، و یک رساله از درس خارج وی نوشته بود، مراجعت کرد به نجف اشرف و در مراجعت به کاظمین در تاریخ ۱۳۲۹ قمری دنیا را وداع نمود.

۱۹- عالم فاضل جناب شیخ جعفر

ابن ملا محمد باقر بن میرزا عباسعلی بن مولی قواقی از یکی از قرای انگوران بوده و اصلش از سجاس می باشد در سنه ۱۲۶۸ تقریباً متولد شده و مقدمات علوم اسلامی را در زنجان و قزوین نزد اساتید وقت خوانده، سپس منتقل شده به نجف و ۱۱ سال در آن دیار از فقهاء عظام و علماء بزرگ مستفید شده سپس مراجعت نموده به زنجان و صاحب تألیفاتی چند بوده است و در سال ۱۳۳۷ قمری به رحمت ایزدی پیوست و فرزندش جناب حاج شیخ عبدالخالق به سال ۱۲۹۲ متولد شده و در وطنش زنجان تحصیل علم و ترویج

شریعت نموده است، تا اینکه در سال ۱۳۵۸ قمری فوت می‌نماید.

۲۰- شیخ زین العابدین زنجان‌ی عابدی

فرزند حسن از اعظام علماء زنجان بوده، ایشان بر سید محمد کاظم یزدی و شیخ عبدالله مازندرانی و آخوند خراسانی شاگردی نموده، وی فقیه محقق و مدرس و ثقة و سلیم النفس بوده، در سال آخر عمرش به مکه مشرف شده و پس از مراجعت در سال ۱۳۴۸ روز ۲۷ شعبان در زنجان به رحمت ایزدی پیوست. آیه الله حاج سید احمد زنجان‌ی که شاگرد ایشان می‌باشد در وصف استادش سروده:

فقیه اهل بیت آن شیخ عابد	که به در راه دین از جان مجاهد
به صبح ۲۷ در ماه شعبان	از او خالی بشد محراب مسجد
شدم در فکر تاریخ وفاتش	ز غیم گفته شد «مغفور ایزد»
	۱۳۴۸

۲۱- آخوند هیدجی

حکیم الهی و فیلسوف اسلام حاج ملا محمد بن حاج معصوم علی هیدجی از حکماء با فضیلت و با کمال و تارک دنیا بوده و صاحب تألیفات قیمتی و از مفاخر ابهرود می‌باشد. ایشان در قصبه جدید الاحداث هیدج نزدیک صائین قلعه (که الان شهر شده است) در ۶۰ کیلومتری زنجان و ۱۵ کیلومتری ابهرود، در تاریخ ۱۲۷۰ هـ ق به دنیا آمده و باعث شهرت آن قصبه شده رجال بزرگی در آن قصبه خوش آب و هو برخاسته‌اند که باعث شده‌اند اغلب طلاب علوم دینی ابهرود در همان قصبه درس سطوح را تا قوانین بخوانند.

آخوند هیدجی در اشعار خود اشارات متعدّد به محل تولد خود دارد از آنجمله گوید:

مرا جایگه صفحه هیدج است که بر نوعروسی صفای هودج است در هیدج زندگی ساده‌ای داشته است، ظاهراً قبل از مسافرت به قزوین قسمتی از تحصیلات مقدماتی خود را در آن بلده از آخوند ملاعلی، بانی مدرسه تلمذ نموده است و سپس مهاجرت کرده به قزوین و از سید علی خوئینی قزوینی، صاحب حاشیه بر قوانین میرزا قمی تلمذ نموده است. حکیم هیدجی در سال ۱۲۹۷ هـ ق برای اخذ و تکمیل معلومات به قزوین رفته بوده، ولی در آنجا در مدرسه حسن خان با عسرت و تنگدستی زندگی می‌کرد.

خود آخوند شرح حال خود را نگاشته ولی اشاره به سفر عتبات عالیات نکرده، علی‌الظاهر به عتبات نرفته بودند و تا آخر عمر در طهران، خیابان خیام در مدرسه سید ناصرالدین توطن گزیده و مشغول تدریس فلسفه و حکمت و اسفار اربعه و منظومه بوده و در طهران به سال ۱۳۱۴ شمسی وفات نموده و بنا بر وصیت آن مرحوم جنازه‌اش را به قم حمل نمودند و بعد از نماز خواندن آیه‌الله مؤسس در سمت شمال شرقی بارگاه حضرت معصومه سلام الله علیها که در آن زمان قبرستان بوده، دفن نموده‌اند، رحمة الله علیه.

۲۲- آقا شیخ کاظم زنجانی، صاحب مسجد معروف آقا شیخ کاظم

علم الهدی و کشف الوری، عالم الربانی و فاضل صمدانی مولی شیخ کاظم زنجانی صاحب نفس زکیه و ناطقه قدسیه، زاهد و عابد و صاحب ورع، مصداق آیه کریمه «و نهی النفس عن الهوی فأَنَّ الجَنَّةَ هِیَ المَأْوِی» و نیز توقیع شریف: «فمن کان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدینه، مخالفاً لهواه ...»

درباره ایشان گفته شده روزی وارد مسجد شد - برای اقامه نماز جماعت - و مشاهده نمود صفها مملو از جماعت مؤمنین هستند، از همان درب بازگشته بود، بعداً که سؤال از علت برگشتشان کرده بودند، فرموده بود: «در نفس خودم

احساس عجب و غرور کردم و لذا برگشتم.»

علم ایشان توأم با عمل بود، مسجدی بنا نهاده که به مسجد آقا کاظم معروف است که در سنه ۱۳۱۰ این مسجد را ساخته‌اند و خود آن عزیز به سال ۱۳۲۲ قمری رحلت نموده، رضوان الله علیه.

۲۳- شیخ ابوالقاسم و شیخ ابراهیم دیزجی

عالم فرزانه جناب شیخ اسدالله ابن ملاعلی، اصلش از بعضی از قرای قزوین می‌باشد در قزوین بر اساتید آنجا تلمذ نموده و به دیزج مهاجرت کرده است و در آن دیار مانده تا اینکه روحش به عالم ملکوت پرواز نموده است. دو فرزند وی: شیخ ابوالقاسم و شیخ ابراهیم. و اما شیخ ابوالقاسم دیزجی در سنه ۱۲۷۲ ولادت یافت و قسمتی از مقدمات را به همراه برادرش نزد پدرخواند، سپس به قزوین مهاجرت نمود و متون دروس را بر اساتید حوزه قزوین قرائت نمود و بعد به زنجان مراجعت کرد و نزد ملا قربانعلی حجة الاسلام تلمذ نمود سپس منتقل شد به نجف اشرف و در درس محقق مامقانی و فاضل شریانی و محقق خراسانی قدس الله اسرارهم حاضر می‌شد. و تا هفت سال بدین منوال گذشت تا اینکه از فاضل شریانی اجازه دریافت نمود، سپس به همراه برادرش به وطن بازگشت و تألیفاتی چند دارد:

۱- کتاب فی الاصول ۵ جلد،

۲- کتاب فی الفقه ۳ جلد.

و آن عزیز در سنه ۱۳۳۵ رحلت فرمود و چهار فرزند ذکور داشت که همه اهل علم بودند.

و اما شیخ ابراهیم همانگونه که اشارت رفت از ابتداء تحصیل نزد پدر تا مراجعت از نجف اشرف به همراه برادرش شیخ ابوالقاسم بود و او از محقق

خراسانی اجازه دریافت نمود و در سنه ۱۳۳۷ رحلت نمود و دو فرزند داشت یکی حاج شیخ اسماعیل و دیگری حاج شیخ عبداللّه. هر دو برادر بر سید ابوالحسن اصفهانی (ره) تلمذ نمودند و بعد به زنجان بازگشت کردند.

و اما شیخ اسماعیل مهاجرت کرد به طهران و از ائمه جماعت آنجا بود و تألیفاتی نیز داشت در موضوع: حکایات لطیفه و مطالب متفرقه. و اما شیخ عبداللّه مهاجرت کرد به عروس و ساکن شد در دهی از دهات روس [روسیه] و ایشان از قبیل آیه الله اصفهانی وکیل بود در أخذ وجوه شرعیه و در یکی از قرای آنجا فوت نمود به نام بستاندره.

۲۴- حاج سید حسین زنجانى (ره)

وی در تاریخ ۱۲۷۴ قمری در زنجان متولد شده اند مقدمات متداوله را در زنجان و همچنین سطوح عالیّه را در آن شهر از محاضر اساتید عظام استفاده نموده اند و برای نیل به مقام اجتهاد مهاجرت نموده اند به نجف اشرف از مراجع عصر خودش که یکی از آنها شیخ محمد حسن ما مقامی صاحب حاشیه بر مکاسب شیخ (ره) بهره مند شده اند. وی فقیه ما هر و مجتهد بودند و مراجعت نمودند به زنجان و مشغول افاده بودند.

صاحب «الفهرست لمشاهیر علماء زنجان» او را چنین توصیف می کند: «محقق مجتهد، جلیل عزیز العلم»

تا اینکه در ۶ ماه رجب ۱۳۲۲ قمری وفات نموده اند در زنجان آقا زاده اش جناب حجة الاسلام سید مهدی متولد ۱۳۰۰ قمری بر شریعت اصفهانی و غیره از اساطین حوزه نجف تلمذ نموده اند آقا زاده او جناب دانشمند محترم آقا سید نجم الدین فرزند سید مهدی فرزند سید حسین به تاریخ ۱۳۳۲ قمری متولد

شده‌اند از علماء و اساتید زنجان استفاده نموده در اواخر به قم مهاجرت نموده و به درس آیه‌الله حجت کوه کمری حاضر می‌شدند (رحمة الله علیه).

۲۵- شهید شیخ حسین جوقونی (ره)

در فتنه مشروطه ایران خیلی از بزرگان علماء کشته شدند و از آنها بود جناب آقا شیخ حسین جوقونی که اصرار داشتند که باید مشروطه ایران مشروط باشد به مشروطه شرعیّه، دولت وقت او را تبعید نمودند به بادکوبه، به مدت ۳ سال در آنجا در تبعید بودند و بعد از آن مراجعت نمودند به ایران. باز آن عالم ربانی مبارزه خود را ادامه می‌دادند، دوباره تبعید شد به عراق و تقریباً یک سال در آنجا بودند و بعد مراجعت نمودند به ایران و در منزل خود با گلوله ترور و شهید شد به تاریخ ۷ جمادی الاولی ۱۳۲۷ فرزندی وی آقا شیخ جواد شهیدی در نزد بزرگان علماء زنجان تلمذ نمود از جمله نزد، آقا شیخ فیاض شریعتی سرخه دیزجی در فقه و اصول، و ریاضیات را نزد آقا میرزا ابراهیم حکمی زنجان‌ی خواند و بعد مهاجرت نمود به طهران و از اساتید آنجا استفاده کرد و فلسفه را در تهران نزد آیه‌الله آشتیانی بوده و بعد از آن مهاجرت کرده به قزوین و حکمت را از محضر آقا سید ابوالحسن قزوینی استفاده نموده و بعد مراجعت کرده به زنجان و قریب ۲۵ سال در روستای جوقون و اطراف آن مشغول به تبلیغ دین بودند، اواخر عمر به زنجان آمدند و سطوح عالیّه تدریس می‌کردند و در تاریخ ۱۳۳۶/۱۲/۱ وفات کرد، آن مرحوم دو پسر دارد یکی آقا شیخ نجم الدین و دیگری آقا زین الدین که هر دو اهل علم‌اند.

۲۶- آخوند میرزا مجید زنجان‌ی

علامه حکیم و محقق عظیم جناب میرزا مجید زنجان‌ی، در زنجان مقدمات و سطح را تحصیل کرده، آنگاه به طهران منتقل شد و بر محقق معظم

جناب میرزا ابوالحسن اصفهانی مشهور به جلوه و بر محقق آشتیانی و آقا علی نوری قدس الله ارواحهم تلمذ نمود. سپس به زنجان مراجعت نمودند و شروع به تدریس و تبلیغ و ارشاد مردم کردند و شاگردان بسیاری از مکتب وی برخاستند. ایشان در حدود سنه ۱۳۲۴ رحلت نمودند (رحمة الله علیه) از تألیفات آن عزیز می توان ۱- حاشیه بر شوارق از اول تا آخرش که در حاشیه آن خطشان موجود است، ۲- حاشیه بر کتاب شفاء را نام برد.

۲۷- شیخ اسماعیل سلطانیه ای

ایشان فرزند شیخ محمد حسین سلطانیه ای، تولدش سنه ۱۲۱۹ هجری قمری است و از شاگردان سید محمد باقر حجة الاسلام چزری طارمی اصفهانی بوده و در سال ۱۳۶۰ در اصفهان رحلت نموده است.

۲۸- شیخ محمد رضا زنجانی (ره)

این عالم فرزانه فرزند شیخ عبدالوهاب می باشد و مولدش در زنجان سنه ۱۲۷۷ قمری رخ داده است و پدرش بعد از دوسالگی فوت نموده و در دامان مهر مادر تربیت یافته و مقدمات و ادبیات و سطوح را در زنجان استفاده نموده و مهاجرت نموده اند به نجف اشرف و از محاضر مراجع متعدد خصوصاً از فاضل شریانی و شیخ علی نهاوندی صاحب «تشریح الأصول» استفاده شایانی برده آنگاه منتقل شده به کاظمین و بسیار به تهذیب نفس اهمیت می داده اند و کثر الصمت بوده و تکلم نمی نموده مگر به آنچه لازم بوده و دائماً اشتغال به ذکر الله و تفکیر در صنع خداوندی و نیز بسیار متواضع و ساعی برای حوائج مردم بوده اند تا اینکه در آخر عمر مبتلا به حبس البول شده و با این حال می فرموده: لطفک یا کریم یا معبود.

آن بزرگ در روز جمعه ۱۵ رجب ۱۳۹۶ در نود سالگی در کاظمین از دنیا

رحلت فرمود و در مقابل قبر حجة الاسلام ملاقربانعلی زنجانی در رواق بالاتری از شیخ مفید رحمة الله علیه مدفون گردیده (رحمة الله و رضوانه علیه).

۲۹- میرزا عبدالرحیم مهانی طارمی (ره)

به تاریخ ۱۲۷۹ قمری در مهان بدنیا آمد، وی فرزند محمد مهانی می باشد. مقدمات متداوله را در قریه هیدج [که الان به شهر تبدیل شده] گذراند و سنه ۱۳۹۹ قمری در سن ۲۰ سالگی به نجف اشرف رهسپار شده اند و از محضر آخوند خراسانی و سایر اساتید حوزه علمیه نجف بهره مند شده اند. استاد ما در «مشاهیر فهرست علماء زنجان» می فرمایند:

«و رجع عن العراق مفیداً و مرجعاً در سنه ۱۳۱۴ قمری». و ایشان در جلالت و فضل مشهورتر است از اینکه بیان شود، ایشان محقق و مجتهد و کثیرالعلم و سلیم النفس و دارای حسن خلق بودند و خط زیبایی داشتند و بعد متصدی امامت جماعت در مسجد جمیله خانم شدند و منبر می رفتند هم در ایام سوگواری و هم در ایام ولادت و نشیندم از متأخرین کسی را که موعظه و منبرش به اندازه ایشان بانفوذ باشد» تمام شد کلام استاد ما صاحب «الفهرست».

تا اینکه آن عزیز در روز ۱۲ صفر سنه ۱۳۶۵ به عالم بقا شتافت.

۳۰- شیخ اسدالله رستم خانی (ره)

از اکابر دانشمندان بوده، وی فرزند میرزا علی اکبر رستم خانی زنجانی است و متولد در ۱۹ رمضان سال ۱۲۸۲ بوده و یک سال بعد از وفات شیخ انصاری در اوان جوانیش مشرف شده بود به نجف اشرف، در اوائل قرن ۱۴ هجری قمری. بعد از فراغ از مبادی علوم در زنجان به نجف اشرف عزیمت نمود و در آنجا نیز توقف نکرد بلکه مشرف شد به سامرا از محضر اساتید میرز مثل مرحوم سید محمد فشارکی که از توابع اصفهان بودند و آیه الله سید محمد

حسن مجدّد شیرازی، استفاده نموده و به تاریخ ۱۳۲۱ قمری بعد از فوت میرزای شیرازی مراجعت نمود به نجف اشرف و دوباره پس از اندکی مراجعت نموده به سامرا از محضر میرزا محمد تقی شیرازی استفاده نموده و در نهم ماه رجب ۱۳۵۴ قمری به رحمت ایزدی پیوست و در مقابل مقبره فاضل شریانی مدفون گردید. وی آثاری به یادگار گذاشته:

۱- حاشیه بر رسائل ۳ جلد،

۲- کتاب فقه مبسوط،

۳- کتاب الخیارات،

۴- رساله ای در قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم»

۵- رساله ای در قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»

۶- رساله ای در قاعده «اوفوا بالعقود»

۷- کتاب الطهارة به نجات العباد،

۸- تقریرات استادش در طهارت،

۹- تقریرات در مباحث الفاظ در علم اصول،

۱۰- رساله ای در لباس مشکوک

نقل شده مرحوم آية الله العظمی حجّت کوه کمری، از ایشان خیلی استفاده نموده بود. فرزند بزرگوار و جلیلش آقا میرزا علی زنجانى در کاظمین امام جماعت بودند در آخر روز چهارشنبه در ماه رمضان در سال ۱۲۸۹ هجری قمری مرحوم شد و جنازه اش در روز پنجشنبه در نجف اشرف دفن گردید و به نوشته صاحب الفهرست ایشان اصلاً از دیزج زنجان بوده اند، چون که بعد از ذکر دیزج می نویسد: «و منهم الشيخ الأكبر الفقيه الشيخ اسدالله...»

۳۰- حاج سید محمد زنجانى

سید المحققین حاج سید محمد بن سید مجسن بن سید باقر بن سید کاظم

بن الامیر محمد حسین بن سید محسن بن الامیر سلیم بن الامیر برهان الدین سید علی شاهی با چندین واسطه به امام موسی بن جعفر علیهما السلام می رسد.

در زنجان به سال ۱۲۸۴ بدینا آمده و در خاندان سیادت نشو و نما نموده است. آنگاه مقدمات متداوله را در شهر زنجان از اساتید متخصص فن بهره مند شده اند بعد از اتمام ادبیات و قسمتی از سطوح مهاجرت نموده اند به طهران و از حکیم الهی آقا سید ابوالحسن جلوه اصفهانی و آقا علی نوری صاحب بدایع الحکم تلمذ نموده اند و برای نیل به مقام عالیۀ اجتهاد مهاجرت به دانشگاه هزارسالۀ نجف کرده و از چندین نفر از فقهاء عظام استفاده نموده و بعد مراجعت به زنجان کرده اند، از زعماء و علماء بزرگ شهر زنجان و حومه محسوب می شدند، ایشان سه فرزند داشتند به نامهای:

- ۱- جناب آیة الله حاج سید رضا زنجانى، ۲- جناب آیة الله حاج سید ابوالفضل زنجانى، ۳- جناب آقای آقا سید جواد زنجانى
- ۱- حضرت آیة الله حاج سید رضا زنجانى؛

در سنۀ ۱۳۲۲ قمری در زنجان در خاندان علم و اجتهاد به دنیا آمده و مقدمات متداوله را در زنجان تحصیل نموده و مهاجرت به قم نموده و از محاضر اساتید اصول و فقه استفاده نموده اند و در حوزه علمیۀ قم سالها در جلسات تدریس حرم آیة الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری حضور یافته و استفاده علمی برده اند و از خواص معظم له به حساب می آمدند و در سال ۱۳۴۶ قمری به قم مهاجرت کرده بودند که تا سال ۱۳۵۶ قمری ادامه داشت تا اینکه به طهران عزیمت نمودند و از علماء عالیقدر مرکز محسوب می شدند، چند سال قبل دار فانی را وداع کردند. جنازه آن بزرگوار در بلدۀ طَیِّبه قم در جوار حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به خاک سپرده شد.

۲- حضرت آیه الله حاج سید ابوالفضل زنجان (ره):

ایشان در سنه ۱۳۱۸ قمری در زنجان متولد شدند و از محاضر اساتید و علماء زنجان از قبیل آقا میرزا ابراهیم ریاضی و غیره تلمذ نموده در تاریخ ۱۳۴۸ در سن سی سالگی به حوزه هزاره نجف اشرف عزیمت نمودند و از محاضر اساتید معظم و فقهاء عظام شیعه همانند مرحوم آقای محمد حسین نائینی و فیلسوف و عارف بالله جناب شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی استفاده نموده و سپس به تهران باز می گردند و در خیابان امیریه طهران مسجدی داشتند و اقامه جماعت می نمودند تا اینکه در سال ۱۳۷۱ شمسی به جهان ابدی شتافتند.

۳- مرحوم آقا سید جواد زنجان:

فرزند سؤم حضرت آیه الله حاج سید محمد زنجان جناب آقا سید جواد زنجان بودند و فرزند جناب آقا سید جواد، حضرت عمادالاعلام و عمدةالعلماء العظام و نخبة الفضلاء المبرزین، غرة جبهة الشرف، حضرت مستطاب آقای حاج سید هاشم موسوی زنجان بوده که از فضلاء برجسته قم بودند و در انقلاب اسلامی ایران و تهییج مردم زنجان سهم به سزایی داشتند به هنگامی که ساواک در خیابانهای زنجان با مسلسل قتل عام می کرد ایشان نماز جمعه را در خیابان مرکزی شهر خواندند بعد از انقلاب مهاجرت به مشهد مقدس نموده و در آنجا دار فانی را وداع نموده و در جوار رحمت حضرت ثامن الائمه علیه سلام الله به خاک سپرده شدند (رحمة الله و رضوانه علیه).

۳۱- جناب سید علی زنجان (ره)

ایشان فرزند سید جعفر بن میر شکرالله موسوی معروف به پیغمبر در زنجان تحصیل متون سطح را مشغول شده و بعد مهاجرت نموده به نجف اشرف از آخوند صاحب کفایه و شیخ الشریعه اصفهانی بهره مند شده، آنگاه

مراجعت نموده به زنجان، مردی جلیل‌القدر و امام جماعت بود به تاریخ ۱۳۴۳ قمری درگذشت رحمة الله علیه.

۳۲- شیخ میرزا محمد

عالم بزرگوار و فاضل جناب میرزا محمد فرزند میرزا عبدالغنی (ره)، مقدمات متداوله دروس عربیه را در زنجان از اساتید وقت فرا گرفته و بعد مهاجرت کرده به نجف اشرف و از عظمای آنجا همانند شیخ الشریعه اصفهانی و سید علی (قدس سرهما) استفاده نموده، پدرشان نیز از موثقین در نزد حضرت آخوند ملا قربانعلی زنجانی بوده است، خود جناب میرزا محمد در تاریخ ۱۳۲۰ قمری در نجف وفات نموده و در همان خطه مدفون گردیده است.

۳۳- سید اسماعیل سلطانیه‌ای

ایشان فرزند آقا میر اسدالله سلطانیه‌ای است، فقیه ماهر و عظیم‌الشان که از آثار وی شرحی بر قواعد علامه می‌باشد در چهار جلد و فرزند او میرزا ابوالمعالی مرد فاضلی بود، در سنه ۲۸ ربیع الأول ۱۳۲۲ رحلت نمود.

۳۴- آقا شیخ فیاض سرخه دیزجی (قده)

از اکابر فقهاء امامیه و مروج تقلید، جامع معقول و منقول بود، وی فرزند ملا محمد، مدرّس سطوح فقه و اصول و از معاصرین آخوند ملاعلی قارپوزآبادی می‌باشند، ایشان در روستایی به نام سرخه دیزج جزو بخش سلطانیه استان زنجان بدنیا آمد، متون فقه و اصول را در زنجان از محاضر اساتید آن شهر فرا گرفته، صاحب «الفهرست لمشاهیر علماء زنجان» می‌نویسد: «امرہ فی الجلالۃ و الفضل أشهر من أن یبین» یعنی: بزرگی و فضل ایشان بسیار مشهورتر است از اینکه بیان شود.

این بزرگ به سال ۱۲۸۵ قمری متولد شده‌اند و از پدرش از جمله فضلاء

بوده، وی مقدمات را در زنجان تحصیل کرده، بعد به طهران عزیمت نموده و مدّتی در طهران از اساتید آن دیار استفاده نموده و آنگاه مهاجرت نموده، به نجف اشرف نزد شیخ هادی تهرانی و بعد از وفات ایشان به سال ۱۳۲۶ به زنجان مراجعت کرد. و جمعی از اهالی زنجان مقلّد او بودند. در روز جمعه ۱۸ ذی حجة الحرام سنه ۱۳۶۰ در زنجان وفات نموده و نزدیک مقبره آخوند ملا علی قارپوزآبادی سمت شرقی زنجان مدفون گردیده.

ولده الفاضل، العلامة آقا شیخ زین الدین حکمی اصولی، نماینده مرحوم آیه الله بروجردی بود در حومه خرقان قزوین و بعد به تهران رفت و آنجا به سال ۱۳۶۸ شمسی مطابق ۱۴۱۰ قمری رحلت کرد.

۳۵- آقا سید علی نقی سلطانیه‌ای

ایشان فرزند سید عبدالصمد بن میرنصرالله بن میر اسدالله حسینی سلطانیه‌ای می‌باشد. متولد ۱۲۸۸ قمری از شاگردان علامه کبیر حضرت حجة الاسلام آخوند ملا قربانعلی زنجان‌ی بوده، وی مردی فاضل و مدرّس بوده و در زنجان در مسجد ارک اقامه جماعت هم داشته، فرزند دانشمند و فاضل وی، مرحوم حجة الاسلام آقا سید محمد از شاگردان شیخ عبدالکریم یزدی رحمه الله علیه بود و از سایر اساتید حوزه بهره‌مند شده مراجعت نمود به زنجان و از ائمه جماعت و مدرسین حوزه شهر بوده‌اند و از قرار نوشته صاحب «الفهرست»: حاشیه بر قوانین برای جدّ وی، آقا سید نصرالله موجود است. تاریخ وفات وی در سابق گذشت، ۶ ربیع الأول ۱۲۸۷ به مطابق ۱۳۶۶/۶/۲۵ عمر شریفش افول کرده و به ملکوت اعلی پیوست.

۳۶- آقا سید حسن ابن التّضاد

عارف بلند مرتبه و فیلسوف معظم جناب آقا سید حسن ابن التّضاد در

زنجان به دنیا آمده و مقدار معتنا بهی را از دروس علمیّه دینیّه در زنجان از اساتید فن آموخته و در فلسفه و حکمت تخصص داشته و حکمت و فلسفه را از حکیم میرزا مجید که از شاگردان میرزا ابوالحسن جلوه، حکیم معروف بود استفاده نموده و مدرّس معقول بود، در زنجان. و از آقا میرزا باقر زنجانی که مقیم نجف اشرف بودند، معقول را از محضر ایشان استفاده کرده، وی در آن شهر به سنه ۱۳۳۰ قمری وفات نموده (رحمة الله علیه).

۳۷- آقا سید رضا سلطانیّه‌ای

ایشان فرزند آقا سید علی متولد ۱۲۲۸ و متوفی ۱۳۳۵ قمری می‌باشند، مردی بوده است بسیار زاهد و پاکدامن و پارسا و اهالی قریه‌اشان (بوئین) به ایشان علاقه خاصی داشته‌اند و دارند و از ایشان کشف نقل می‌کنند. قبر شریف او مزار مؤمنین است، نبوغ ایشان نیز زیانزد مردمان قریه و حومه می‌باشد. در ایام محرم در بادکوبه و اطراف آن به منبر می‌رفته و اولاد ذکور ایشان دو نفر بود، یکی آقا میرزا سید حسن و دیگری آقا سید باقر.

و اما آقا میرزا حسن مرحوم ذاکر دربار حضرت اباعبدالله الحسین علیه سلام الله بود تحصیلات ایشان در قریه مزبور از ادبیات فارسی بود و بعد مهاجرت نمودند به زنجان و در زنجان از اساتید استفاده نمود و بعد مراجعت نمودند به روستا و شغلش فقط روضه خوانی بود، منبر عالی و صوت عالی داشت به سال ۱۳۸۱ روز سوم شعبان به رحمت ایزدی رفت، فرزندان بزرگوار ایشان آقا سید مجتبی و خانواده اینجانب و دو دختر دیگر است.

و اما آقا سید باقر که با شهرت حسینیان مشهور است، ایشان بعد از اتمام تحصیلات خود در قم ساکن شدند، عالمی فاضل و اهل منبر و حاکم شرع است و بعد به سمت دادگاه مدنی خاص در تهران منصوب شدند، ولادتشان به سال

۱۲۸۶ قمری، وفاتشان در سال ۱۳۶۰/۷/۶ شمسی بود، رحمة الله علیه.

۳۸- آقا سید محسن آل یاسین (قدس سرّه)

السید السند، الحاج سید محسن ابن السید یاسین السمائی در قریه‌ای قریب به سجاس که در قسمت غربی سجاس واقع است به دنیا آمد، به سال ۱۲۸۹ قمری. و مردی بسیار فاضل و بلندمرتبه و از ائمه جماعات بوده و به سال ۱۳۵۳ قمری به رحمت ایزدی پیوسته، فرزند بزرگوارش حاج سید اسماعیل که به آل یاسین معروف است از ائمه جماعت بوده و در میانسالگی به رحمت ایزدی پیوسته (رحمة الله علیهما).

۳۹- شیخ عبدالکریم صائین قلعه‌ای

علامه کبیر اسلامی حضرت حاج شیخ عبدالکریم فرزند مولی عزیز می‌باشد، متون علمیّه دینیّه را در زنجان به تحصیل پرداخته و بعد از آن به قزوین عزیمت نموده، سپس منتقل شده به نجف اشرف و قریب به ۳۰ سال در آن شهر مجتهدپرور توقف داشته و از محضر اساطین فن بهره برده آنگاه به زنجان مراجعت کرده و به سال ۱۳۴۵ قمری به سوی ابدیت به پرواز درآمده است. فرزند بزرگوارش شیخ ابو عبدالله نزد میرزا علی نقی و حاج میرزا عبدالرحیم تلمذ نموده و مردی فاضل و عالم بوده و به سال ۱۳۵۹ قمری رحلت کرده و سبط شیخ عبدالکریم، جناب شیخ یحیی می‌باشد، که در قم تحصیل کرده است.

۴۰- شیخ عبدالکریم خوئینی

متولد در قصبه خوئین که در ۸ فرسخی زنجان می‌باشد، آن مرحوم در حدود سنه ۱۲۹۱ هجری قمری در خاندان روحانی بدنیا آمد، پدرش حجة الاسلام ملا ابراهیم است که از شاگردان شیخ انصاری بوده و مادرشان مجتهدۀ مطهره، صبیّه آیة الله آقا شیخ عبدالکریم روغنی قزوینی می‌باشد. علاوه

بر اینکه دختر مجتهد بوده، خود نیز تحصیلات عالیه داشته و آنگونه که نقل شده در درس خارج پدرش در پس پرده حاضر می شده و استفاده می کرده و ازدواج ایشان در نجف اشرف بوده و آنگاه به قزوین مراجعت نموده و بعد از آن به خوئین رفته و در همانجا رحلت نموده است و خلاصه اینکه یک زن پارسایی بوده و علاقه مفراطی به روحانیت داشته است، به طوری که حاضر نشده اولاد ایشان غیر روحانی باشند.

و اما خود شیخ عبدالکریم در نجف تحصیل کرده و در مدت اقامت در نجف اشرف از محضر آیه الله آقا سید کاظم یزدی - صاحب عروه - و آخوند ملا کاظم خراسانی - صاحب کفایه - تلمذ نموده و مرحوم آقا بزرگ طهرانی نقل نموده که آقا شیخ عبدالکریم از معروفین و فضلاء درس آخوند حساب می شدند و شرح کفایه را در نجف نوشته اند که به «خودآموز کفایه» معروف است و بیش از ۹ بار تاکنون به چاپ رسیده و در مقام عملی ایشان همین بس که شاگردانش جزو فقهاء بزرگ شده اند، همانند آیه الله آقا میرزا باقر زنجانى که از مدرسین شهر و نمونه در علم و تقوی بوده است.

آیه الله آقا شیخ عبدالکریم خوئینی صاحب اجازاتی از مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی و مرحوم آخوند خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی بوده اند و بعد از وفات آخوند به زنجان مراجعت نمودند و تا شهریور ۱۳۲۰ در زنجان مشغول بودند و به تدریس فقه و اصول اشتغال داشته اند و بعد از این تاریخ مهاجرت کردند به خوئین و ۵ سال در آنجا مشغول فعالیتهای مذهبی بوده اند و بالاخره در تاریخ ۱۳۲۵ شمسی مهاجرت نمودند به قم و در قم نیز به تدریس خارج مشغول بوده اند تا اینکه در سال ۱۳۶۹ هجری قمری رحلت فرمودند در روز ۲۸ صفر و حسب الوصیه در قبرستان حاج شیخ مدفون گردیدند.

بهرستان نو

در ۱۳۷۵

۴۱- شیخ ذولفعلی زنجانی

وی فرزند شیخ عبدمناف بن شیخ محمد معصوم القاضی می‌باشد و لقب قاضی بر اجداد وی گفته می‌شود که به یکی از اصحاب امام رضا (ع) منتهی می‌شود و اغلب آنها اهل علم بوده‌اند.

ایشان در زنجان به دنیا آمده و متون فقه و اصول را در موطن خود بهره برده و سپس به نجف اشرف مهاجرت نموده و در سامراء جزء شاگردان میرزای شیرازی بوده و بعداً به نجف رفته و از محضر فاضل شریانی استفاده نموده و به زنجان بازگشته و موفق به اخذ اجازه از فاضل شریانی شده و در زنجان مشغول فعالیت‌های دینی بوده تا اینکه در روز جمعه ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۴۵ هجری قمری نداء حق را لبیک گفت.

۴۲- شیخ احمد آیه‌اللّهی

از جمله علماء و مشاهیر نامدار زنجان و نیز از اساطین فقها که صاحب کتب کثیره می‌باشد، جناب شیخ احمد آیه‌اللّهی (قدس سره) می‌باشد.

مولد ایشان در قریه «دواسب» از قراء نزدیک زنجان است و بر شیخ مقیم زنجانی که ساکن درگزین همدان و صاحب مدرسه علمیه بوده، تلمذ نموده و نیز نزد حضرت حجة الاسلام مجتهد اکبر زنجان تلمذ و شاگردی کرده، ایشان بعد از نیل به مقام منیع اجتهاد در مکتب درس آخوند ملا قربانعلی، به نجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر آیه‌اللّهی یزدی و خراسانی نیز مدتی بهره برده بعد مراجعت به زنجان نموده تألیفات ارجدار وی:

۱- کتاب «عناية الحق» در اصول فقه که طبع شده، ۲- رساله عملیه می‌باشد.

و در زنجان در مسجد خود اقامه جماعت داشته و به سال ۱۳۵۲ قمری رحلت کرده، جنازه وی را به قم حمل نموده و در مقبره حضرت علی بن جعفر

عليهما السلام مدفون گردیده است. فرزندان وی:

- ۱- جناب دانشمند معظم حاج شیخ محمد آقا که پس از فراغ از تحصیل در زنجان و قم در مکان والد خود مشغول فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی شده،
- ۲- جناب آقا شیخ حسن از محصلین حوزه قم و از رفقای صمیمی نویسنده بوده و مدتی هم در نجف به درس آیات عظام مانند فقیه الأئمه امام حکیم (ره) و مرجع اعلی آقای خوئی (ره) حاضر شده و بعد از مراجعت از نجف اشرف در تهران در مسجد حشمتیه امام جماعت بود و مشغول تبلیغ دین گردیده است، رحمه الله و رضوانه علیه.

۴۳- شیخ محمد رضا زنجانى (قده)

از اوتاد عصر حاضر و مورد علاقه جمعی از مردم ارض اقدس مشهد بود و به نوشته سوانح در شب اول صفر سنه ۱۳۵۰ وفات نمود و در صحن جدید حضرت رضا علیه السلام مدفون شد (ره).

۴۴- آخوند ملا محمد قراگوزلو

عالم فاضل جناب مولی محمد ابن مصطفی قلی که در روستای قراگوزلو از قرای ایجرود متولد شده که در هشت فرسخی استان زنجان است. و آنگاه شاگردی کرده، نزد علامه کبیر آخوند ملا قربانعلی حجة الاسلام و نیز در نزد محقق زاهد مولی آقا کاظم و غیر اینها از مدرّسین حوزه علمیه زنجان و بعد مراجعت کرده به روستای زادگاهش برای افاده و افاضه دینی. و فرزند بزرگوارش استاد بزرگوار ما جناب شیخ یعقوبعلی جبّاری (ره) می باشد.

۴۵- شیخ حسین زنجانى (ره)

ایشان فرزند حاج فتح الله به تاریخ ۱۲۹۲ در زنجان متولد شده و بر علماء وقت زنجان از قبیل میرزا خلیل و میرزا مجید و میرزا ابراهیم ریاضی و ملا

سبزعلی و میرزا عبدالرحیم مہانی طارمی از دروس سطح حوزه و متون ریاضیات و حکمت و کلام تلمذ نموده و به تاریخ ۱۳۱۷ قمری به نجف اشرف عزیمت نموده و بر شیخ الشریعہ اصفہانی (ره) و آیۃ اللہ آقا شیخ کاظم خراسانی تلمذ نموده و مدت ۱۴ سال از اساتید حوزه علمیہ نجف بهره مند شدہ. وی فقیہ متبحر و جامع کمالات بودہ و در مدرسہ سید بعد از مراجعت بہ سال ۱۳۳۰ قمری درس خارج طہارت شیخ را عنوان نموده و مدرّس فقہ و اصول بودہ و صاحب «الفہرست» می نویسد: «فاضل، بارع، فقیہ، أحد رؤساء روحانیون» و سپس بہ سال ۱۳۶۶ قمری دار فانی را وداع نموده، تألیفات مہم و ارجداری از خود بہ یادگار گذاشتہ است، رحمۃ اللہ علیہ.

۴۶- آقا شیخ حسین قاتوقی (ره)

یکی از پرچمداران اسلام کہ از شاگردان مکتب توحید و مکتب مقدس امام صادق علیہ السلام است جناب آقا شیخ حسین قاتوقی زنجان‌ی می باشد «الفہرست» ایشان را بدین القاب می ستاید: «بحر الکامل، اکمل الفقہاء و المجتہدین رجع من النجف مجتہداً، فارغاً، فقیہاً، حسن البیان، کریم النفس و لم یکن لهذا الشیخ شغل غیر التدریس»

«دریای کامل، کامل ترین فقہاء و مجتہدین کہ از نجف برگشتہ، در حالی کہ مجتہد بود و فارغ و فقیہ و نیز بسیار خوش سخن و کریم النفس و کار ایشان غیر از تدریس شغل دیگری نبود.»

این بزرگ داماد آیۃ اللہ آقا شیخ عبدالکریم خوئینی زنجان‌ی، صاحب خودآموز شرح کفایۃ الأصول آخوند خراسانی است و ایشان در روز دوشنبہ ۶ محرم الحرام سنہ ۱۳۶۰ قمری در زنجان بہ فاصلہ ۱۱ ماہ بعد از رحلت مرحوم محقق علامہ آقا شیخ فیاض زنجان‌ی، وفات نموده و زنجان دو استوانہ دینی

علمی را در یک سال از دست داد، با کمال تجلیل جنازه وی را به آرامگاه ابدی خود تشییع نمودند، (رحمة الله علیهما).

۴۷- میرزا عباس حسن آبادی (ره)

قدوة الأنام و حجة الاسلام، جناب میرزا عباس حسن آبادی طارمی، فرزند حاج علی محمد حسن آبادی مولدش نزدیک «سیردان» می باشد که در سنه ۱۲۹۵ در آن روستا بدنیا آمده و متون فقه و اصول را در زنجان فرا گرفته و در تاریخ ۱۳۱۷ قمری مشرف شده به نجف اشرف و از محضر آخوند خراسانی (ره) و شیخ الشریعه اصفهانی (ره) و سایرین تلمذ نموده و مراجعت نموده به زنجان، در سال ۱۳۲۵ قمری.

مردی محقق و عظیم المنزله و طلیق اللسان و شیرین زبان بوده و اشعار لطیفه داشته و در تاریخ ۱۰ شعبان المعظم ۱۳۵۱ قمری در طهران وفات نموده و در جوار حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السلام مدفون گردیده و تألیفات وی در اصول فقه عبارتند از:

۱- کتاب الطهارة،

۲- کتاب الصلوة،

۳- کتاب البیع،

۴- کتاب الوقف،

۵- منجزات المریض،

۶- قاعده لاضرر،

۷- قاعده لاجرح،

۸- نتیجه الحیاة، چاپ شده رحمة الله علیه

۴۸- میرزا احمد مدرّس

العالم الفاضل، المیرزا أحمد الشهير بالمدرّس، مردی ثقه و مهذب و محقق و عظیم المنزله بوده است، دارای طبع شعر و از تألیفات ایشان:

۱- الوجیزه، ۲- الفرق بین السحر و المعجزه می توان نام برد.

منتقل شدند به کرمان، مفیداً و مدرّساً و در آنجا ماندگار شدند، ایشان از معاصرین آیة الله آقا شیخ موسی عباسی (قده) بودند.

۴۹- حاج سید میرزا مهدی موسوی زنجان (قده)

جناب حاج میرزا مهدی فرزند مرحوم حاج سید عبدالله بود و در زنجان در سنه ۱۲۹۶ هجری قمری متولد شده، مقدمات را در زنجان تحصیل نموده و منتقل شده به طهران از آقا علی نوری صاحب بدائع الحکم تلمذ کرده و به تاریخ ۱۳۱۶ قمری به نجف اشرف مشرف شده و بر آخوند خراسانی و شیخ الشریعه اصفهانی شاگردی کرده و در سال ۱۳۲۸ قمری به زنجان مراجعت نموده وی مدرّس ماهر بود و عالم و پارسا و پرهیزگار و نیز موجه نزد عامّه و خاصّه مردم. مردی بود دارای اخلاق حسنه و بازگشت نمود از نجف در حالی که مرجع و مروج احکام الهی بود تا اینکه به سال ۱۳۵۹ قمری در شهرستان زنجان وفات نمود (رحمة الله و رضوانه علیه)

۵۰- شیخ عبدالکریم زنجان (ره)

ایشان همان شیخ عبدالکریم زنجان که بین عربها به امام الزّنجانی معروف است، می باشند. حضرتشان از فلاسفه بزرگ و فقهاء عظام و مصلحان کبیر مدرسه و مکتب امام صادق علیه السلام می باشند و از شاگردان و پرورش یافتگان نجف اشرف است. همو که در مقدمه اشارت رفت که دکتر طه حسین مصری بر دستهای وی بوسه زد و بر این کار خود افتخار می کرد و می گفت که اولین دستی است که بر آن بوسه زده و می گفت: هنگامی که مصلح اکبر امام زنجان سخرانی می کرد- در دانشگاه الأزهر- من خیال کردم که بوعلی سینا زنده شده و سخن می گوید.

مردی بسیار مبارز و در عین حال بسیار اهل عبادت بوده و در سال ۱۳۸۹ هجری قمری در روز چهارشنبه نیم ساعت از مغرب گذشته، روز ۱۷ جمادی الثانی مطابق با ۱۸ شهریور ۱۳۴۷ خورشیدی به سوی دیار ابدی سیر نموده و تا آخر حیوة خود خانهٔ ملکی نداشت و در منزل اجاره‌ای می‌نشست و حضرت آیه‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم موسوی خوئی، مرجع اعلی شیعیان بر جنازهٔ مطهرش نماز خوانده و در مقبرهٔ حضرت آیه‌الله آقا سید محمود امام جمعه و علامه میرزا اسدالله فرزند آقا جعفر مدفون گردیده است. تألیفات آن بزرگ بسیار است که بر ۷۰ مجلد بالغ گشته و اما خطبه‌ها و محاضرات و مقالات چاپ شدهٔ ایشان بی‌شمار می‌باشد.

۵۱- شیخ حسین قراکولی (ره)

مرحوم شیخ حسین فرزند شیخ عزیز در قراکول از قرای زنجان به سال ۱۳۰۲ قمری زاده شد و متون فقه و اصول و قبل از آن مقدمات را در محضر اساتید وقت زنجان تلمذ نمود و از درس خارج مرحوم علامه شیخ فیاض سرخه دیزجی بهره برد. مردی بود بسیار محقق و فاضل، و در زنجان از ائمهٔ جماعت بوده و تألیفاتی دارد در اصول، مباحث برائت و استصحاب و در فقه مباحث، صلوة و بیع و رضاع و نکاح و ارث که همه مخطوط می‌باشد (عطرالله مرقد).

۵۲- شیخ فضل الله زنجانی (ره)

شیخ الاسلام حضرت شیخ فضل الله زنجانی فرزند میرزا نصرالله ابن حاج میرزا عبدالرحیم بن نصرالله بن محمد بن علی الشهید می‌باشد. در سنهٔ ۱۳۰۳ یا ۱۳۰۲ هجریه قمریه در زنجان متولد شده و ادبیات متداوله و نیز متون فقه و اصول را در زنجان از اساتید آن وقت فرا گرفته و بعد

فلسفه را از حکیم الهی آقا میرزا مجید که از افاضل شاگردان میرزا حکیم جلوه اصفهانی تلمذ نموده و درس خارج را از درس مرحوم میرزا عبدالله بهره‌مند شده، آنگاه در سال ۱۳۳۱ قمری برای ادامه تحصیل به اتفاق برادرش میرزا عبدالله به نجف اشرف مهاجرت نمودند و هر دو برادر بر سید کاظم یزدی صاحب «عروة الوثقی» و شیخ الشریعه اصفهانی به مدت ۸ سال تلمذ نموده و موفق به اخذ اجازه از سید صدرالدین کاظمینی متوفی ۱۳۵۴ شدند و نیز اجازه‌ای از سید محمد آلوسی سنی که از نوادر بود و صاحب تفسیر روح المعانی می‌باشد، گرفتند. و سپس به سال ۱۳۳۹ هجریه قمریه به زنجان مراجعت نموده و مشغول تألیفات و ارشاد مردم بوده‌اند تا اینکه در سال ۱۳۳۳ شمسی درگذشته و در قبرستان حاج شیخ عبدالکریم حائری در قم مدفون گردیده است.

۵۳- آخوند حاج ملا آقا جان زنجانی (ره)

عارف بالله و بأمرالله، جمال السالکین و قدوة العارفين، صاحب النفس الزکیه و الناطقة القدسیه حضرت آخوند شیخ محمود عتیق که به حاج ملا آقا جان زنجانی شهره گشته مردی بوده است که هنوز هم مردم زنجان از کرامات و حالات و مقامات وی اطلاع کاملی ندارند، تا چه رسد به مردم زمان خودش که لقب دیوانه [العیاذ بالله] به او داده بودند، مردی که بی سرو صدا آمد و شبانه بانگ هو هو زد و رفت و همه اهل شهر خفته بودند، تنها کسی که توانست به مدت ۲ سال تقریباً از نزدیک حالات ایشان را ببیند سیدی است ملکوتی که هم اکنون در مشهد مقدس رضوی علی شاهده آلف التحیه و الثناء رحل اقامت افکنده و جمع کثیری از سالکین الی الله را به وسیله کتاب و سخنرانی و ... دستگیری می‌کند.

حضرت مستطاب دانشمند معظم جناب سید حسن ابطحی که در فقه و

اصول از تلامذ آية الله العظمى مرعشى نجفى (قدس سره) مى باشد و از ایشان نیز اجازه روائى دريافت داشته و در مكتب عرفان و سلوك الى الله از شاگردان و دست پروردگان حاج ملا آقا جان زنجانى مى باشند و در حالات و زندگينامه ایشان كتابى به نام «پرواز روح» تأليف نموده اند كه طالبين شرح حال آخوند حاج ملا آقا جان به كتاب فوق الذكر مراجعه نمايند.

۵۴- سيد محمود نظام الدين (ره)

ایشان فرزند نظام الدين حسینی زنجانى مى باشند و در سال ۱۳۰۳ هجرى قمرى در ماه صفر الخير روز ۱۲ در زنجان به دنيا آمده و بر دانشمندان كبير شهر مثل ملا سبزعلى و شيخ ابراهيم ديزجى زنجانى و شيخ زين العابدين و حجة الاسلام ملا قربانعلى و ميرزا مجيد حكيمى زنجانى تلمذ نموده و رساله اى در عقد الأنامل و كتابى در مواعظ و ارشاد ۲ جلد نوشته و موجود است. وى مردى قابل و دانشمند بوده (رحمة الله عليه).

۵۵- شيخ يعقوبعلى سرخه ديزجى (قده)

متولد ۱۳۰۰ و به قولى ۱۳۰۳ آقاى شيخ يعقوبعلى سرخه ديزجى كه يکى از اجلاء علماء زنجانى به شمار مى رود عالمى بوده است بسيار جليل القدر و ماهر در فقه و اصول و حديث. او مقدمات و ادبيات و سطوح را از علماء زنجان استفاده نموده و بعد مهاجرت نموده به نجف اشرف و از محاضر علماء استفاده نموده و مهاجرت نمودند به زنجان و از پرچمداران مكتب جعفر بن محمد عليهما السلام و يکى از اساطين شهر بود و به علاوه كه آن بزرگوار مرد فاضل و محقق بود. شنیده ام آن مرحوم منبرى عالى داشته و در موقع ذکر مصيبت خودش هم گريه مى کرده و مردم را مى گريانده و در سال ۱۳۶۵ هجرى قمرى در روز ۵ ربيع الاول وفات نموده، او يک اولاد با برکت از خود به يادگار گذاشته و آن شيخ

فخرالدین است که مرد فاضل محقق و مدقق و از اجلاء حوزه مقدس نجف اشرف و از شاگردان خاص مکتب آیه الله العظمی آقا سید ابوالقاسم خوئی (تغمده الله) می باشند و در زمان شیخ مرحوم لات مانند بود. یک روز در قم در منزل اینجانب بود، سؤال کردم چه چیزی موجب شد که شما به تحصیل روی آوردید، فرمودند: «در کتابخانه آقا بودم، در را بستم و فکر می کردم در مورد کتابهای پدرم که نصیب چه کسی خواهد شد و آنی و لحظه ای از خلجان فکری راحت نبودم، فردای آن روز کتاب جامع المقدمات را برداشتم و رفتم به مدرسه و مسجد سید (اعلی الله مقامه الشریف)، آنانکه مرا می شناختند تعجب می کردند و من با کمال ذوق و شوق وارد تحصیل شدم».

و به برکت همت عالی رسید به جایی که جزو برجسته ترین شاگردان آقای خوئی (ره) محسوب می شدند (ادام الله بقائه).

۵۶- آقا شیخ احمد زنجان (ره)

از افاضل معاصرین و اکابر علماء زنجان جناب آقای حاج میرزا احمد فرزند حاج رضا متولد سنه ۱۳۰۴ هجری قمری که ادبیات و سطوح را در زنجان از اساتید وقت استفاده نموده و به تاریخ ۱۳۳۰ قمری به نجف اشرف مهاجرت نموده و بر شیخ الشریعه اصفهانی و سید کاظم یزدی و سید محمد فیروزآبادی و شیخ مهدی مازندرانی (قدس الله اسرارهم) تلمذ نموده و موفق به اخذ اجازه اجتهاد از اساتید خود شده اند و در حدود ده سال در نجف اشرف مشغول بوده و از تألیفات آن بزرگوار است:

۱- حاشیه بر مکاسب،

۲- حاشیه بر رسائل شیخ تا آخر استصحاب،

۳- حاشیه بر کفایة الاصول،

۴- حاشیه بر تجرید قوشچی،

۵- شرحی بر منظومه سبزواری،

۶- حاشیه بر خلاصه الحساب،

۷- حاشیه بر نجات العباد،

۸- شرحی بر منظومه بحر العلوم،

۹- کتاب الحج که استدلالی است،

۱۰- رساله‌ای در وقت و قبله،

۱۱- رساله عملیه،

۱۲- حاشیه بر قاعده ابن سینا

و آنگاه در ۲۹ ماه رمضان ۱۳۸۲ قمری به رحمت پروردگار شتافته و د

قبرستان زنجان مدفون گردید (رحمة الله علیه).

۵۷- حاج سید اسماعیل احمدی (ره)

سید جلیل القدر و عظیم الشأن که از خانواده علم و ادب و فقه و حدیث است و خودش صاحب ورع و اخلاق حمیده و مدینه فاضله‌ای بوده، در سنه ۱۳۰۴ هجریه قمریه در قصبه صائین قلعه به دنیا آمده است. ادبیات و مقدمات اولیه را نزد اساتید قم خوانده و سطوح عالیّه را نزد آقای میرزا محمد مجاهد تبریزی استفاده نموده و از آنجا به نجف اشرف مهاجرت نموده و از آیات عظام از قبیل آیه الله آقا میرزا باقر زنجان و آقای علامه آیه الله خوئی و آقا سید محمود شاهرودی و حجة الاسلام حاج میرزا حسن یزدی (رحمة الله علیهم) بهره‌مند گردیده و در یکی از قرای نزدیک قزوین وفات نموده، و از جمله تألیفات وی می‌باشد: ۱- تقریرات درس آقای خوئی، ۲- رساله‌ای در معراج، ۳- کتابی در مورد منبر.

۵۸- سید محمد دیزجی (ره)

دیزج به کسر دال مهمله و سکون یاء، روستایی است جزو دهستان حومه

بخش مرکزی شهرستان زنجان و این بزرگ مرد در آن روستا به دنیا آمده و سطوح را در زنجان از محاضر علماء آنجا فرا گرفته و رهسپار نجف اشرف شده جهت تحصیل دروس خارج و بر علماء و فقهاء اعلای شیعه شاگردی نموده و آنگاه به همان روستای مزبور رجعت کرده و در حالی که فقیه و مجتهد بوده است و در آنجا مرحوم شده و گنبدی در بالای مزار ایشان ساخته‌اند.

۵۹- آقای حاج سیف‌الدین دیزجی (ره)

ایشان فرزند حاج سید محمد دیزجی سابق الذکر می‌باشند و در همان روستای دیزج پا به عرصه وجود نهاده‌اند، مقدمات متداوله را نزد پدر بزرگوارش خوانده و بعد مهاجرت نموده به زنجان و بر شیخ عبدالعلی زنجان‌ی شاگردی کرده و پشتکار داشته است ایشان خود را مجتهد می‌دانست و لذا رساله علمیّه‌اش را به طبع رسانده که باقی است.

مردی بوده بسیار شریف و متدین و در سنه ۱۳۷۰ هجری در موطن خود مرحوم شده و در مقبره والد خود در همان روستا مدفون گردیده است (رحمة الله علیه). از ایشان دو آقازاده به یادگار مانده:

یکی جناب آقای حاج سید مجتبی می‌باشد که در نزد والد خود تلمذ نموده و کتابی نیز دارد به نام «در ثمین» که به طبع رسیده و در موضوع منبر می‌باشد و ساکن مشهد مقدس می‌باشند.

دومی آقای سید رضا می‌باشد که تحصیلات خود را نزد پدر بزرگوارش نموده و مشغول ترویج دین مقدس اسلام می‌باشند هر دو پاک و متدین می‌باشند.

۶۰- حاج سید سجاد روضه‌خوان (ره)

آقای حاج سید سجاد به سال ۱۲۶۱ هجریه قمریه در طارم به دنیا آمده و

بعد ساکن زنجان شده است و به تحصیلات متداوله علمیّه و دینیّه مشغول شده و شغل خطابه و روضه خوانی را داشته است و در این باب بسیار مشهور و معروف در نزد عوامّ و خواصّ بوده و سفرهایی نیز به عتبات عالیات داشته است. و بالاخره در زنجان به سال ۱۳۵۴ هجری قمری در روز ۶ شعبان المعظم مطابق با ۱۳۵۳/۶/۲ در سن ۹۳ سالگی بدرود حیات گفته است. خداوند او را با موالیان خود حضرت حسین بن علی علیهما السلام و اصحاب با وفای آن حضرت محشور فرماید.

۶۱- آية الله العظمی حاج میرزا عبدالرحیم واسعی زنجانی

علم الهدی و معدن التقوی، صاحب النفس الزکیّه و الناطقة القدسیّه العالم الرّبانی محقق و مدقق عظیم الشان، فقیه و اصولی معظمّ که بزرگی و فضل و زهد و دیانت و ورع او را نتوان به وصف قلم کشید کسی است که اورع اهل زمان خود بوده و اعبد و اتقای آنهاست در سنه ۱۳۰۷ هجریّه قمریّه دیده به جهان گشوده و نزد محقق بزرگ آية الله آقا شیخ فیاض سرخه دیزجی تلمذ نموده صاحب الفهرست در مورد ایشان چنین می نگارد: «أمره فی الجلالة و الفضل أشهر من أن یبین و حضر عند درس کثیر من المعاصرين من العلماء و الفضلاء».

«امر ایشان در بزرگی و فضل مشهورتر است از اینکه بیان شود و نزد درس کثیری از علماء معاصر حاضر شده است.»

با سیدنا الأستاذ آية الله العظمی حاج سید عزالدین امام و یک نفر دیگر حوزه علمیّه زنجان را رونقی بخشیدند و جمعی از تجّار متدین بازار زنجان هم قبول پرداخت شهریه طلاب را نمودند، لکن با تأسف بسیار، این جمع در مدّتی کم از هم پاشید. سید الاستاذ به خاطر مسائلی که پیش آمد به مشهد مقدّس رحیل نمود و اندکی بعد نیز این بزرگ مرد به عالم باقی شتافت.

علی ایّ حال، کتابهایی دارد که به طبع رسیده، مثل:

۱- کتاب الطهاره،

۲- کتاب الصوم،

۳- کتاب الأثر،

۴- کتاب الرّضاع،

۵- کتاب قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام.

و پس از مدّتی قریب به یک قرن در سن ۹۶ سالگی که بیش از نیم قرن را در خدمت اسلام و مسلمین بود عمر شریفش ختم شد و در سنّه ۱۴۰۳ هجریّه قمریّه، روز ۱۸ ربیع الاول مطابق با ۱۲ دی ماه سال ۱۳۶۱ خورشیدی به دیار ابدی شتافت.

عزیزان واسعی از پیش ما رفت ز پیش ما به دیدار خدا رفت
ستوده، عالم تستوه اسلام فقیه سرفراز شهر ما رفت

وصیت کرده بود که مرا باید یک سیّد به قبر بگذارد و در زیر پای شهیدان انقلاب دفن کنید.

بلی او عاشق راه حسین بود چو طایر پر زد و بر کریرا رفت
سلامت باد آن پیر جماران ز دنیا واسعی با این دعا رفت
پیام اربعین او همین است که باید بر ره روح خدا رفت
این اشعار لطیف از شاعر شهیر شهر جناب آقای کلامی حفظه الله می باشد.

۶۲- آیه الله العظمی حاج سیّد احمد زنجان (ره)

حضرت آیه الله حاج سیّد احمد زنجان که از علماء و مدرّسین و مصنّفین برجسته حوزه علمیه قم بوده، نماینده مخصوص آیه الله آقای حجّت کوه کمری بوده است و در کارهای ایشان و امورات مدرسه حجّیه و سایر آثار آن بزرگوار

نایب ایشان بود.

مولد شریفش در زنجان روز چهارم صفر ۱۳۰۸ هجری قمری بود و تحصیل فقه و اصول را پس از تکمیل دوره مقدمات و سطوح ادبیات از مرحوم آقای حاج شیخ زین العابدین (متوفی ۲۷ شعبان ۱۳۴۸) آموخت و بعد از ایشان نزد مرحوم آقا میرزا عبدالرحیم مهانی طارمی تلمذ نموده و بعد برای تکمیل دروس خود عازم حوزه مقدسه قم گردیده و دو، سه سالی را در حوزه درس مرحوم آية الله العظمی حائری یزدی (مؤسس حوزه قم) حاضر شده‌اند و از اواسط جمادی الاخر ۱۳۴۶ هجری قمری که وارد قم شده بودند تا آخر حیات ملازم درس آقای حائری (ره) بودند.

از فرزند بزرگوارش آية الله العظمی حاج سید موسی شبیری زنجانى شنیدم که پدرشان در ۱۷ سالگی مجتهد مسلم بوده‌اند.

آن بزرگ مرد تألیفات بسیاری دارد از جمله:

۱- الکلام یجزّ الکلام،

۲- کتاب ایمان و رجعت (که در ردّ کتاب اسلام و رجعت و به زبان فارسی

نوشته شده).

۳- خیر الأمور،

۴- جنگل مولی،

۵- افواه الرجال (که تقریر درس اساتیدشان می‌باشد)،

۶- ایضاح الأحوال فی احکام الطارحه علی الأموال،

۷- شرایط الاحکام،

۸- مستشفیات الأحکام،

۹- رساله فی الرضاع،

۱۰- مستنبطات الأعلام فی شرح مستشفیات الأحکام.

۶۳- شیخ براتعلی بزه شاهی (ره)

ایشان در زنجان به تاریخ ۱۳۰۸ هجری قمری در قریه بزه شاه متولد شده‌اند و مقدمات متداوله را آموخته و سطوح را از میرزا عبدالرحیم قره آغاجی و هیئت را از محضر حکیم ریاضی میرزا ابراهیم مسگر و کلام و فلسفه را از محضر جناب گنجعلی استفاده نموده‌اند و آنگاه مهاجرت کرده‌اند به نجف اشرف و مدت ۷ سال نزد فقیه معظم جناب شیخ احمد کاشف و آیه‌الله شیخ حسین کاشف الغطاء صاحب مؤلفات کثیره بهره‌مند شده و بعد مراجعت نموده به زنجان و مشغول تدریس سطوح بودند و در زنجان با سوء حال زندگی می‌کردند. یک سال در ایام محرم به روستای بوئین در حومه سلطانیه، برای ترویج اسلام رفتند و در منزل ابوی ما مرحوم حاج داداشعلی اسکان گزیدند و آن زمان ایشان کتاب تنبیه الغافلین را برای من تدریس می‌نمودند و در آن چند روزه تمام کردم و در اواخر عمر مهاجرت نمودند به طهران و در مسجد آیه‌الله حاج سید ابوالفضل موسوی امام جماعت بودند و در تاریخ ۱۳۳۶/۷/۴ وفات نمودند. و در قم مدفون گردیدند، فرزند وی ثقة الاسلام آقا شیخ ناصر، مقدمات و ادبیات را در زنجان و قم تحصیل نمودند و بعد مشرف شدند به نجف اشرف و از محضر درس آیه‌الله العظمی سید عبدالأعلی سبزواری و دیگران تحصیل نمودند و بعد مراجعت نمودند به زنجان و در زنجان به شغل دبیری یکی از مدارس انجام وظیفه می‌نمایند.

۶۴- سید هدایت‌الله ابدالی (ره)

ده ابدال در ۵۰ کیلومتری زنجان طرف غربی واقع شده و به نوشته صاحب الفهرست این سید جلیل‌القدر از شاگردان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بوده و مردی فاضل و موجه بود و در روستای مزبور به دنیا آمده و در سال ۱۳۵۹ هجری قمری روز ۱۷ ربیع‌الأول در زنجان وفات نمودند.

ایشان کتابی در فقه از اول تا آخر (شامل تمامی ابواب فقه) نوشته بود که از بین رفته و فقط رساله علمیه چاپ شده ایشان باقیمانده و فرزند ارجمند وی معروف به آقا نجفی ساکن قم المشرفه مردی است فاضل و متدین خوش اخلاق و نسب عالی دارد.

۶۵- سید قوام الدین مهانی (ره)

این بزرگمرد فرزند حاج سید مهدی می باشد، وی در خاندان فضیلت و سیادت نشو و نما نموده و سطوح را در زنجان و قزوین تحصیل نموده و برای تکمیل معلومات به نجف اشرف مهاجرت نموده و مدتی در نجف اشرف از محاضر اساتید و مراجع عظام مخصوصاً از مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی صاحب کفایة الاصول و شیخ الشریعه اصفهانی استفاده شایانی نموده و آنگاه مراجعت نموده به طارم و مشغول خدمات دینی بوده، آثاری چند از وی باقی است که تقریرات اصول و فقه درس مرحوم شریعت اصفهانی می باشد که در باب طهارت و صلوٰه است و وفات ایشان در تاریخ ۹ ماه مبارک رمضان سنه ۱۳۵۸ هجریه قمریه در روز دوشنبه ساعت ۳ از شب گذشته در همان قریه واقع شده. و آنجا نیز مدفون گردیده است.

فرزند فاضلش حجة الاسلام حاج سید فاضل مصطفوی که مقیم زران از رفقای خاص اینجانب می باشد که قلم از توصیف ایشان عاجز است و در تهران به تبلیغ مشغول می باشند.

۶۶- سید عبدالرحیم بلوین (ره)

ایشان در قریه بلوین که در یک فرسخی خوثین واقع است متولد شده اند و بعد از تکمیل مقدمات و ادبیات به نجف اشرف مهاجرت نموده اند و از محاضر اساتید و اساطین نجف بهره مند شده، آنگاه مراجعت نمودند به زنجان و مشغول ترویج بوده اند، تاریخ فوتشان به دست نیامده.

برادرزاده ایشان فاضل محترم آقا سید ابوالقاسم فرزند میرکریم در قزوین تحصیل نموده و به سال ۱۳۶۲ هجری قمری رحلت کرده و فرزند دانشمند او آقا سید عبدالکریم بلوبینی از فضلاء حوزه قم است، مردی شریف و متدین و پاکدامن و دارای اخلاق حسنه می‌باشند و از دوستان مخلص حقیر می‌باشد، خداوند توفیق عمل کرامت فرماید.

۶۷- ملا صالح جعفری (ره)

در روستای بوئین واقع در حومه سلطانیه زنجان دیده به جهان گشوده بعد از فراگرفتن قرآن و فارسیات مهاجرت نموده به قصبه هیدج و بعد از یادگرفتن مقدمات اولیه مهاجرت نموده به زنجان و بعد از اخذ علوم از محاضر اساطین علماء زنجان مراجعت نموده به قریه مزبور و یکی از برجسته‌ترین علماء محل محسوب می‌شدند و در سال ۱۳۶۶ قمری در روستای یاد شده رحلت کرده و مدفون شده و فرزند فاضل وی جناب شیخ بهاء الدین بن محمد صالح بن جعفر بن صادق (قده) در سنه ۱۲۷۵ قمری در همان روستا دیده به جهان گشود و پس از اخذ مقدمات اولیه از محضر پدر بزرگوارش آخوند ملا صالح مهاجرت نمود به هیدج و بعد به زنجان مراجعت نموده به قریه بوئین رفت، خدمات ایشان به غیر از ارشاد مردم به سوی دین الهی، مکتب‌داری بود و تقریباً ۲۰ سال در این شغل بود، شاگردان باسودی به جامعه اسلامی تحویل داده و از انقباس قدسیه ایشان زن و مرد از مکتب ایشان استفاده نموده‌اند و در سال ۱۳۰۹ قمری مطابق با ۶۸/۱۱/۱۲ هجری شمسی رحلت کرده (رحمة الله علیهما).

۶۸- شیخ حنیفه خوئینی (ره)

ایشان فرزند شیخ محمد خوئینی می‌باشد و تحصیلات خود را در اصفهان بر اکابر آنجا مخصوصاً بر سید محمد اصفهانی تلمذ نموده و به مسقط

الرأس خود مراجعت کرده، آثاری از خود برجای گذاشته که ذکر می‌شود:

- ۱- تحفة الحسینیة (در موضوع ذکر مصیبت)، ۲- تقریرات در اصول، ۳- تقریرات در فقه (از اول تا آخر نکاح که هر دو تقریرات بحث استادش آقا سید محمد اصفهانی بوده است)، ۴- کتاب زیده در اصول، ۵- رساله‌ای در حجیت استصحاب و غیره.

فرزند فاضل وی شیخ محمد خوئینی که در نجف اشرف تحصیل کرده و آنگاه به خوئین مراجعت نموده و مشغول ترویج بوده و در تاریخ ۱۳۶۱ وفات نموده فرزند ایشان آقا شیخ علی اصغر مولوی می‌باشد که ایشان مقدمات را در خوئین تحصیل نموده و مدتی هم در زنجان اشتغال به تحصیل داشتند و با ما هم حجره بود و در مدرسه سید اعلی‌الله مقامه مشغول به درس بودیم، آن وقتها نان کمیاب بود و با کمال عسرت و سختی زندگی می‌کردیم، قند کیلویی ۱۶ تومان بود و ما نمی‌توانستیم بگیریم، با خرما چایی می‌خوردیم و جناب آقای مولوی دمل آورده بود، گفته می‌شود سر تا پا دمل بود و بعد مهاجرت نمود به قم و سطوح را از محاضر اساتید حوزه استفاده نمود و دروس خارج را پیش آیه‌الله آقای حاج سید محمد حجت کوه‌کمری تبریزی و آیه‌الله آقای حاج آقا حسین بروجردی فقها و اصولاً استفاده نموده و مردی دانشمند و فاضل و زکی می‌باشند، لکن روزگار فشار آورده و مهاجرت نمودند به طهران و وارد فرهنگ شدند و دفتر ازدواج و طلاق هم دارد و در خیابان معصوم‌زاده امامزاده حسن ساکن می‌باشند و ضمناً در ایام مناسب تشریف می‌آورند به زنجان (حفظه الله).

۶۹- آقا شیخ رجبعلی زهاد (ره).

آقای شیخ رجبعلی زهاد (ره) فرزند آقا محمد رضا (قدس سرهما) که هر دو عالم و فاضل و نخبه علما و فضلاء و امام جماعت بوده‌اند در مسجد احمدیه

فرزندش حاج ابوالفضل نقل می‌کنند علاقه خاصی به ائمه اطهار داشت بالخصوص به حضرت موسی بن جعفر (علیهما سلام الله) آنگاه که اسم مبارک آن بزرگوار ذکر می‌شد از چشمهای اشک جاری می‌شد و همیشه می‌گفت آرزو دارم در موقع جان دادن سیدی بالای سرم باشد و به این آرزو نائل آمد و سرش در زانوی آقای سید محمد موسوی جان بجان آفرین تسلیم کرد در روز پنجشنبه ۲۵ رجب المرجب روز شهادت حضرت موسی بن جعفر (علیهما سلام الله) در سنه ۱۳۲۰ هجری شمسی رحلتشان واقع شد.

تشییع جنازه این بزرگ مرد به علت تعطیلی بازار با شکوه خاص برگزار گردید. (رحمة الله و رضوانه علیه)

۷۰- آقا شیخ نصرت حسینی (ره)

ایشان فرزند مرحوم آقا جواد حسینی می‌باشد مردی عالم و کامل بوده و در سنه ۱۳۶۱ هجری قمری رحلت نموده و در قبرستان پائین در مقبره آقا شیخ حسین فیاضی مدفون است.

۷۱- شیخ اسد الله زنجانی (ره)

جناب ایشان در زنجان متولد شده و از علماء شهر از قبیل میرزا ابراهیم ریاضی و میرزا مجید که هر دو از افاضل شاگردان حکیم معروف جناب میرزا ابوالحسین جلوۀ اصفهانی بوده‌اند و بعد برای تکمیل دروس خود به نجف اشرف مشرف شده‌اند و از محضر درس آیه الله آقا محمد حسین نائینی بهره‌مند شده‌اند و از مقرّبین ایشان بوده‌اند اخیراً بعد از فوت استادش بدرس خارج آیه الله اصفهانی حاضر می‌شد. و تا آخر عمر مردی قوی و متین و نیز دارای خط عالی بوده است و بعضی از قسمتهای رائل را حاشیه زده و اولاد ذکور نداشته‌اند.

علیّیّ حایّ مرحوم آقا میرزا اسدالله مردی محترم بود به قدری با عقل و تدبیر بود که می توانست یک مملکت را اداره ند تا اینکه در ۲۱ ماه شعبان ۱۳۷۱ قمری در نجف اشرف دار فانی را وداع نمودند و در مقبره مرحوم آقای امام جمعه زنجان و آقای ناظم الشریعه بهبهانی و شیخ محمد جواد ایروانی و فیلسوف الاسلام آقای شیخ عبدالکریم زنجان مدفون گردید. (رحمة الله و رضوانه علیه)

۷۲- سیّد ابوالمعالی

«فقیه عصره، العالم الفاضل من جملة تلامذة آیة الله شیخ فیاض سرخه دیزجی سماحة السیّد الجلیل القدر السید ابوالمعالی».

فقیه عصر خود، عالم فاضل و از جمله شاگردان آیة الله آقا شیخ فیاض سرخه دیزجی جناب سیّد جلیل القدر آقای ابوالمعالی می باشند و فاتشان در تاریخ ۵ شوال المکرم در سنه ۱۳۷۲ قمری بوده رحمة الله علیه.

۷۳- آیة الله محمود امام جمعه :

عارف ربّانی، جمال السالکین، صاحب نفس قدسیّه و ملکوتیّه، علم الهدی و معدن تقوی، حضرت آیة الله سیّد محمود حسینی موسوی زنجان امام جمعه فقید زنجان فرزند حضرت آیة الله سیّد ابوالفضائل امام جمعه که سابقاً ترجمه اش گذشت خود این عزیز چهارمین امام جمعه از خاندان مرحوم امام جمعه (سیّد محمد مجتهد) می باشند در سنه ۱۳۰۹ هجریّه دیده به جهان گشوده و بسیار زودتر از معمول شروع به تحصیل علوم دینیّه نموده مقدمات و سطوح اولیّه و عالیّه و درس خارج را در زنجان نزد ایشان و اساطین فن همچون حضرت حجة الاسلام سپری کرده اند و این درحالی است که از عمر شریفش بیش از ۱۶ سال نمی گذشت و جناب حجة الاسلام به ایشان و ابوی گرامشان

بسیار به دیده بزرگی می‌نگریسته بعد از رحیل حضرت حجة الاسلام که سن مترجم در آن زمان ۱۸ سال بوده امام جماعت مسجد سید به دستور جناب آخوند ملا غلامحسین فقیه زنجانی به ایشان واگذار می‌شود و حضرتشان اقامه جماعت می‌نمایند درحالی که ۲۰-۱۹ ساله بوده‌اند و جالب اینجاست که خود آخوند ملا غلامحسین مراجعین خود را به اقتدا و حضور در جماعت آقا سید محمود امر می‌فرمود، پدر آقا سید محمود به نام آية الله سيد ابوالفضائل امام جمعه با اینکه در قید حیات بوده‌اند اقامه جمعه و جماعت نداشته‌اند و در طول مدت اقامت حضرت حجة الاسلام، تولیت مسجد سید به آخوند حجة الاسلام بوده است. بعد از یکی دو سال در سن ۲۱ سالگی به سال ۱۳۳۰ به نجف اشرف مشرف می‌شوند و بعد از فوت مرحوم والدشان به زنجان مراجعت می‌نمایند. و دوباره در همان مسجد آباء و اجدادی‌شان مشغول تبلیغ و ترویج دین می‌شوند. دوباره پس از مدتی بنابه اشتیاقی که داشتند به نجف اشرف مشرف شده و بعد از چند سال شرکت در درس مراجع اعلائی نجف به موفق اخذ اجازه اجتهاد می‌شوند و مراجعت به زنجان می‌کنند و آنگاه حوزه و امورات مذهبی شهر را رونقی به سزا می‌بخشند.

آن بزرگ از شاگردان خصوصی مرحوم کمپانی بودند و از آن عزیز داستانی بسیار مشهور در بین بزرگان معروف است و در بعضی از کتب عرفانی مکتوب می‌باشند (همانند کتب مستطاب لب اللباب در سیر و سلوک اولی الأباب تألیف حضرت آية الله سيد محمد حسين حسینی طهرانی رحمة الله علیه) که نشان دهنده ارتباط ایشان با عالم ملکوت و کشف و شهود عرفانی است، ایشان با مرحوم علامه طباطبائی (ره) بسیار مانوس بوده‌اند و این بزرگ نه تنها در مقامات عرفانی به حد اولیاء الله رسیده بلکه در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز

متبحر بوده‌اند تا آنجا که مجاهد معظم حضرت آیه‌الله آقا سید محمود طالقانی از شاگردان درس فقه و از تربیت یافتگان مکتب سیاسی ایشان می‌باشد و نیز مرحوم آقا سید مجتبی نواب صفوی (ره) نیز با ایشان ارتباط داشته‌اند تا آنجا که جناب نواب صفوی (ره) برای بعضی از مشاورات به منزل ایشان در زنجان می‌آمده‌اند. ایشان مدتی را در قم در منزل درس خارج افافه می‌فرمودند و مدتی را نیز در طهران بعد از رحلت معظم له به سال ۱۳۷۴ قمری در سن ۶۵ سالگی جنازه طیبش به نجف اشرف منتقل شد و در یکی از مقبره‌های سحن مولی‌الموحّدین مدفون شدند. (رحمة الله علیه)

زندگی مبسوط ایشان را در گنجینه دانشمندان و خط سوم در انقلاب مشروطیت بنگرید.

۷۴- شیخ ابو عبدالله زنجانی (ره)

علامه معظم و فیلسوف بدیع و مرد دانشمند صاحب کتاب بسیار معروف (تاریخ القرآن) که اولین کتاب با این عنوان در جهان اسلام است. زندگی نامه ایشان را جناب سید صالح شهرستانی - یکی از شاگردان و معاصرانش - بطوری مبسوط و جالب نوشته و جناب آقای آرش مردانی پور این زندگی نامه را که عربی بوده ترجمه نموده و در مجله مجلای کیهان اندیشه شماره ۶۱ درج شده که از نظرتان می‌گذرد.

شیخ ابو عبدالله زنجانی، عالمی نوگرا با افق فکری فراخ و همگام با عصر جدید بود. بین احکام قرآن و شریعت محمدی با نظریه‌های نوین و اختراعات جدید و اندیشه‌های متعالی و آرای آزاد وفق داد و در مجموعه‌ای واحد، علم و دین را گرد آورد و در تقریب بین این دو به پیروی پیشینیان مصلح خود، چونان سید جمال‌الدین اسدآبادی معروف به افغانی و شیخ محمد عبده مصری و سید

محسن امین عاملی و سیه هبة الله شهرستانی گام‌های بلند سپارد. شیخ ابو عبدالله زنجانی، فرزند شیخ الاسلام میرزا نصرالله یکی از پیشوایان روحانی شهر زنجان بود، شهری که همچنان اعضای این خانواده موقعیت ممتاز و نفوذ و کلام خود را در آن حفظ کرده‌اند^(۱) خاصه آنکه شیخ الاسلامی بیش از یک قرن منحصر به این خانواده بوده است.

وی در جمادی الثانی سال ۱۳۰۹ هـ ق ۱۸۹۱ م در زنجان، چشم به جهان گشود. در دامان پدر که در هاله‌ای از علم و فضیلت و ادب بود پرورش یافت. بعد از رسیدن به سن جوانی، در زادگاهش به حوزه علمیه پیوست و عربیت و مبادی فقه و اصول را در آن نزد علمای زنجان آموخت و سپس به حوزه درسی استاد فیلسوف و حکیم الهی زنجان میرزا ابراهیم فلکی - که از کبار شاگردان فیلسوف شهیر میرزا ابوالحسن جلوه بود - درآمد و فلسفه و علم فلک و کلام و ریاضیات را از وی آموخت تا از حوزه وی فارغ التحصیل شد و به سال ۱۳۲۹ به تهران سفر کرد چنانکه براهه‌ای از زمان، در مدرسه فرانسوی «سنلویی» در تهران به تحصیل پرداخت و در ذی حجه سال ۱۳۳۰ [در اعیان الشیعه ۱۳۳۱] پس از بازگشت به زنجان، به رفقت برادر مهترش علامه میرزا فضل الله شیخ الاسلام زنجانی، آهنگ نجف کرد که در آنجا نزد بزرگ مجتهدانی، علوم عالی را کسب کرد و در حوزه‌های خصوصی ایشان شرکت جست و به اجازه اجتهاد و روایت نائل آمد.

وی به همراه برادرش به درس سید محمد کاظم یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی حاضر شد و بهره‌ای بسزا برگرفت و هنگام درنگ در آن خطه پاک، به مجلس درس آیه الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی و علامه شیخ ضیاء الدین عراقی

۱ - این سخنان مربوط به زمان تحریر رساله است، اما اکنون روشن نیست که چنین باشد.

و شیخ میرزا حسن نائینی و جز آنان نیز درآمد و تا سال ۱۳۳۸ یا ۳۹ در نجف مکث کرد و به درجه اجتهاد نائل گردید. از اجازاتی که ایشان فراچنگ آورد بدین شرح است:

- اجازه روایت از علام سید حسن صدر کاظمی و علامه سید محمود شکری الآلوسی بغدادی صاحب «بلوغ الارب» که از علمای اهل سنت است و سید محمد بدرالدین بن یوسف المغربی محدث دمشق.

و اجازه اجتهاد: از سید ابوالحسن اصفهانی، هبةالدین حسینی شهرستانی، علامه سید محمد فیروزآبادی و علامه شیخ الشریعه اصفهانی و علامه شیخ عبدالکریم حائری بوده است.

در اواخر سال ۱۳۳۸ هـ به زاد و بوم خود، زنجان بازگشت و به تألیف و نشر کتب و تبلیغ افکار اسلامی پرداخت و پس مکثی کوتاه در آن شهر به برخی شهرهای مهم ایران رهسپار شد. سپس زیارت خانه خدا را از بهر حج گزاردن بجد منظور نظر قرار داد و در سوریه، فلسطین، عراق به سیاحت پرداخت و از قدس و قاهره و بغداد دیدن کرد و در آنها بانخبگان بسیاری از عالمان و ادیبان و اندیشه‌وران دیدار داشت و از دیدار ایشان خرسند و کامیاب شد.

سید محسن امین گوید:

«در دو سفر در شهر دمشق دو دیدار با وی داشتم و بین ما و او مکاتبه می‌شد و نامه، رد و بدل می‌گردید. در آخر برخی از نامه‌هایش این دوییت آمده بود:

یا ابن الذی بلسانه و بیانه	هدی الانام و نزل التنزیل
منی الیک منع الریاح تحیه	مشفوعة و مع الومیض رسول» ^(۱)

در این سفر که یک سال به درازا کشید، در سال ۱۳۴۴ هـ.ق توانست برخی از آثار خود که به زبان عربی در سالهای بین پایان تحصیلات عالی در حوزه نجف و آغاز این سفر طولانی به قلم آورده بود، به طبع بپردازد. بعد از این به زنجان بازگشت و به تدریس فقه و فلسفه و تفسیر و نشر مقالات علمی و دینی در مجلات عربی و فارسی پرداخت. چنانکه در اوائل ۱۳۵۴ هـ.ب سفر سیاحتی دیگری به قاهره دست یازید که پس از ورود از طرف استاتید بزرگ دانشگاه الازهر و دانشگاه مصر و از جانب فضلاء و ادبای آن سامان، مورد استقبال گرم قرار گرفت. در این سفر بود که کنفرانس ارزنده خود را به زبان تازی، به عنوان «دواء المسلمین فی الرجوع الی القرآن» در «دارالهدایة الاسلامیه» ایراد کرد که سخت از آن استقبال شد و در شماره ۴۴۸ نشریه مصری «الفتح» نشر گردید و نیز در این سفر با رجال علم دانشگاه الازهر درباره وحدت فرقه‌های اسلامی و اتحاد مسلمانان تبادل نظر کرد و از جمله کسانی که با ایشان دیدار کرد یکی علامه فقید مصطفی مراغی رئیس دانشگاه الازهر و دیگر شادروان دکتر عبدالرحمن شهبندر و سوم علامه عبدالوهاب عزام بودند.

علامه عزام استادی زبان فارسی در دانشگاه قاهره را داشت و سفیر مصر بود، در بسیاری از کشورهای شرقی که آخرین آنها هند است.

پس از اتمام سفر به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران، در دانشکده علوم معقول و منقول به تدریس علم تفسیر و اخلاق و تاریخ فلسفه مشغول شد و سپس یک سال در دانشسرای عالی تدریس کرد.

دربازگشت علامه زنجان از قاهره به تهران، تحفه‌ای ارجمند از استاد عبدالوهاب عزام، به یاد آشنایمان در کنفراسن هزاره فردوسی در تهران و مشهد، برای این جانب به ارمغان آورد. در آن زمان (س ۱۳۵۳ هـ.ق) استاد عزام

نمایندگی وطن خود، مصر را به عهده داشت. تحفه‌ای که آورد و همچنان گرامی می‌دارم، کتاب [«تعریف ملحمة الشاهنامه»؛ ترجمه عربی شاهنامه] از قوام‌الدین فتح ابن علی بنداری اصفهانی، با اهتمام و ویرایش و پی‌نوشت‌های علامه، عبدالوهاب عزام بود و از آنجا که این امانت را پس از بازگشت از زنجان فرستاد، با خط زیبای خود، زیر عبارت اهدای علامه عزام چنین نگاشته بود:

«سیدی العزیز الشهرستانی! واجب الوددعانی ان احمل الیک هذا الكتاب و جزءه الثانی مع تحية مهدیه مشفوعاً بتحياتی الصمیمية و السلام. الداعی: ابو عبدالله زنجانی ج ۲۸/ج ۱/۱۳۵۴ هـ»

«سرور گرامیم شهرستانی! اقتضای دوستی مرا واداشت تا این کتاب و جلد دوم آن را با دروذهای تقدیم کننده‌اش، همراه دروذهای صمیمانه اینجانب با خود آورم.

دعاگو: عبدالله زنجانی ج ۲۸/ج ۱/۱۳۵۴ هـ»

کتاب «تعریف محلمة الشاهنامه» در قاهره به سال ۱۳۵۰ هـ، ۱۹۲۲ م بر کاغذی براق و حجم بزرگ در دو جلد و ۶۳۳ ص، به طبع رسیده است. معظم‌له در برخی از کانونها و انجمنهای علمی و ادبی در ایران و کشورهای عربی عضو بود از جمله در فرهنگستان علمی عربی دمشق که در محرم سال ۱۳۴۷ هـ صورت گرفت. (۱)

علامه زنجانی را آثاری است که بیش از تعداد انگشت‌های دو دست است که پاره‌ای چاپ و پاره‌ای دیگر همچنان دست نویس‌اند. از جمله آنها که در

۱- مجله مجمع اللغة العربیه بدمشق (مجله المجمع العربی سابقاً) جزء اول، مجلد شصت و دوم، ص ۱۶۳.

دست او دیدم و در آخرین ایام زندگی در برخی سفرهایش به تهران به من اهداء کرد چنین است :

۱- یک «تاریخ القرآن» که در دومین سفر به قاهره به گونه‌ای آبرومند چاپ شده است. این عبارت عربی روی جلد آن نگاشته‌اند : «کتبا وجیز یبحث عن سیرة النبی الاکرم و القرآن الکریم و الادوار الی مرت به من کتابته و جمعه و ترتیبه و ترجمة الی سائر اللغات...»

خود علامه زنجانى درباره این کتاب نوشته است : «این مختصر [...] پایه و مقدمه جزئی از مقدمه تفسیری است که قصد تألیف آن را به اسلوب تحلیل عقل و روش تجزیه منطقی دارد...»

چنانکه علامه زنجانى اشاره دارد ایشان در صدد نگاشتن تفسیری بوده که ظاهراً اجل فرصت نداد تا این قصد را عینیت ببخشاید کتاب «تاریخ القرآن» در میان سنیان تأثیری بسزا داشته و مورد اهتمام عالمان و روشنفکران آنان قرار گرفته است. دکتر احمد امین نگارنده کتاب «فخر الاسلام» آن را گامی در راه وحدت اسلامی به شمار آورده^(۱) و کمیته ترجمان دائرة المعارف اسلام به شدت از آن استقبال کرده و به زبان انگلیسی برای اطلاع عالمان دیار غرب شناسانده است. این کمیته درباره کتاب چنین نگاشته : «علمای تربیت و تمدن اسلامی از نبودن اطلاعات درباره تاریخ قرآن بسیار متأسف شده‌اند. لزوم چنین کتابی در حین ترجمه دائرة المعارف الاسلامیه تأثیر فوق‌العاده به هیأت ترجمه بخشید...»

شنید چنین مطلبی از یک فاضل مسلم شیعی مانند شیخ ابو عبد الله

زنجان، بسیار جالب توجه است ... بسیاری از مطالب که معزی الیه بحث کرده فوق‌العاده مفید و جالب است ... مطالبی که یافتن آنها از کتب متعدد خالی از اشکال نیست - به عقیده ما شیخ ابو عبد الله زنجان از نقطه نظر همین تألیف فوق‌العاده، قابل تقدیس و تمجید است، چون آنهایی که احتیاج به اطلاعات کافی درباره تاریخ قرآن دارند، بهتر از این، سندی نمی‌توانند یافت».

کتاب به خامه ابوالقاسم سحاب به فارسی برگردان شده و در تاریخ ۴ مرداد ۱۳۱۷ از آن فارغ شده است.

۲- اصول القرآن الاجتماعیه، (عربی، خطی).

۳- کتاب الافکار - عربی، خطی - کتابی است فلسفی و اصلاحی که عقیده اسلامی را از جنبه عقل و قرآن روشن می‌سازد.

۴- کتاب «دین فطرت» - فارسی، خطی.

۵- کتاب «شرح بقاء النفس بعد فناء الجسد» (عربی) که شرح مبسوطی است و در سال ۱۳۴۰ هـ ق با شیوه‌ای امروزی به انجام رسیده و اصل آن از آثار فیلسوف و متکلم برجسته، خواجه نصیرالدین طوسی است که در موضوع مهم «بقاء النفس بعد فناء الجسد» نگارش یافته است. این کتاب در قاهره و در تهران به سال ۱۴۱۵ هـ ق ۱۹۹۵ م به زیور طبع آراسته شده. چاپ اول ترجمه آن به فارسی در آبان ماه ۱۳۲۵ ش و به قلم دکتر زین‌الدین کیانی انجام یافته است و در تاریخ ۱۳۷۳ ش توسط شرکت سهامی انتشار تجدید چاپ شده است.

۷- رساله‌ای در قاعده فلسفی «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» که استادش شیخ الشریعه در سال ۱۳۳۷ هـ با ستایش مؤلف، تقریضی بر آن نگاشته و استدراکاتی را اضافه نموده است. (خطی)

۸- «الفیلسوف الفارسی الکبیر صدرالدین الشیرازی حیات و اهم اصول

فلسفته» که به زبان عربی است و در دمشق در چاپخانه المفید طبع شده و در سال ۱۳۹۲ چاپ چهارم کتاب، توسط کتابخانه صدر طهران به پایان رسید. این نوشتار تزی است که به مناسبت عضویت مؤلف در فرهنگستان علمی عربی دمشق به قلم آمده، برخی از مباحث آن در ماهنامه فرهنگستان علمی دمشق و در مجله الزهوا مصری و «لغة العرب» بغدادی به زبان تازی طبع و انتشار یافته است. کتاب بوسیله ابن یوسف شیرازی به فارسی ترجمه شد و بخشی از آن در روزنامه «ایران آزاد» به طبع رسید مجله فارسی زبان «ارمغان» از کتاب مذکور یادی کرده است.

۹- ترجمه و گزینش جستار فیلسوف انگلیسی توماس کارلایل درباره پیامبر معظم از کتاب قهرمانانش که در تبریز به چاپ رسیده است. (به زبان مبداء در این ترجمه عربی است).

۱۰- رساله «طهارت اهل کتاب» به زبان عربی که در بغداد در سال ۱۳۴۵ هـ چاپ گردیده این رساله در میان گروه‌های متعصب در عراق و ایران جنجال به پا کرد و چون نویسنده با ادله کلاسیک رأیی که قایل به طهارت اهل کتاب است را ترجیح داده بود و رأیی که قایل به نجاست ایشان است را نقض می‌کرد. بسیاری آن را نقد و در رد آن، رساله‌هایی نگاشتند که در آن زمان نشر یافت.

بسبب تألیف این رساله، چنانکه مؤلف در پیشگفتار مرقوم داشته، خواندنی است چه وقتی نویسنده به سال ۱۳۴۲ هـ به قصد گزاردن حج، از سوئیس عازم جده می‌شود در گیر مشتقت و زحمت می‌شود چون اغلب پیشکاران کشتی از ترسایان بودند، چیزی که خورد و خوراک راحت را برایشان متعذر ساخته بود. این پیشامد سبب شد تا در مطاوی بسیاری از کتابهای فقه و حدیث و آیات قرآن به کاوش پردازد تا مگر حقیقت طهارت یا نجاست کتابیان

با ادیان و نحله‌های گوناگونشان را دریابد که سرانجام به همان نتیجه‌ای رسید که در رساله سابق‌الذکر آمده است.

۱۱- التصوف فی تاریخ کتابی است در تئوری وحدت وجود و روند آن در مکتبهای علمی از دورترین ایام تا به امروز که خطی است و برخی از فصول آن در شماره‌هایی از مجله «الاخاء» که ذکر آن گذشت نشر یافت.

۱۲- کتاب گرانبار «شرح زندگی روحی حسین بن علی (ع)» که عوامل پیدایش واقعه تاریخی سال ۶۱ هجری و اسرار نهان آن و عظمت نفس نفیس حسین بن علی (ع) را با شیوه‌ای مطلوب و امروزی و با طرزی نغز و فلسفی، مورد بحث و بررسی قرار داده و به زبان پارسی به رشته تحریر درآورده است. کتاب در سال ۱۳۱۷ هـ.ش با پی‌نوشت‌های واعظ چرندابی در تبریز به چاپ درآمد.

۱۳- رساله «لزوم حجاب» که پاسخ پرسشی است که از آمریکا به وی آمده بود و به زبان فارسی چاپ گردیده است.

۱۴- الاسلام و الاربیون (عربی - خطی)

۱۵- الوحی (عربی - خطی)

۱۶- فرهنگ ایران پیش از اسلام

۱۷- ترجمه «وصیت ارسطو به اسکندر» که از عربی به فارسی ترجمه شده است.

۱۸- کتاب «فی التصویب» که آخرین تألیف ایشان است.

مطاف پراینها پژوهشهای گرانبایی است که هر از چندی بر صفحات مختلف مجله‌های عربی و فارسی نشر می‌کرد و کنفرانس‌های فراوانی که در انجمن‌های علمی و کانون‌های ادبی القا می‌نمود که برخی از آنها به صورت

کتابچه‌هایی جداگانه نشر یافته‌اند.

علامه زنجانی، زبانهای عربی، فارسی و ترکی را با قواعد، به نیکی می‌دانست و با زبان فرانسه آشنایی داشت.

وی بسیار خوش اخلاق، با حوصله و نیک نهاد و دوراندیش و هشیار و غیور براسلام و مسلمین و دلسوز به حال آنان برای ارتقای سطح فکری و معیشتی بود تا در ردیف خلقهای زنده و ملتهای متمدن این عصر درآیند.

هرگاه به تهران مسافرت می‌کرد در خانه برادرش محمد ضیایی منزل می‌کرد که در آنجا به زیارتش می‌رفتم و گفت و شنوهای طولانی راجع به سفرهایش در کشورهای عربی و تماسهایش با منکران مسلمان آن اقطار بین من و او آغاز می‌گرفت.

نخستین آشناییم با ایشان به سال ۱۳۴۳ هـ.ق، بعد از بازگشت از حج بود وقتی که در مسیر رفتن به زادگاهش، زنجان بود، در آن زمان مجله «المرشد» را در پایتخت عراق نشر می‌کردم که حلقه اتصال بین من و ایشان و بسیاری از رجال علم و ادب و فضیلت بود.

در مدت توقفش در (دارالاسلام) با من ارتباط دائم داشت و برای چاپ رساله‌اش (طهارة اهل کتاب) در بغداد با وی همکاری می‌کردم. از آن روز که در تهران رحل اقامت گزیدم پیوسته بین ما از تهران به زنجان و بالعکس، نامه مبادله می‌شد.

بالاخره در روز ۷ جمادی‌الثانی (۱۳۶۰ هـ.ق) موافق ۱۲ تیر ۱۳۲۰ هـ.ش به سبب کسالت قلبی، مرگ وی را در ربود و پیکرش پس از وفات به نجف اشرف انتقال یافت و در آرامگاه خانوادگی وی، بنابر وصیتش به خاک سپرده شد. وی شش فرزند از خود به یادگار گذاشت، پنج پسر و یک دختر که در

پروردن آنان عنایتی خاص مبذول داشت.

زنده‌یاد، ابو عبدالله زنجان، کتابخانه پرارجی برجای نهاد که حاوی نزدیک به هزار و پانصد جلد از کتابهای خطی و چاپی است که در دوران حیاتش به آقای محمد صادق ضیایی اهداء کرد که همچنان در خانه‌اش، در زنجان برجاست.

سخنان عالمان و نویسندگان و ناشران کتابهایش درباره وی

۱- آية الله محسن امين صاحب كتاب اعيان الشيعة، «وی (علامه زنجان) عالم، فاضل و مؤلف بود.»

۲- آقا بزرگ تهرانی صاحب کتاب الذریعه: «شیخ میرزا ابو عبدالله زنجان، عالم، فاضل و مصنف بود.»

۳- حجة الاسلام مدرس تبریزی صاحب ریحانة الادب: «حاج میرزا ابو عبدالله زنجان از علمای قرن حاضر ... می باشد.»

۴- اعضای کمیته ترجمه دائرة المعارف اسلام «مؤلف این کتاب (علامه زنجان) محتاج معرفی نیست، معظم له یکی از مشاهیر فضیلائی عالی مقدار و از بزرگان مجتهدین عصر حاضر و تألیف او (تاریخ قرآن) کمک بزرگی به معلومات حاضر کرده است.»

۵- استاد «استاس ماری الکرملی» صاحب امتیاز مجله «لغة العرب» سال هشتم، جلد دهم، ص ۷۹۱ گفته است: دوست علامه و بزرگوار و مجتهد نامدار، ابو عبدالله زنجان، از اعلام انگشت نمای ایران است.»

۶- در کتاب شرح حال رجال ایران، نگارش مهدی بامداد، جلد ۵، ص ۱۷ چنین آمده: «حاج میرزا ابو عبدالله زنجان ... از افاضل قرن اخیر بوده و تألیفاتی از خود باقی گذاشته است.»

۷- در چاپ عربی «بقای نفس بعد از مرگ» ناشر، علامه زنجان را بدین گونه وصف کرده: «العلامة الكبير والمصلح التحرير الاستاذ الشيخ ابي عبدالله الزنجاني».

۸- دکتر احمد امین صاحب «فجر الاسلام» در مقدمه کتاب «تاریخ قرآن» درباره ابو عبدالله زنجانى چنین گفته است: «استاد ابی عبدالله زنجانى از عالمان برجسته شیعه و مجتهدان آنان است. از عالمان برجسته شیعه و مجتهدان آنان است. از جوان بختی بود که با استاد ابو عبدالله زنجانى در زمان زیارتش به مصر در سال ۱۹۳۵ م. آشنا شدم ... از این رو پیوند ین ما استوار گردید ... او را فراخ دانش، ژرف اندیش، و بسیار آگاه به فلسفه اسلامى و شیوه ها و مراحل آن یافتم و با روحى وارسته و خویى نرم، چیزى که وی را نزد من محبوب مى ساخت.»

۷۵- حاج سید محمد (ره)

العالم الفاضل، البحر الكامل، نجبة الفضلاء، مروج الاحكام جناب حاج سید محمد فرزند مرحوم حاج سید ساجدین است وی در تاریخ ۱۳۱۰ شمسی در صائین قلعه بدنیا آمده است، و در عنفوان جانی به نجف اشرف مهاجرت نموده و از آنجائی که از نبوغ علمى و استعداد ذاتى اش هویدا بود در اندک زمانى ترقى کامل نموده و سطوح عالیّه را نزد آقای شیخ مجتبى لنکرانى نزیل سامرا و آقا شیخ محمد سرابى دیده و دروس خارج را نزد علامه آقا میرزا باقر زنجانى و آية الله حکیم و آية الله خوئى آقای آية الله شیخ حسین حلى و علامه دهر آقا حسین حمامى (رضوان الله عليهم اجمعين) استفاده نموده و بعد از تحصیلات خود مراجعت به وطن خود کرده و آثار خیریه به یادگار گذاشته مثل پل بزرگ در صائین قلعه احداث نموده که اهالى نهایت درجه در مضیقه بودند و

دیگری غسلخانه‌ای احداث کرده و رسوم دو مسجد بزرگ و کوچک را بطرز شهری درست نموده و چهارم تعمیر حمام و....

۷۶- شیخ علی اصغر فصاحتی (ره)

از جمله مشاهیر علماء زنجان جناب عالم فاضل و محقق مدقق حجة الاسلام آقای شیخ علی اصغر فصاحتی می‌باشد که مدرس علوم دینیّه و معروف به مطول‌گو بوده و مروج احکام الهیّه که در سنه ۱۳۷۶ رجب‌المرجب روز هفتم رحلت کرده و در قبرستان شرقی زنجان مدفون شده. رحمة الله علیه

۷۷- سید محمد حسین کلچه طارمی (ره)

فقیه جلیل‌القدر و عالم نبیل، محقق و مدقق جامع معقول و منقول جناب آقای سید محمد حسین کلچه طارمی که فرزند قوام‌الدین بن سید مهدی بن سید حسن بن سید سعید متولد در کاظمین و طارمی الأصل و المدفن و موسوی النصب والشهره می‌باشد.

در کلچه از قراء طارم سفلی قریب به سلطانیّه و سردان در خاندان سیادت نشو و نما نموده و مقدمات و ادبیات را در قزوین تحصیل نموده و پس از فراغ از ادبیات و سطوح به اصفهان مهاجرت کرده و اغلب سطوح را از محاضر اساتید اصفهان تلمذ نموده و از سادات امامیهای اصفهان که از خواص مرحوم حاج سید مرتضی اصفهانی - که مقیم شیراز بوده‌اند - ازدواج نموده‌اند. و برای رسیدن به مقام منبع‌اجتهاد به نجف‌اشرف مشرف شده‌اند و از مراجع اعلای نجف خاصّه از محضر آیه‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی بهره‌کافی برده‌اند و بعد مراجعت نمودند به طارم و موجه و محترم در نزد مردم واقع شدند، آبا و اجداد ایشان تحصیل کرده قزوین بودند فقط سید، زاده کاظمین بوده و به درخواست صاحب قریه جناب حاج زمان که از نیکوکاران و مردان خیراندیش بود ما برای

مکتب
مطهر

بخش اول: جمعی از علمای نامدار زنجان در قرن چهاردهم..... ۸۱

تبلیغ به محل طارم آمدند و والد مترجم در سفر کربلا مرحوم شده‌اند و در مقبره باب طویرج مدفون گردیده تا اینکه در روز ۸ ذیقعد الحرام سنه ۱۳۸۲ هجریه قمریه در مشهد مقدس دنیا را وداع نمودند و در باغ رضوان مدفون گردید فرزند فاضلش حجة الاسلام آقا سید قوام الدین از دوستان صمیمی اینجانب می‌باشند کاملاً در قم آشنایی داشتیم ایشان نیز در کلیچه بدنیا آمده‌اند و مقدمات اولیه را در زنجان تحصیل نموده و سپس مهاجرت نمودند به قم و از مدرسین سطوح مانند آیه‌الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (قده) که افاضه سطوح می‌فرمودند و از حوزه درس خارج آیه‌الله العظمی آقای سید محمد حجت کوه‌کمری تبریزی و آیه‌الله العظمی آقای حاج سید حسین بروجردی طباطبائی و دیگران استفاده نموده‌اند و فرزند فاضل وی حاج سید مهدی در آن قریه بوجود آمده‌اند و دروس ابتدائی را در مدارس جدید طی نموده و وارد رشته علوم دینی شده‌اند و بعد مشرف شدند به نجف اشرف و از اساتید آنجا بهره برده و هم‌اکنون در ایام تعطیل برای تبلیغ به خارج از کشور می‌روند.

۷۸- شیخ محمد باقر زنجانی

یکی از مراجع و فقهاء بزرگ شیعه می‌باشد که اکثر بزرگان از شاگردان ایشان در نجف هستند. آن بزرگ در سال ۱۳۱۲ قمری در زنجان متولد شده و پدرشان از متدینین و کسبه بازار بوده، ایشان پس از طی مقدمات، رسائل و مکاسب را نزد شیخ زین‌العابدین که از مدرسین زنجان بوده استفاده نموده و کفایه را نزد آیه‌الله شیخ عبدالکریم خوئینی تلمذ کرده و در ۲۴ سالگی فقه و اصول و سطح را تمام کرده و در سنه ۱۳۳۸ به نجف عزیمت نموده و در درس خارج حاج آقا ضیاءالدین عراقی و محقق نائینی حاضر می‌شوند و بعد از مدتی خودشان افاضه درس خارج داشته‌اند که مشهور بوده و در سنه ۱۳۹۴ رحلت نمودند.

می نمایند.

۷۹- شیخ اسماعیل زنجانى (ره)

ایشان از افاضل علماء عصر ما بودند در قریه اوچ تپّه نزدیک زنجان بدنیا آمده‌اند و مقدّمات علوم حوزویّه را در آن شهر تحصیل نموده و بعد مهاجرت نمودند به نجف اشرف و از محضر آیة الله اصفهانی و مرحوم آقا شیخ احمد کاشف الغطا استفاده کردند بعد از اتمام دروس خود به طرف کرکوک برای تبلیغ حرکت کردند و اوّلین شخصی است که بطرف کرکوک برای تبلیغ مسافرت نمودند و در تاریخ زندگانی ایشان آن تبلیغ واقعی درس عبرت است چنانکه در زنجان در منبر بیان می نمودند زحمات بسیار را متحمّل شده‌اند در ارشاد افراد آن دیار و به نظر ما قول حضرت رسول: «علماء أمتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل» در حقّ چنین اشخاص است نیز آن حضرت فرموده: اگر بدعتی در اسلام ظاهر شود و عالم علم خود را ظاهر نکند خداوند و ملائکه و تمامی اشخاص بر او لعن می کنند و این رادمرد الهی در مقابل منکرات و بدعت قیام نمود و آثار تدّین و حسینیات و مساجد در محله کرکوک در اثر مساعی جمیله آن بزرگوار است. در محاربه و مباحثه با علماء عامّه و مجاب کردن آنها در مباحثه با اهل تسنن ید طولانی داشتند و نبود کسی از علماء مگر اینکه به فضل و علم ایشان اعتراف داشته و دارند و پیرمردهای آن حدود قضایائی از آن بزرگوار نقل می کنند چنانچه تاریخ زنجان می نویسد که هرکدام در جای خود درس عبرت است برای آیندگان و چندین مرتبه قاضی و ملک فیصل از سلاطین عراق با ایشان ملاقات نمودند در زندان بعقوبه چهل روز زندانی بوده‌اند و این در اثر فشار حضرات مرشدهای اهل تسنن بود و بالآخره این مرد بزرگ اخیراً به تبریز مسافرت نمودند و در سنّه ۱۳۷۹ هجری قمری دنیا را وداع نمودند. (رحمة الله علیه)

۸۰- سید محمد ولایی

ایشان فرزند میرعلی النقی بوده و در زنجان به دنیا آمده و ادبیات و مقدمات را در زنجان تحصیل نموده، سپس مهاجرت نموده به بلده طیبه قم و در حوزه از محضر آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم بهره کامل برده و بعد مراجعت نموده به زنجان و در مسجد دروازه ارک اقامه جماعت داشته و در سنه ۱۳۸۷ قمری روز ۶ ربیع الأول به ملکوت اعلی پیوسته است (رحمة الله علیه).

۸۱- شیخ بهاءالدین هیدجی

وی فرزند آقا علی در هیدج، نزدیک صائین قلعه [که هر دو اکنون شهر شده اند] به تاریخ ۱۳۱۳ به دنیا آمده و مقدمات متداوله را در قصبه هیدج از حاج سید محمد و ملا علی اصغر واعظ و حاج شیخ فرج الله واعظی مقیم طهران و نیز از مرحوم شیخ عبدالله و شیخ محمود، والد مرحوم شیخ احمد، تلمذ نموده و مهاجرت نموده به زنجان و از اکابر دانشمندان شهر مثل آقا میرزا عبدالرحیم مهانی طارمی و آقا میرزا ابراهیم حکمی ریاضی و سایرین استفاده نموده و بعد مراجعت نموده به هیدج و مدت ده سال مشغول تدریس در مدرسه هیدج بوده تا اینکه در سال ۱۳۶۰ قمری مهاجرت به قم نموده و از محضر آیه الله آقا سید محمد حجت کوه کمری و آیه الله العظمی بروجردی استفاده نموده و خودشان از مدرسین سطوح بودند و حقیر هم مقداری از قوانین را نزد ایشان خوانده ام، فرزند وی حاج شیخ ابو عبدالله از محصلین حوزه قم بودند.

۸۲- آقامیرزا یحیی مدرّس (ره)

یکی از علماء برجسته زنجان و از مدرسین حوزه بود شغلش فقط تدریس بود از لمعه دمشقیه تا رسائل و مکاسب شیخنا الأنصاری (رضوان الله

علیه) عمر شریف خود را وقف خدمت به اسلام نموده و پیشنماز مسجد مشهدی صفر بود. تمامی علماء و فضلاء زنجان از مکتب پربرکت ایشان استفاده نموده هر کدام به هر درجه‌ای رسیده از برکت انفاس قدسیه ایشان است که مربی انسانها بوده و در تاریخ ۲۵/۲/۱۳۸۲ هجری قمری آفتاب عمر شریفش افول و به ملکوت اعلی پیوست [رحمة الله علیه] فرزند فاضلش جناب آقای حاج آقا موسی (ره) که ذاکر دربار با عظمت اباعبدالله الحسین علیهما السلام بود و در عین حال از فضلاء حوزه هم بوده و از مکتب پربرکت ابوی خود استفاده شایان نموده و از جمله دوستان مخلص این حقیر بود سرتاپا حقیقت و معنویت بود و مجالست با او روح انسان را صفای داد و سرور و نشاط می بخشید خداوند او را با موالیان خود حسین بن علی علیه السلام و اصحاب با وفای آن حضرت محشور بفرماید در سنه ۶۳/۳/۲۳ شمسی مطابق با ۱۳ شهر صیام ۱۴۰۴ قمری آفتاب عمر شریفش افول کرده و به ملکوت اعلی پیوست.

۸۳- ابراهیم همایونی زنجانی (ره)

ایشان در سنه ۱۳۱۷ در یک فرسخی زنجان بنام قریه همایون متولد شد و بر علامه شیخ فیاض و شیخ حسین و حاج میرزا احمد تلمذ نموده و از مدرسین سطوح زنجان شدند و معروف بود به شیخ ابراهیم نحوی و در اواخر عمر مهاجرت نمودند و به بلدة طیبه قم، امام صادق علیه السلام فرموده اند: «منها تفیضوا العلم الی سائر البلدان» یعنی از قم علم به سایر ممالک دنیا می رسد و این مرد در قم وفات کرد. تاریخ وفاتش بدست نیامده (رضوان الله علیه)

۸۴- آقا شیخ محمود امینیان (ره)

عالم عامل واورع اهل زمانش بود اقامه جماعت می کرده و زهد و ورع از زبانزد مردمان زنجان بود خاص و عام به ورع و تقوای ایشان قائل بودند.

مسجد و مدرسه معروف به خانم که در مرکز شهر زنجان واقع است وبانی آن جمیله خانم مادر صنع الدوله ذوالفقاری بود که حجراتی دارد وطلاب علوم دینیّه در آن درس می خوانند و مدرّس آن زمانی آقا میرزا یحیی مدرّس بود وامام جماعت مسجد هم مرحوم آقا شیخ محمود فوق الذکر بود آن مسجد از مساجد متروکه شهر شده واز حیث اقامه جماعت نه تنها آن مسجد بلکه اکثر مساجد زنجان - متأسفانه تعطیل ویانیمه تعطیل است وجود این همه تکایا و مساجد وحسینیّه ها در نیم قرن قبل که شهر زنجان بسیار کوچک بوده است حاکی از این است که مردم آن زمان بسیار به منبر و محراب اهمیّت می داده وبه فکر مسائل دینی ودنیوی بوده اند لکن الآن چنین نیست با تأسف بسیار در آن زمان این مسجد از معمورترین مساجد شهر بود والآن تعطیل است تاریخ وفات شیخ محمود امینیان روز یکشنبه ۲۹ شعبان المعظم در سال ۱۳۸۴ قمری برابر ۱۲ دی ۱۳۴۳ بوده است (رحمة الله علیه)

۸۵- میرزا علی نقی حلی (ره)

العالم العامل، البحر الكامل، جامع المعقول والمنقول، حاوی الفروع والأصول، عمدة الفقهاء والمجتهدین، قدوة الخطباء الراشدین، علامة الدهر وفريد عصره حجة الاسلام والمسلمین الحاج میرزا علی نقی الحلی فرزند شیخ حسن حلی که نزد علماء زنجان تلمذ نموده وبه مقام بلند علمی نائل شده که صاحب الفهرست ایشان را بسیار می ستاید برای تفصیل بدانجا رجوع شود.

۸۶- آقا شیخ حسین فیاض (ره)

عالم کامل ونخبه فضلاء جناب حجة الاسلام والمسلمین آقا شیخ حسین فیاض که از شاگردان آیه آقا شیخ فیاض سرخه ریزجی شریعتی می باشند و در زنجان به سال ۱۳۹۳ روز ۲۵ ربیع الأول رحلت کرده اند.

۸۷- سید محمد حسین زنجانی (ره)

جناب ایشان فرزند آقا سید محمد باقر بن سید فتح الله بن سید محمد موسوی زرنندی سجاسی الأصل می باشد و جدّ وی آقا سید فتح الله مردی زاهد و پارسا بوده و در زنجان مسجدی بنام ایشان باقی است در سنه ۱۳۱۱ وفات نموده و پدر ایشان آقا سید محمد باقر متوفی ۱۳۱۸ هجریه قمریه می باشد. وی در زنجان مقدمات و اصول و فقه را تحصیل نموده و مهاجرت کرده به نجف اشرف و در نزد آقا سید محمد شیرازی تلمذ نموده و تقریرات وی و شرح نجات العباد را که استادش تقریض نوشته موجود است اخیراً به آخوند خراسانی شاگردی نموده و مراجعت نموده به زنجان و در مسجد پدرش مشغول امامت جماعت بوده و در مدرسه والد خود تدریس می کرده تا اینکه در سنه ۱۳۱۸ قمری دار فانی را وداع نموده و بعد آقا سید محمد حسین مقدمات متداوله را پیش اساتید زنجان استفاده نموده و مهاجرت نمودند به تهران و از آقا سید محمد تنکابنی رشتی استفاده نموده است و بعد به زنجان مراجعت نموده و در مدرسه جدّ خود مشغول تدریس بودند و در مسجد سید فتح الله نماز جماعت می خواندند ایّام ماه رمضان از اوّل شب تا آخر شب را در مسجد بودند و در باز بود و مردم با کمال شوق و وجد حاضر می شدند خود آقا در منبر تفسیر قرآن می گفتند و مسجد یک صفای عجیبی داشته آقای حاج سید محمد حسین مردی سلیم النفس و پاکدامن و خوش اخلاق بودند در تاریخ ۲۳ صفر الخیر سنه ۱۳۹۵ قمری دار فانی را وداع نموده است (رحمة الله علیه)

۸۸- شیخ موسی زنجانی (ره)

آیه الله المعظم و استاذنا الأعظم آقای شیخ موسی زنجانی (رحمة الله علیه) فرزند آقا شیخ عبدالله بن شیخ محمود بن عباس می باشد. وی در قریه گوجه قیا

واقع در ۳۶ کیلومتری زنجان در سال ۱۳۲۸ هجری قمری بدنیا آمده و بعد از نشو و نما در مهد فضیلت و تقوی شروع به تحصیل علوم دینیّه و مقدّمات و ادبیات نموده و در نزد پدر بزرگوارش جناب شیخ عبداللّه مقدمات اولیّه را تلمذ نموده می‌توان گفت علل قریبه تحصیل ایشان در رشته علوم دینیّه وجود پدر و تربیت ایشان است وی مردی پاکدامن و متقی و اهل عبادت و نویسنده‌ای توانا و محقق مدقق و مردی رجالی و اصولی و فقیه و متبع و از دانشمندان بود و روشن فکر به معنی حقیقی کلمه و به حقیر می‌فرمودند نماز ۱۵ سال را اعاده کرده‌ام و چه بسا شرایط نماز را مراعات نکرده‌ام، در اوائل جوانی هر روز زیارت عاشورا با شرایط خاصی بجا می‌آوردند و پشت بامی رفتند و در پشت بام می‌خواندند و بسیار شب زنده‌دار بودند. عمارت شخصی نداشتند آثار گرانقدر ایشان عبارتند از:

- ۱- مدینة البلاغه فی خطب النبی صلی اللّٰه علیہ و آلہ و رسائلہ و وصایاہ
- ۲- عمل الصالح (در صلوة علی النبی صلی اللّٰه علیہ و آلہ که فارسی است)
- ۳- رسالہ نسیم السحر
- ۴- وجیزة فی علم الرجال
- ۵- تهذیب الوسائل
- ۶- کتاب الجامع من الرجال که در موضوع خود بی‌نظیر است
- ۷- الفهرست لمشاهیر علماء زنجان
- ۸- حکم زوجة المفقودة عنها زوجها

و در اینجا پایان پذیرفت کتاب موجز
علماء نامدار زنجان در قرن چهاردهم
والسلام علی عباداللّٰه للصالحین
زنجان - مکتبة الأحمديّة

«فهرست تمامی علماء نامدار زنجان»
«در قرن چهاردهم هجری قمری»

*** فهرست علماء نامدار زنجان در قرن چهاردهم هجری قمری**
همچنان که در مقدمه وعده نموده بودیم در پایان این مقال، فهرست اسامی علماء نامدار زنجان، در قرن چهاردهم ار می آوریم و گمان آن داریم که نام کسی از ناموران را از قلم نیانداخته باشیم.

خواننده گرامی، اگر بخواهید شرح حال مختصر یا مفصل هر یک از این اعلام را بدانید شرح زندگی آنان در یکی از کتب زیر آمده است:

۱ - تاریخ زنجان - علماء و دانشمندان - تألیف: آیه الله سید ابراهیم موسوی زنجان

۲ - الفهرست لمشاهیر علماء زنجان - تألیف: آیه الله شیخ موسی زنجان

۳ - علماء و رجال استان زنجان، تألیف: جناب آقای کریم نیرومند

۴ - عرفا و حکمای استان زنجان، تألیف: جناب آقای کریم نیرومند

۵ - فرهنگنامه زنجان، صفحات مربوط به قضیه مشروطیت، تألیف: مرحوم آقای محمدرضا روحانی

۶ - خط سوم در انقلاب مشروطیت ایران، تألیف: فاضل فرزانه آقای ابوالفضل شکوری

۷ - علماء نامدار زنجان در قرن چهاردهم (کتاب حاضر)

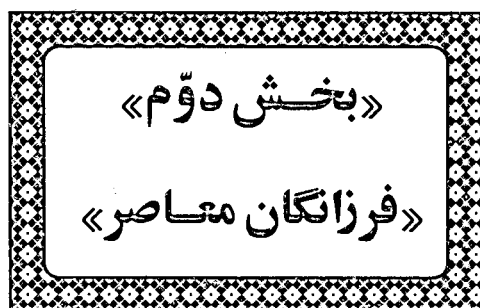
اینها همه علماء و روحانیان زنجان در قرن چهاردهم نیستند، چرا که یقیناً بیش از این بوده اند، بلکه به گمان ما اینان نامداران آنان هستند.

ردیف	نام و شهرت	تاریخ ولادت	تاریخ وفات	ردیف	نام و شهرت	تاریخ ولادت	تاریخ وفات
۱	میرزا الطفالله زنجانى	۱۲۳۳	۱۳۰۷	۲۷	آخوند ملا عبدالعلی زنجانى	۱۲۶۸	۱۳۳۹
۲	سیدجعفر سلطانیه‌ای	-	-	۲۸	آخوند ملا فتحعلی زنجانى	۱۲۶۸	۱۳۳۸
۳	شیخ غلامحسین زنجانى	-	-	۲۹	آخوند هیدجی	۱۲۷۰	۱۳۱۴
۴	حضرت حجة الاسلام	۱۲۳۵	۱۳۲۸	۳۰	آقا شیخ کاظم زنجانى	-	۱۳۲۲
۵	میرزا ضیاءالدین نائب‌المصدر	-	۱۳۰۶	۳۱	شیخ ابوالقاسم دیزجی	۱۲۷۲	۱۳۳۵
۶	شیخ حسین جوقونى شهید	-	۱۳۲۷	۳۲	شیخ ابراهیم دیزجی	-	-
۷	آقا سیدعلی نبوی	-	-	۳۳	حاج سیدحسین زنجانى	۱۲۷۴	۱۳۲۲
۸	سیداسماعیل نبوی	-	-	۳۴	شهید حسین جوقونى	-	۱۳۲۷
۹	میرزا ابوالفتح	-	۱۳۰۴	۳۵	میرزا مجید زنجانى	-	۱۳۲۴
۱۰	شیخ محمدحسن زنجانى	۱۲۵۲	۱۳۴۰	۳۶	شیخ اسماعیل سلطانیه‌ای	-	-
۱۱	شیخ جعفر خوئینی	۱۲۵۴	۱۳۳۴	۳۷	شیخ محمد رضا زنجانى	۱۲۷۷	۱۳۹۶
۱۲	سیدابوالمکارم زنجانى	۱۲۵۴	۱۳۳۰	۳۸	میرزا عبدالرحیم مهبانی طارمی	۱۲۷۹	۱۳۶۵
۱۳	سیدابوطالب زنجانى	۱۲۵۹	۱۳۲۹	۳۹	حاج موسی تقی	۱۲۸۰	۱۳۵۷
۱۴	سیدعبدالله موسوی	۱۲۶۲	۱۳۱۳	۴۰	شیخ اسمائیل	-	۱۳۳۲
۱۵	حاج سیدعبدالله شمس‌الدین	۱۲۶۲	۱۳۱۳	۴۱	حاج شیخ مقیم	-	-
۱۶	شیخ احمد فقیه سجاسی	-	-	۴۲	شیخ صادق برامی	-	۱۳۲۹
۱۷	آخوند ملا سیز علی زنجانى	-	-	۴۳	ملاحاجی بابا	-	-
۱۸	میرزا عبدالرحیم	-	۱۳۴۱	۴۴	میرزا ابوالمعالی	-	۱۳۲۲
۱۹	شیخ حسین قاضی‌کندی	-	-	۴۵	حاج سیدحسن قناتزاده	-	-
۲۰	حاج مجتبی	-	-	۴۶	حاج میرزا مهدی مجتهد	-	-
۲۱	شیخ جواد طارمی	-	۱۳۲۵	۴۷	شیخ فضل‌الله شیخ‌الاسلام	-	-
۲۲	میرزا عبدالله کاوندی	-	۱۳۲۹	۴۸	شیخ اسدالله رستم‌خانى	۱۲۸۲	۱۳۵۴
۲۳	حاج سیدمیرزا ابوالفضائل	-	-	۴۹	شیخ علی‌التقی سلطانیه‌ای	۱۲۸۴	۱۳۳۶
۲۴	شیخ ابراهیم ابن شیخ اسدالله	-	۱۳۳۷	۵۰	سیدمحمد زنجانى	۱۲۸۴	-
۲۵	شیخ جعفر	۱۲۶۸	۱۳۳۷	۵۱	سیدعلی زنجانى	-	۱۳۴۳
۲۶	شیخ زین‌العابدین عابدی	-	۱۳۴۸	۵۲	شیخ میرزا محمد	-	۱۳۲۰

ردیف	نام و شهرت	تاریخ ولادت	تاریخ وفات	ردیف	نام و شهرت	تاریخ ولادت	تاریخ وفات
۵۲	ملاحسینعلی اوزجی	-	-	۷۹	آقا شیخ فیاض سرخه‌دیزجی	۱۲۸۵	۱۳۶۰
۵۳	ملاصادق اوزجی	-	-	۸۰	آخو ملا محمد قراگوزلو	۱۲۸۷	۱۳۷۰
۵۵	آخوند ملا محمد تقی شکوری	-	۱۳۳۱	۸۱	سیدعلی نقی	۱۲۸۸	-
۵۶	سید اسماعیل سلطانیه‌ای	-	۱۳۲۲	۸۲	ملا گنجعلی زنجان‌ی	-	-
۵۷	حاج ملا اسدالله بیات	-	۱۳۲۲	۸۳	میرزا احمد زنجان‌ی	-	-
۵۸	آخوند ملا نجفعلی اندآبادی	-	-	۸۴	حسین ابن علی سجاسی	-	-
۵۹	آخوند ملاعلی اکبر زنجان‌ی (خدیج)	-	-	۸۵	سید حسن ابن القضا	-	۱۳۳۰
۶۰	میرزا علی نقی ناری	-	-	۸۶	آقا سید رضا سلطانیه‌ای	۱۲۲۸	۱۳۳۵
۶۱	شیخ غلامحسین فقیه قره‌تپه‌ای	-	-	۸۷	سید محسن آل یاسین	۱۲۸۹	۱۳۵۳
۶۲	ملا فتح‌الله مشمپائی	-	-	۸۸	شیخ عبدالکریم	-	۱۳۳۵
۶۳	ملا حاجعلی مشمپائی	-	۱۳۳۷	۸۹	شیخ اسماعیل	-	۱۳۳۲
۶۴	ملا احمد مشمپائی	-	-	۹۰	میرزا عباسعلی قزلبه‌ای	-	۱۳۳۴
۶۵	سید عنایت‌الله دوسرانی	-	-	۹۱	ملا سیف‌الله آقچه‌قلعه‌ای	-	۱۳۳۷
۶۶	آقا علی ارقینی	-	۱۳۲۹	۹۲	شیخ مهدی گوجه‌قیالی	-	۱۳۳۶
۶۷	ملا مجید زنجان‌ی	-	۱۳۳۷	۹۳	شیخ هادی	-	۱۳۳۷
۶۸	حاج ملانی حصار‌ی	-	۱۳۲۲	۹۴	شیخ عبدالکریم خونی‌ی	۱۲۹۱	۱۳۶۹
۶۹	ملا لطف‌الله حصار‌ی	-	-	۹۵	ذولفعلی زنجان‌ی	-	۱۳۵۴
۷۰	ملانورعلی بابائی	-	-	۹۶	شیخ احمد آیت‌اللهی	-	۱۳۵۲
۷۱	سید قوام‌الدین ابدالی	-	-	۹۷	شیخ محمد رضا زنجان‌ی	-	۱۳۵۰
۷۲	ملا عبدالواسع طارمی انزری	-	-	۹۸	ملا محمد بن مصطفی قلی	-	-
۷۳	شیخ علی واعظ	-	-	۹۹	شیخ حسین زنجان‌ی	۱۲۹۲	۱۳۶۶
۷۴	شیخ عباسعلی مدرس	-	۱۳۳۴	۱۰۰	آقا شیخ حسین قاتوقی	-	۱۳۶۰
۷۵	سید عبدالواسع طارمی	-	-	۱۰۱	حاج ملا حنفیه زنجان‌ی	۱۲۹۳	-
۷۶	آخوند ملا محبعلی	-	۱۳۶۲	۱۰۲	میرزا فتح‌علی شریقیان	-	-
۷۷	آقا شیخ رضا زنجان‌ی	-	-	۱۰۳	شیخ حسین کلامی	-	-
۷۸	آقا شهاب زنجان‌ی	-	-	۱۰۴	میرزا عباس حسن آبادی	۱۲۹۵	۱۳۵۱

ردیف	نام و شهرت	تاریخ ولادت	تاریخ وفات	ردیف	نام و شهرت	تاریخ ولادت	تاریخ وفات
۱۰۵	آقا میرزا احمد دواسبی	۱۲۹۶	۱۲۵۲	۱۳۱	سید هدایت الله ابدالی	-	۱۲۵۹
۱۰۶	میرزا احمد مندوس	-	-	۱۳۲	سید قوام الدین مهانی	-	۱۲۵۸
۱۰۷	حاج میرزا مهدی زنجانی	۱۲۹۶	۱۲۵۹	۱۳۳	سید عبدالکریم بلوبین	-	-
۱۰۸	حاج شمس الدین کاظمی	۱۲۹۷	-	۱۳۴	ملاصالح جعفری	-	۱۲۶۶
۱۰۹	شیخ عبدالکریم زنجانی	۱۳۰۰	۱۲۸۹	۱۳۵	شیخ حنفیه خونی	-	۱۲۶۱
۱۱۰	شیخ حسین قراکولی	۱۳۰۲	-	۱۳۶	آقا شیخ رجبعلی زهاد	-	۱۲۶۰
۱۱۱	شیخ فضل الله زنجانی	۱۳۰۲	۱۳۳۳	۱۳۷	آقا شیخ نصرت حسینی	-	۱۲۶۱
۱۱۲	حاج ملا آقاجان زنجانی	۱۳۰۲	۱۳۷۶	۱۳۸	شیخ اسدالله زنجانی	-	۱۳۷۱
۱۱۳	سید محمود نظام الدین	۱۳۰۲	-	۱۳۹	سید ابوالمعالی	-	۱۳۷۲
۱۱۴	شیخ یعقوبعلی سرخه دیزجی	۱۳۰۲	۱۳۶۵	۱۴۰	سید محمود امام جمعه	۱۳۰۹	۱۳۷۴
۱۱۵	آقا شیخ احمد زنجانی	۱۳۰۴	۱۳۸۲	۱۴۱	ابو عبدالله زنجانی	۱۳۰۹	۱۳۶۰
۱۱۶	حاج سید اسماعیل احمدی	۱۳۰۴	-	۱۴۲	ملا ابو القاسم مرصعی	-	-
۱۱۷	میرزا ابراهیم ارثاطیقی	-	۱۳۵۱	۱۴۳	سید اسماعیل خونی	۱۳۱۰	-
۱۱۸	شیخ اسماعیل	-	-	۱۴۴	آقا نجم الدین	۱۳۱۰	-
۱۱۹	شیخ عبدالله	-	-	۱۴۵	شیخ محمود کربلایی	-	۱۳۶۷
۱۲۰	آقا صدرالدین	۱۳۰۴	۱۳۵۴	۱۴۶	حاج سید محمد	۱۳۱۰	-
۱۲۱	سید محمد دیزجی	-	-	۱۴۷	شیخ علی اصغر فصاحتی	-	۱۳۷۶
۱۲۲	حاج سید سجاد روضه خوان	-	۱۳۵۴	۱۴۸	سید محمد حسین کلچه طارمی	-	۱۳۸۲
۱۲۳	حاج سیف الدین دیزجی	-	۱۳۷۰	۱۴۹	شیخ محمد باقر زنجانی	۱۳۱۲	۱۳۵۳
۱۲۴	علی اشرف سمائی	۱۳۰۵	۱۴۰۵	۱۵۰	شیخ نولفعلی زنجانی	-	۱۳۴۵
۱۲۵	حاج میرزا عبدالرحیم واسعی	۱۳۰۷	۱۴۰۳	۱۵۱	سید ابو القاسم قشلاجوقی	-	-
۱۲۶	شیخ رضا ابن فتحعلی	-	۱۳۵۴	۱۵۲	سید آقا زواجری سجاسی	-	-
۱۲۷	شیخ محمد	-	۱۳۴۱	۱۵۳	حاج ملا تقی زنحانی افشاری	-	-
۱۲۸	شیخ ابو عبدالله	-	۱۳۵۹	۱۵۴	ملا محمد رضا ملک باغی	-	۱۳۴۷
۱۲۹	آیت الله سید احمد زنجانی	۱۳۰۸	-	۱۵۵	آخوند ملا حسن رضا ملک باغی	-	۱۳۵۲
۱۳۰	شیخ براتعلی یزه شاهی	۱۳۰۸	-	۱۵۶	آخوند ملا عیسی خادم زاده	-	-

ردیف	نام و شهرت	تاریخ ولادت	تاریخ وفات	ردیف	نام و شهرت	تاریخ ولادت	تاریخ وفات
۱۵۷	حاج میرزا غنی	-	-	۱۷۰	آقا میرزا یحیی مدرس	-	۱۲۸۲
۱۵۸	آقا سید اسد الله و لشانی	-	-	۱۷۱	آقا عبدالحسین	۱۳۱۳	-
۱۵۹	سید محمد دیزجی	-	-	۱۷۲	ابراهیم همایونی زنجانی	۱۳۱۷	-
۱۶۰	سید علی نقی حسین و لائی	-	-	۱۷۳	شیخ سیفعلی	۱۳۱۷	-
۱۶۱	شیخ محمد جمشیدی	-	-	۱۷۴	حاج محمد حسین زنجانی	۱۳۱۹	-
۱۶۲	شیخ یوسف یاسوکندی	-	-	۱۷۵	آقا شیخ محمود امینیان	-	۱۲۸۴
۱۶۳	حاج شیخ عبدالکریم صائینی	-	-	۱۷۶	سید محمد سلطانیهای	۱۳۲۳	۱۲۸۷
۱۶۴	آخوند ملا علی زنجانی	-	-	۱۷۷	شیخ علی اوسط	۱۳۲۴	-
۱۶۵	میرزا محمد حسین ساعت ساز	-	-	۱۷۸	میرزا علی نقی حلی	-	۱۳۹۱
۱۶۶	میر حبیب روضه خوان	-	-	۱۷۹	آقا شیخ حسین فیاض	-	۱۳۹۲
۱۶۷	شیخ اسماعیل زنجانی	-	۱۳۷۹	۱۸۰	سید محمد حسین زنجانی	-	۱۳۹۵
۱۶۸	سید محمد و لائی	-	۱۳۸۷	۱۸۱	شیخ موسی زنجانی	۱۳۲۶	۱۴۰۰
۱۶۹	شیخ بهاء الدین هیجی	۱۳۱۳	-				



«بخش دوم»

«فرزندگان معاصر»

بسم الله الرحمن الرحيم

* یکی از مسائلی که در دهه اخیر بسیار مورد توجه واقع شده، معرفی بزرگان معاصر در حال حیات است.

این مسئله از چندین لحاظ فوائد مفیده دارد از جمله: آشنائی نسل حاضر با منابع و ذخائر فرهنگی کشور، چرا که بسیار دیده شده فرزانه‌ای دانشمند بار سفر از حیات مادی بسته و عزم دیار ابدی می‌کرد بدون اینکه مردم یا قشر فرهنگی جامعه با این بزرگان آشنا شوند و تجربه‌های اندوخته دانشمندان سلف را از آنان بازگیرند و به جامعه خود یا نسل بعد انتقال دهند.

و نیز از فواید این معارفه تقدیر و قدردانی از زحمات بی‌شائبه و شبانه روزی آن بزرگان است و چندین فایده دیگر که مجال گفتار نیست.

* اگر به استانهای شمال یا جنوب کشور سفر کرده باشید و سراغ علماء شهر را گرفته باشید به این مطلب اذعان می‌نمائید که در ۲۵ استان کشور، بسیار انگشت شمار است آن استانهایی که در شهرهاشان فقیه مسلم الاجتهاد وجود داشته باشد و شاید تعداد این استانها در کل کشور به تعداد انگشتان دستاتان هم نرسد.

خوشبختانه استان زنجان از قرن‌ها قبل مهد دانشمندان و فرزندگان بوده است، چه آن زمان که سلطانیۀ زنجان پایتخت بود و سلطان محمد خدابنده که بواسطۀ مناظرۀ علماء اهل سنت و شیعه در محضر او و غلبۀ دانشمندان تشیع، مذهب رسمی ایران را تشیع اعلام کرد و چه در زمان حضرت حجة الاسلام آخوند ملا قربانعلی زنجان‌ی قدس سره الشریف.

شاید شما خوانندۀ عزیز از بزرگان شهر زنجان شنیده باشید که زمانی در این شهر بیش از ۴۰ عالم مجتهد، هم زمان و معاصر هم وجود داشته است..

این مطلب کاملاً حقیقت دارد و مربوط به قرن چهاردهم می‌شود که بواسطه استقرار حضرت آخوند مولى قربانعلی از اطراف و اکناف منطقه خمسه و خارج از آن برای استفاده از محضر درس آخوند بار سفر بدین سوی می‌بستند و در آن مقیم شدند و ما شرح حال جمعی از آنان را در بخش اول این مقال آوردیم، اگر خواننده محترم به کتاب الفهرست لمشاهیر علماء زنجان تألیف آیه‌الله شیخ موسی زنجانى مراجعه فرمائید، خواهید دید که این دانشمند بسیاری از مشاهیری را که نام می‌برد با القاب کثیره از جمله، محقق و مجتهد معرفی می‌کند که اینان همان شاگردان آخوند هستند و در نیمه اول قرن چهاردهم زندگی علمی آنان سپری شده و این مطلب گفته ما را آشکار می‌سازد.

باری سخن از این بود که بسیاری از استانهای شمال و جنوب و شرق و غرب کشور مع الأسف تهی از مجتهد شده‌اند با اینکه در ده سال قبل چنین نبود و متأسفانه با اینکه هم اکنون شهر زنجان چه در خارج و چه در داخل مجتهدین فراوانی دارد مردم شهر از وجود آنان بی اطلاع و گاهاً کم توجه‌اند.

لذا ما برآن شدیم تا در این بخش فرزنانگان معاصر را که در حال حیاتند به جامعه اسلامی معرفی نمائیم و البته اذعان و اعتراف داریم که آنچه گفته‌ایم تمامی آنچه بوده است، نیست، بلکه آنانی را معرفی نموده‌ایم که از زندگی علمی آنان اطلاع داشتیم.

لازم به ذکر است که شرح حال جمعی را که بایستی در این بخش می‌آمد بخاطر ذکر ترجمه حال پدر یا جدشان در بخش اول، در آنجا ذکر شده است.

نویسنده این سطور مطمئن است که در آینده کسانی برای معرفی دانشمندان معاصر برخوانند خواست و همانگونه که شما الآن فرهنگ اعلام در دست رس دارید که از فرزنانگان گذشته سخن می‌گویید به همین گونه نیز در

آینده - با توجه به رشد سریع فرهنگی کشور - فرهنگنامه‌هایی وجود خواهد داشت که به معرفی دانشمندان در حال حیات کشور برخواسته باشد. و اما، ما این بخش را در سه فصل می‌آوریم:

فصل اول:

مربوط به دانشمندان خارج از کشور، آن بزرگانی که در سایر کشورها به تبلیغ و ترویج دین مبین اسلام و مذهب مقدس تشیع - تنها راه سعادت و خوشبختی انسان - مشغولند.

۱- کویت: آیه‌الله سید ابراهیم موسوی زنجان:

در مقدمه کتاب «کشکول زنجان» چاپ بیروت، او را چنین معرفی می‌نماید: «او، فیلسوف اسلام، آیه‌الله سید ابراهیم موسوی زنجان، در قصبه صائین قلعه [که اخیراً به شهر مبدل شده] در تاریخ ۱۳۴۴ قمری [۱۳۰۳ شمسی] بدنیا آمد و قرآن و ادبیات فارسی را نزد پدر بزرگوارش مرحوم سید ساجدین آموخت و در تاریخ ۱۳۶۰ قمری [۱۶ سالگی] به قم مهاجرت نموده و دروس سطوح را نزد بزرگان اساتید حوزه تلمذ نمود و ۵ سال در آنجا ماند و بعد در سال ۱۳۶۵ [۲۱ سالگی] به نجف اشرف مهاجرت کرد و نزد بزرگان نجف به تحصیل دروس خارج پرداخت.

و اما اساتید ایشان عبارتند از آیات عظام: سید عبدالهادی شیرازی - میرزا باقر زنجان - شیخ حسین جلی - فیه الامه سید محسن حکیم - میرزا آقا شیرازی - فیلسوف اسلام شیخ صدرا بادکوبی - سید جواد تبریزی و زعیم حوزه آیه‌الله سید ابوالقاسم موسوی خوئی - سید حسین حمامی نجفی، تا اینکه به مرتبه عالیّه اجتهاد نائل آمد.

بعد از آن او مشغول تدریس فقه و اصول و کلام و فلسفه شد و در نجف

به مدت ۳۱ سال اقامت گزید و در جای امام زنجانی (شیخ عبدالکریم) در رواق امیرالمؤمنین علیه سلام الله نماز می خواند و ایشان صاحب اجازه اجتهاد از آیه الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء و شیخ عبدالکریم زنجانی و سید علی طباطبائی تبریزی و غیره هستند.

آن عزیز مؤسسات خیریه فراوانی ساخته اند در استامبول و کرکوک و بحرین و زنجان [صائین قلعه].

و تا این تاریخ ۱۳۹۹ ق [۱۳۵۹ ش] تعداد تألیفات ایشان بالغ بر ۴۴ کتاب است در موضوعات: فقه - اصول - فلسفه - کلام - عقائد - تراجم - و حاشیه برکفایه و مکاسب و رسائل و رساله عملیه که بعضی به چاپ رسیده اند. آنچه چاپ شده عبارت است از:

۱ - عقائد الامامیه ۳ جلد

۲ - رجال زنجانی

۳ - وسیله دارین

۴ - بدایة الفلسفه الاسلامیه

۵ - فقه الشیعه الامامیه

۶ - اثبات الحجّة

۷ - جامع الأنساب

۸ - فضائل اهل البيت

ایشان ۱۵ بار به مکه و ۵ بار به قاهره و ۲ بار به استامبول و هند و اردن و سوریه و لبنان و دبی و قطر و مسقط و بحرین و کویت و لندن سفر کرده اند.^(۱)

۱- کشکول الزنجانی، بیروت مؤسسه الأعلمی - مقدمه کتاب - اخیراً شنیده شده که ایشان به

۲- عراق: نجف الاشرف. آية الله شيخ ابوالحسن انوار:

ایشان فرزند شیخ حسین قلتوقی زنجانى - که شرح حالش در بخش اول گذشت - می باشند. به تاریخ ۱۳۵۰ ق در شهر زنجان چشم به دنیا گشود در مهد علم و تقوى و فضیلت نشو و نما نمودند. مقدمات و ادبیات متداوله را در شهر زنجان از اساتید فرا گرفته و مدتی برای تکمیل دروس سطوح به حوزه علمیه قم در تاریخ ۱۳۷۲ [۲۲ سالگی] مهاجرت نمودند و بعد به نجف اشرف رفته و به درس زعیم حوزه آية الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی فقهاً و اصولاً حاضر شدند و یک دوره اصول معظم له را به قلم شیوامر قوم نموده اند.

هم اکنون ایشان از حسنات حوزه علمیه نجف اشرف هستند و مجسمه اخلاق فاضله می باشند بعد از انقلاب ایران چند بار به زنجان و سایر شهرها مراجعت کرده و دوباره به نجف باز گشته اند.

۳- سوریه: دمشق. دانشمند فرزانه آية الله سید احمد فهري:

ایشان فرزند حاج سید سجاد روضه خوان - که شرح حالش در بخش اول گذشت - می باشند. در ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۴۱ ق در شهر زنجان متولد شده اند مقدمات اولیه را در زنجان استفاده کرده و بعداً به قم مهاجرت نمودند از اساتید قم مثل: آية الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی و آية الله شیخ موسی زنجانى تلمذ نموده و بعد برای تکمیل دروس عالیه به نجف اشرف مهاجرت کردند و در آنجا از محضر درس آية الله میرزا باقر زنجانى و آية الله العظمی خوئی استفاده نمودند.

حضرت علامه آية الله سید محمد حسین حسینی طهرانی (ره) در مورد

ایشان می‌نویسد: حضرت آیه‌الله حاج سید احمد فهری زنجانی دامت برکاته که از شاگردان اخیر مرحوم قاضی است، مردی است فاضل و عالم و خوش فهم.^(۱) شخصی ذکی و متین و از حسنات حوزه نجف بوده و بسیار ملازم با حضرت امام (قدس سره) بودند و بسیاری از کتب عرفانی حضرت امام را شرح نموده‌اند خود آن عزیز نیز یک رجل اخلاقی و الهی است. مدتی در کرمانشاه در مسجد جامع به اقامه جماعت و وظایف شرعیه مشغول بودند و در صحنه مذهبی و اجتماعی فعالیت‌های زیادی نموده‌اند از جمله احداث مدراس - مباحثه با اهل غلو و ... بعد مدتی مقیم طهران بودند - و بعد از آن به دستور حضرت امام و به عنوان نماینده ایشان راهی سوریه شدند و فعلاً در آنجا امام جمعه و جماعت بوده و به کارهای تبلیغی مشغولند. ایشان بیش از ۱۴ جلد اثر اعم از تألیف و ترجمه دارند که بعضی به فارسی و بعضی به عربی است و کلاً به طبع رسیده است.

فصل دوم:

مربوط به تراجم فرزنانگانی که در داخل ایران و خارج از شهر زنجان، در سایر شهرستانها به کارهای علمی و تبلیغی مشغولند.

الف - قم المشرقه:

۱- فقیه الأعظم و المرجع الأعلى حضرت آیه‌الله العظمی السید موسی

شبیری زنجانی (ادام الله ظله علی رؤس المسلمین)

این بزرگمرد یکی از مراجع هفتگانه معاصر می‌باشد که از سوی جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم به شیعیان جهان معرفی شده‌اند، ایشان به سال ۱۳۴۶

هجری قمری مطابق ۱۳۰۶ هجری شمسی در شهر مقدّس قم به دنیا آمده‌اند، پدر بزرگوارشان آیه‌الله العظمی حاج سید احمد زنجانی (قدس سره) می‌باشد که زندگینامه ایشان در بخش اوّل این کتاب گذشت:

آن عزیز بعد از تحصیل دروس جدید مشغول تعلیم و تحصیل علوم دینیّه مقدّسه شده‌اند. اولین هم مباحثه ایشان از ابتداء طلبگی، که با هم دروس را بحث می‌نموده‌اند، حضرت آیه‌الله سید موسی صدر - رهبر شیعیان لبنان - بوده است. ایشان پس از طیّ مقدمات و سطح به درس خارج فقهاء عظام شیعه ساکن قم همانند آیه‌الله العظمی حاج سید صدرالدین صدر - که اولین درس خارجی بوده که ایشان شرکت کرده‌اند - و آیه‌الله العظمی حاج سید محمد حجّت کوه‌کمری و آیه‌الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی و آیه‌الله العظمی حاج سید محمد محقق داماد شرکت جسته‌اند و تلمذ ایشان نزد مرحوم آقای حاج سید محمد محقق داماد تقریباً ۲۵ سال شده است. حضرتشان مباحثات خارج را به دو صورت بحث می‌نموده‌اند. اول، به صورت دو نفره که با مرحوم آیه‌الله شهید دکتر بهشتی رحمة‌الله علیه بوده و رفاقت و صمیمیت این دو بزرگوار بسیار گرم بوده است به طوری که مرحوم آقای بهشتی در مصاحبه‌ای که در یادنامه‌اش مندرج است، صمیمی‌ترین رفیقشان را حضرت آقای زنجانی نام می‌برند.

حضرت آیه‌الله العظمی زنجانی در مورد مرحوم آقای دکتر بهشتی و مرحوم امام موسی صدر می‌فرمودند: «آقای بهشتی شخصی بسیار ذکی و تیزهوش بود و آقای صدر هم بسیار با ذکاوت و استقامت فهم و سرعت انتقال داشتند».

بحث دوّم درس خارج ایشان به صورت شش نفره بوده که با حضرات

آیات زیر انجام می‌پذیرفته: ۱- جناب آقای ناصر مکارم شیرازی، ۲- جناب آقای آذری قمی، ۳- جناب آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، ۴- جناب آقای سید موسی صدر، ۵- جناب آقای سید محمد بهشتی.

سیدنا الفقیه حضرت آقای زنجانی دو بار سفر نجف داشته‌اند و در آن حوزه مقدس از محضر درس آیة‌الله العظمی حاج سید ابوالقاسم موسوی خوئی(ره) و فقیه الأئمة آیة‌الله العظمی آقای حکیم(ره) و آیة‌الله العظمی آقای سید عبدالهادی شیرازی استفاده شایان برده‌اند و مجموع مدت اقامت ایشان در دو سفر تقریباً یکسال بوده است.

آقای شیخ صادق خلخالی در قسمتی از خاطرات شخصی خودشان که به طبع رسیده، گفتاری دارند بدین مضمون، آنگاه که ما در مدرسه حجتیه بودیم، چند نفر در مدرسه فیضیه بودند که به مبرزین از فضلاء مشهور بودند و یکی از آن چند نفر را حضرت آیة‌الله العظمی زنجانی نام می‌برند.

نیز جناب آقای عابدی - که از علماء محترم طهران - هستند در آخرین دیداری که با امام موسی صدر در مکه مکرمه داشتند - که بعد از آن و پس از مدتی آقای صدر مفقود شدند - می‌فرمودند در نشستی که با آقای صدر داشتیم سخن از فضلاء و بزرگان به میان آمد و ایشان فرمودند: «من در هر مستوی و سطحی که بوده‌ام بر همه اقران و امثالم تفوق داشتم و بالاتر بودم غیر از دو سه نفر که یکی آقای سید موسی شبیری زنجانی و دیگری آقای سید محمد باقر صدر و آقای سید محمد بهشتی هستند».

علی‌ای حال هم اکنون ایشان از مراجع عظام شیعه به شمار می‌روند و در شهر مجتهدپرور قم درس خارج فقه دارند و در مدرسه مبارکه فیضیه افاضه می‌فرمایند و به خاطر تحقیقات کثیره و عمیق در علم رجال، رجالی بزرگ قم

محسوب می‌شوند، از تألیفات زیاد ایشان می‌توان به دو دوره حاشیه بر «اختیار معرفة الرجال» شیخ طوسی (ره) نام برد که دوره اول مختصر و ده ره دوم با تفصیل است.

همچنین ایشان شبها و صبحها در حرم عَش آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم یعنی حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و ظهرها را در مدرسه فیضیه اقامه جماعت دارند (ادام الله ظلّه علی رؤس المسلمین)، از محضرشان چندین بار تقاضای مصاحبه برای تهیه زندگینامه شد که ابا فرمودند، لذا ناچاراً آنچه را که شنیده و یا در مورد ایشان به صورت پراکنده نوشته شده را در این جا گرد آوردیم، امیدواریم در چاپهای بعدی زندگینامه ایشان را تفصیلاً بیان کنیم تا شخصیت عظیم علمی ایشان بر مؤمنین و محققین روشن شود.

۲- دانشمند معظم و روانشناس بزرگ حوزه علمیه قم، حضرت مستطاب محمد آل اسحاق خوئینی:

ایشان در سال ۱۳۰۳ شمسی در قصبه خوئین بدنیا آمدند پدرشان نیز از اهل علم بوده‌اند دوران کودکی را در خوئین گذرانده و بعد به زنجان به همراه خانواده منتقل شدند و به مکتب رفتند مدتی بعد توسط استاد روز به مدرسه توفیق منتقل شدند و در سال ۱۳۱۷ گواهینامه سال ششم ابتدائی را گرفتند.

سپس وارد دروس علوم دینیّه شده و مقدمات و نیز مقداری از دروس سطوح را نزد پدرشان خوانده‌اند و بقیه سطوح را نزد آیه الله شیخ حسین دین محمدی تلمذ کردند.

ایشان بواسطه مشکلات جنگ جهانی دوم مجبوراً وارد بازار شدند و بعد از مسئله بمباران که پیش آمد خانواده‌شان به خوئین مراجعت کردند و در زنجان ماند و بعد از سال ۱۳۲۰ به قم مهاجرت نمودند و در درس آیه الله العظمی

بروجردی که تازه شروع شده بود شرکت کردند و خانواده و پدر را نیز به قم منتقل نمودند.

بعد از فوت پدر به نجف اشرف رفته و به مدت ۵ سال از درس اصول آیه الله العظمی خوئی بهره بردند و دوباره به قم بازگشت نمودند.

بعد از مراجعت از نجف اشرف مدتی به درس حضرت امام رفتند آنگاه به شهر ری منتقل شدند برای تدریس در مدرسه آقای بروجردی که از بودجه آقای بروجردی آن مدرسه ساخته شده بود و در آنجا فلسفه و اصول تدریس می نمودند تا اینکه بعد از چند سالی دوباره به قم برمی گردند و از اینجا به مطالعه کتب روانشناسی رومی آورند و چون در حوزه قم اینگونه کتابها کم بوده به نجف می روند و آنجا این سری مطالعات را بیشتر ادامه می دهند بعد از ۵ سال به سال ۱۳۳۵ ش با ۲۰ طرح روانشناسی به قم باز می گردند مدتی در تهران در مدرسه علوی و نیز با آیه الله مطهری و ... در گروه فرهنگی قدس - که خودشان از بنیانگذاران آن بودند - مشغول کارهای فرهنگی می شوند ولی بواسطه و رودر مسائل سیاسی ساواک از فعالیت ایشان ممانعت می نماید.

بعد از بازگشت به قم با همکاری آیه الله مشکینی به مدت ۷ سال فعالیتهای تبلیغی و سیاسی در اراک داشته اند نیز در دزفول و خرم آباد فعالیتهای خود را گسترش دادند که منجر شد به زندانی شدن ایشان و شکنجه و ... تا اینکه بعد از انقلاب مدتی را در اراک به دستور حضرت امام فعالیت می کردند و نماینده ایشان در اراک بودند تا اینکه فرزندشان مهندس ابوالحسن آل اسحق به درجه شهادت می رسد و به قم باز می گردند و هم اکنون از بزرگترین روانشناسان حوزه علمیه قم محسوب می شوند و تدریس روانشناسی نیز دارند از تألیفات چاپ شده ایشان می توان به :

۱- زمینه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۲- اسلام و روانشناسی ج اول

و ... نام برد.

۳- مرحوم حاج سید ساجدین موسوی:

از علماء نجف بودند که صدام اخراج کرد و در سنه ۱۳۶۶ شمسی بواسطه تصادف به رحمت ایزدی پیوستند.

۴- شیخ احمد دانش:

از بزرگان و فضلاً قم بودند که به سال ۱۳۶۶ شمسی وفات نمودند.

※ سایر فضلاً ساکن قم

۵- حضرت مستطاب حاج شیخ احمد رضوانی:

۶- حضرت مستطاب حاج شمس الدین کاظمی:

۷- حضرت مستطاب حاج شیخ قربانعلی ذوالقدر:

۸- جناب آقای اسدالله بیات:

۹- ابوالفضل شکوری دارای تألیفات متعدد

۱۰- ابوعلی خداکرمی از مؤلفین

۱۱- علی محمدی زنجانی از مؤلفین

۱۲- و ...

ب- مشهد مقدس:

۱- آیه الله العظمی حاج سید عزالدین امام (حسینی موسوی زنجانی): (۱)

سیدنا الاستاذ، صاحب انفاس قدسیه، فقیهی بلندمرتبه و فیلسوفی متبحر،

۱- آن بزرگ بین خواص با لقب «امام» شهره‌اند. بنگرید به «رساله نکاحیه» تألیف حضرت

علامه آیه الله سید محمد حسین حسینی طهرانی (ره) ص ۱۵۳.

مدرس متون فلسفی و نقاد آراء فقهی و اصولی.

جویندگان اسرار قرآنی و رموز فرقانی را جلسات تفسیر آن عزیز، منبع فیض و شیفتگان معانی و دلدادگان حدیث دوست را حلقه درس مثنوی استاد محفل انس بوده است.

دلیران و مبارزان تاریخ مبارزات صد ساله اخیر ایران با جایگاه بلندخاندان امام جمعه زنجان آشنایند.

در جای جای قیام پانزده خرداد به رهبری امام امت (ره) حضور آن بزرگ را می توان دید چه همراه بزرگانی چون آیه الله شهید مطهری در سیه چال رژیم و چه با امضاها در پای اعلامیه ها برای تشجیع مردم یا فشار رژیم.

آن عزیز سفر کرده خود درباره زندگیشان در شماره ۲۳ مجله حوزه چنین فرموده اند :

«مطابق معمول طلاب زنجان تقریباً سطح را در آن شهر به اتمام رساندم یعنی رسائل و قسمت عمده مکاسب و مقداری از کفایه و همچنین مقداری از طهارت شیخ را هم در زنجان نزد مرحوم آیه الله شیخ حسین دین محمدی و مقداری از اصول را نزد والد مرحوم تحصیل کردم در سن ۲۱-۲۲ سالگی به قم مشرف شدم و در ابتدای ورود به قم به درس مرحوم آقای حجت رفته چون هنوز آقای بروجردی به قم نیامده بودند.

مقداری از اصول را نیز به درس مرحوم آقای صدر رفتم که بعد از نماز مغرب و عشاء در مدرسه فیضیه خارج اصول تدریس می کردند.

حضرت امام (ره) در آن وقت اسفار می فرمودند که از اول در آن شرکت کردیم که تعداد شرکت کنندگان به ده نفر می رسید من آن درس را با حاج آقا مهدی حائری فرزند آیه الله العظمی حائری مؤسس حوزه علمیه قم مباحثه

می‌کردم.

یک مقداری از معقول (اسفار) را هم خدمت آیه‌الله شیخ مهدی مازندرانی تلمذ کردیم بعد از شهریور ۱۳۲۰ سیدنا الاستاذ علامه طباطبائی به قم مهاجرت کردند بنده ایشان را نمی‌شناختم ولی مرحوم والد با علامه طباطبائی خیلی صمیمی بودند لذا به من فرمودند حتماً باید یک دوره اسفار پیش استاد علامه طباطبائی (ره) بخوانید و تکرار شود.

من خدمت علامه (ره) رفتم در مدرسه حجتیه و ابتدا برای چهارنفر درس را شروع کردند و حضرت امام (ره) چون دیدند که درس فلسفه و معقول به اندازه کافی است درس فلسفه را تعطیل کرده و فقه و اصول شروع کردند.

یکی دیگر از اساتید ما مرحوم آیه‌الله حاج سید احمد خوانساری بودند، ایشان بعد از تحصیلات عالیه و نیل به مرتبه بلند اجتهاد مدتی را نیز به نجف رفته‌اند و بعد از فوت حضرت والدشان به زنجان مراجعت نموده‌اند، آن عزیز دارای نبوغی فوق‌العاده می‌باشد به اندازه‌ای که در فلسفه در محضر درس فیلسوف شرق (علامه طباطبائی) فقط سه نفر از همه شاگردان در درجه اعلی قرار داشته‌اند:

۱- آیه‌الله علامه مطهری (ره)

۲- آیه‌الله زنجان

۳- آیه‌الله جوادی آملی

و این مطلب را خود حضرت علامه در مصاحبه تلویزیونی بیان فرموده‌اند. باری در دروس فقه نیز ایشان یگانه مدرّس درس خارج در زنجان بودند و رساله جامع الاحکام ایشان در سال ۱۳۵۴ شمسی به چاپ رسیده و جمعی از مؤمنین در مسئله تقلید از سال ۱۳۵۴ به ایشان رجوع کرده‌اند و جمع دیگری نیز

از سال ۱۳۷۳ بعد از رحلت آیه الله العظمی اراکی در امر تقلید به ایشان رجوع نمودند و رساله عملیه ایشان نیز به همین خاطر به چاپ سپرده شد. ایشان همانگونه که اشارت رفت بسیار مورد توجه حضرت امام (ره) و حضرت علامه (ره) بودند بطوری که بنا به فرموده خودشان آن هنگام که در قم مریض بوده‌اند حضرت امام از ایشان عیادت کرده و بر ایشان شخصاً دارو تهیه کرده‌اند.^(۱)

خاندان امام جمعه بصورت مطلق به خاندان ایشان گفته می‌شود چرا که تمام اجداد ایشان تا آیه الله سید محمد مجتهد، امام جمعه زنجان بوده‌اند. آن هنگام که وی زنجان تشریف داشتند به امورات مذهبی شهر بسیار سامان دادند و دروس حوزوی از مقدمات تا خارج در مدرسه سید برپا کرده بودند و جمعی از تجار بازار نیز تقبل شهریه طلاب را نموده بودند، لکن بعد از رفتن آن عزیز - بخاطر مسائلی که پیش آمده بود - ثلمه‌ای که بر پیکر مذهبی شهر وارد شده هنوز نیز ملموس است و با تلاش سایر بزرگان امیدواریم که در آینده جبران شود.

ایشان هم اکنون در مشهد مقدس رحل اقامت افکنده و مشغول به تدریس : فلسفه، تفسیر، خارج فقه و شرح مننوی و نیز اقامه جماعت در مسجد امام صادق علیه السلام واقع در کوی دانشگاه و ... هستند آن بزرگ تألیفات بسیاری دارند که تاکنون چند جلد از آنها به طبع رسیده که به زبان عربی و فارسی است کتب فارسی در ایران و کتاب عربی در بیروت چاپ شده است.

۲- آیه الله حاج سید مجتبی حسینی میرصادقی زنجان (دام ظلّه)

ج. تهران

۱- دانشمند معظم حضرت حجة الاسلام والسلمین عباسعلی عمید زنجانی (حفظه الله)

در مصاحبه‌ای که با مجله شماره ۳۷ کرده‌اند چنین فرموده‌اند:
«من در سال ۱۳۱۶ در زنجان متولد شدم یکی از بزرگترین حوادث دوران کودکی من جنگ جهانی دوم بود.
در ۶ سالگی برای تحصیل وارد مدرسه توفیق زنجان که مرحوم روزبه هم از معلمین ابتدائی آن مدرسه بود شدم.
سرانجام بر اثر علاقه شخصی و تشویق خانواده به تحصیل علوم حوزوی پرداختم، مقدمات تحصیل را در مدرسه سید گذارندم ضمن ادامه تحصیل در حوزه، تحصیلات کلاسیک را هم با پشتکار و دقت فراوان دنبال کردم.
در سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ برای ادامه تحصیل به قم مهاجرت کردم، در قم مورد عنایت مرحوم آیه الله حجت قرار گرفتم و حجره‌ای در مدرسه حجتیه در اختیارم قرار گرفت.
در آن زمان در عرف تحصیلی طلاب آذربایجانی به دوره سطح اهمیت بیشتر داده می‌شد و دروس سطح با راهنمایی اساتید به طور عمیق خوانده می‌شد من دوره سطح را نزدیک به هفت سال مدام و بدون تعطیلی مشغول تحصیل بودم علاوه بر فراگیری دروس حوزه توانستم به مقدار میسر هیئت، نجوم، کلام، تفسیر و سایر مباحث دیگر علوم اسلامی را فرا بگیریم.
شرکت در دروسهای مرحوم علامه طباطبائی (ره) یکی از افتخارات دوران تحصیلی من می‌باشد.
مرحوم علامه طباطبائی (ره) به توصیه آیه الله بروجردی درس اسفار را

تبدیل به درس شفا نمودند و همین توفیقی شد که شفا را به مدت ۲۰ سال در خدمت ایشان تلمذ کنم.

در سال ۱۳۳۸ به حضور در درس حضرت امام (ره) توفیق یافتم و درس آن حضرت را درس اصلی خود قرار دادم.

در سال ۴۱ به نجف رفتم و در درس مرحوم آقا میرزا باقر زنجانی شرکت جستیم».

ایشان داماد ارشد حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمه الله علیه می باشند و بعد از بازگشت از نجف در طهران مقیم شده اند و چندین دوره نماینده مردم طهران در مجلس شورای اسلامی شدند.

ایشان هم اکنون ضمن نمایندگی مجلس، مسئول دانشکده حقوق طهران نیز می باشند و تدریس دارند، از سفرهای علمی ایشان به خارج از کشور می توان از شرکت در اولین سمپوزیوم بین المللی اسلام و مسیحیت که در آتن برگزار شد و ... نام برد.

۲- دانشمند فرزانه حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای

محمد شجاعی

ایشان در سنه ۱۳۲۰ شمسی در یکی از قرای توابع زنجان در یک خانواده روحانی چشم به جهان گشودند.

در ۷ سالگی به همراه خانواده به زنجان هجرت نموده و در ۸ سالگی به مدرسه قدم گذاشتند و در مدت ۶ سال دوران ابتدائی را طی کرده آنگاه موفق به اخذ مدرک ششم قدیم شدند سپس به تحصیل علوم دینی روی آورده و در مسجد سید اعلی الله مقامه مقدمات و بعضی دیگر از کتب علوم حوزوی را به مدت ۴-۵ سال سپری کرده اند ایشان دوره سطح را که قصد بر تحصیل نموده اند

عازم شهر علم و اجتهاد قم شده و در آنجا به تدریس پرداخته‌اند و قریب به ۱۰ سال در آن بلدهٔ محمیّه ساکن بوده‌اند در قم دروس فقه و اصول و تفسیر و فلسفه و را از اساتید متعددی و از جمله حضرت علامه طباطبائی رحمه الله علیه فراگرفته، و آنگاه که خود را بی‌نیاز از دروس تدریسی قم می‌بینند و نیز به علت رحلت ابویشان در سنهٔ ۱۳۴۶ خورشیدی به زنجان باز می‌گردند، در زنجان به امامت جماعت، تبلیغ، تدریس و برگزاری جلسات تفسیر و عقائد و ... مشغول بوده‌اند تا اینکه به سال ۵۲-۱۳۵۱ بخاطر فعالیت‌های سیاسی به مدت ۱۰ ماه به زندان قصر تهران منتقل و محبوس می‌شوند و در طول مدت حبس با مرحوم آقای سید مجتبی موسوی و آقای انوری و مرحوم آیه الله ربّانی شیرازی رحمه الله علیه و بعضی دیگر از آقایان در یک سلول بوده‌اند که در همین مدت نیز درد کمرشان که از قبل گرفتار آن بوده‌اند روبه فزونی می‌نهد.

بعد از سپری شدن دوران زندان به زنجان مراجعت می‌نمایند و به همان فعالیت‌های مذهبی و سیاسی خود ادامه می‌دهند تا اینکه انقلاب کبیر اسلامی به رهبری امام (قدس سرّه الشریف) در سنهٔ ۱۳۵۷ به پیروزی می‌رسد پس از آن ایشان به عنوان نمایندهٔ مردم زنجان در دورهٔ اوّل راهی مجلس شورای اسلامی می‌شوند لکن بعد از ۲ سال به علت تشدید درد کمر - که در دوران زندان فزونی یافته بود - از نمایندگی مجلس استعفاء می‌دهند و عزم براین داشته‌اند که به زنجان بازگردند و به همان فعالیت‌های مذهبی ادامه دهند، لکن بخاطر مسائلی که پیش آمد، ناچار شدند در تهران مقیم شوند، ایشان هم‌اکنون جلسات تفسیر قرآن و ... دارند و جزو علماء مشهور تهران می‌باشند از تألیفات چاپ شدهٔ ایشان می‌توان به :

۱- دورهٔ ۳ جلدی مقالات در تزکیه و تهذیب نفس

۲- دورهٔ ۲ جلدی معاد یا بازگشت

نام برد که چاپ شده‌اند.

۳- جناب حجة الاسلام و المسلمین شیخ یحیی عابدی:

۴- مرحوم حجة الاسلام و المسلمین شهید سید رشید موسوی:

که در سانحه هوایی که معروف است با چهل نفر از یاران امام به شهادت رسید.

د- تکاب: حضرت آية الله عزيز الله خسروی زنجانی (ره)

* فصل سوم:

مربوط به زندگینامه عالمان و فرزنانگان ساکن شهر زنجان:

۱- حضرت آية الله حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی

(امام جمعه فعلی)

ایشان در سال ۱۳۵۲ قمری در حومه ماهنشان در دهی به نام «پری» چشم به جهان گشودند در پانزده سالگی برای تحصیل دروس طلبگی به زنجان آمدند و پس از خواندن قسمتی از مقدمات عربی عازم قم شدند در قم اکثر اوقات ایشان نزد شهید محراب آیت الله سید اسدالله مدنی (ره) می گذشت و ایشان دروس حاشیه، معالم و شرح لمعه را در محضر حضرت آية الله مدنی (ره) تلمذ نموده‌اند. شهید مدنی عنایت و محبت خاصی به آن عزیز داشت.

ایشان رسائل و مکاسب را نزد آية الله شیخ موسی زنجانی و نیز همین دروس را نزد حضرت امام (ره) تلمذ کرده‌اند، چرا که حضرت امام (ره) صبحها رسائل و بعد از ظهرها مکاسب تدریس می فرمودند.

آقای موسوی در جریانات ۱۵ خرداد شرکت فعالانه داشتند و علاوه بر شرکت در جلسات جامعه مدرسین به نشر و پخش تلگرافات مراجع و

اعلامیه‌ها اشتغال داشتند.

ایشان تدریس شرح لمعه داشتند که به واسطه کسالتی که عارض شد تعطیل نمودند، در سال ۱۳۵۲ بنا به پیشنهاد آیه‌الله صدر (ره) - پدر امام موسی صدر - جهت اقامه نماز جماعت به یکی از مساجد تهران تشریف بردند و فعالیت‌های سیاسی خود را در آنجا گسترش دادند تا آنجا که فرزندان، سید مهدی موسوی به خاطر تعقیب از طرف رژیم سفاک پهلوی، فراری شد و در سال ۱۳۵۵ به شهادت رسید، در همین سال فرزند دیگرشان را ساواک دستگیر نمود و به مدت هفت روز منزل ایشان تحت کنترل کامل ساواک درآمد و کلیه ورود و خروج‌ها را ممنوع کردند و تلفن منزل را نیز کنترل می‌نمودند و به هیچ کس از اعضای خانواده، حتی متعلقه‌اشان که ناراحتی قلبی داشت، اجازه خروج در این مدت داده نمی‌شد.

ایشان بعد از انقلاب به عنوان نماینده حضرت امام و امام جمعه زنجان به این شهر تشریف آوردند و به عنوان نماینده مردم نیز به مجلس خبرگان رفتند. آقای موسوی از علمای مبارز منطقه غرب تهران به شمار می‌روند. هم اکنون آن عزیز فعالیت‌های متعددی دارند از جمله عضو هیئت علمی مؤسسه بزرگ تحقیقاتی امام امیرالمؤمنین علیه السلام در تهران که با آیه‌الله موسوی اردبیلی و چند نفر دیگر آنجا را اداره می‌نمایند (ادام الله بقائه).

۲- فیلسوف و مفسر معظم جناب آیه‌الله آقای محمد اسماعیل صائنی: در مجله علمی «کیهان اندیشه» شماره ۴۴ چنین آمده: اینجانب محمد اسماعیل صائنی در بهار سال ۱۳۱۱ هجری شمسی در شهرستان زنجان به دنیا آمدم، پدرم جامع معقول و منقول، زاهد فرزانه، مرحوم شیخ اسحاق صائنی (رضوان الله تعالی علیه) می‌باشد.

بر حسب روش متداول آن زمان، در هفتمین سال بهار عمر به دبستان رفتم، دبستانی به نام توفیق که به مدیریت دانشمند فاضل و زاهد، مرحوم رضا روزبه اداره می‌شد، در کلاسی به نام شعبه اول، دروس کلاس اول و دوم را در یک سال به اتفاق چند نفر از شاگردان ممتاز، به اتمام رساندم، پس از طی دوره دبستان به دبیرستان رفتم، در همان ایام و پیش از آنکه به اخذ دیپلم نائل شوم، مرحوم پدر بزرگوارم هر روز عصرها و شبها به طور مرتب مرا به معارف و علوم دینی آشنا می‌فرمود، به طوری که بخش مهمی از علوم صرف و نحو و همچنین کتاب «گوهر مراد» و «شرح الهدایه» میبیدی و قسمتی از اشارات را در آن زمان فرا گرفتم، همچنین هیأت قدیم و کتاب خلاصه الحساب و تقویم رقمی و قسمتی از هندسه اقلیدس را در محضر ایشان و بخشی را در خدمت حکیم و ریاضیدان، مرحوم آقا سید محمد نظام تحصیل کردم.

کم کم مرحوم پدرم پیشنهاد می‌فرمود که ترک دبیرستان کرده و در رشته علوم دینی درآیم لیکن شرایط زمان و جو دبیرستان و دوستان که سخت مرا آشفته کرده بود، ممانعت می‌نمود. قیافه بعضی کتابها را درست به خاطر دارم، مثلاً مطوّل با عظمت قطر و حواشی ریز مرا سخت به وحشت می‌انداخت، تا اینکه عنایت حق عزّ اسمه دستم را گرفته و شبی خواب بسیار صریح و نافذ و توجه شخصیتی الهی و ملکوتی در من اثر عمیق کرد. پس از بیداری اساساً تصمیم عوض شد و جنبه‌ای خاص به اسلام و علوم اسلامی در خود احساس کردم و بالاخره تسلیم پیشنهاد و امر پدرم شدم و مشغول تحصیل گردیدم. تقریباً تا کتب رسائل و مکاسب را در زنجان در خدمت معظم له و در جمع دیگر از اساتید مسلم (رضوان الله علیهم اجمعین) تمام کردم و در ضمن تحصیل مشغول تدریس نیز بودم.

در اواخر سال ۱۳۲۹ شمسی جهت ادامه تحصیل به قم مشرف شدم و توسط مرحوم آیه الله آقای حاج سید احمد زنجانى قدس سره در مدرسه حجتیه مستقر شدم و تا آخر دوران تحصیلی که حدود پانزده سال طول کشید در یکی از حجره های آن مدرسه سکونت داشتم، چند ماه پس از تشرف به قم با مرحوم علامه طباطبائی (رضوان الله تعالى علیه) از نزدیک آشنا شدم که حضرت استاد نیز توجه خاصی به حقیر پیدا کردند، حقیر از آن وجود بابرکت استفاده های بسیار بردم، از جمله منظومه حکیم سبزواری، الهیات شفا و دوره کامل اسفار را از محضر ایشان بهره بردم و علاوه بر آن در جلسات مستمر شبهای پنجشنبه و جمعه حضور داشتم که هر هفته به طور مداوم تشکیل می شد، و حدود ده - دوازده نفر از فضلاء حوزه نیز حضور داشتند در آن جلسات بحثهای بسیار عمیق فلسفی و احیاناً عرفانی مطرح می شد و آخرین نظریه از طرف علامه مرحوم (ره) مطرح می گردید و جداً روحی در کالبدها می دمید. بحمدالله تعداد زیادی از دوستان آن جلسه در قید حیاتند (ادام الله برکات وجودهم) و بعضی ها به درجه شهادت رسیده اند (اعلی الله درجاتهم). (۱)

قسمت عمده درس خارج فقه و اصول را از محضر مرحوم آیه الله سید محمد محقق داماد (قدس سره) که در تحقیق و دقت نظر کم نظیر بودند، استفاضه کردم و تقریباً یک دوره و نصف خارج اصول، در درس ایشان حاضر شده و اکثر مطالب آن را تقریر کرده و نوشته ام، همین طور چند کتاب را که به عنوان درس خارج تدریس می کردند، مشتاقانه استفاده کردم.

«همچنین در درس خارج اصول مباحث و ادله عقلیه حضرت امام قدس سره الشریف به طور کامل حضور داشتم و از ایشان نیز بهره های بسیار بردم».

۱- همانند علامه شهید آیه الله مطهری (ره)، شهید مظلوم آیه الله دکتر بهشتی (ره) و ...

در درس خارج فقه مرحوم آية الله العظمی آقای بروجردی قدس سره الشریف در ایامی که در قم بودم بطور اکثر حضور می یافتم. در طول اقامتم در قم اشتغال به تدریس نیز داشتم و پس از تبعید حضرت امام قدس سره الشریف اولین جلسه برای تشکیل جامعه مدرسین قم، در اوائل امر در حجره اینجانب در مدرسه حجتیه تشکیل گردید و تصمیمات اولیه در آنجا گرفته شد.

از سال ۱۳۴۳ شمسی [۳۲ سالگی] بنا به اصرار اهالی متدین زنجان و احساس وظیفه ای که می شد تا الان در زنجان اقامت نموده ام، مسجدی وسیع در مرکز شهر برای انجام وظایف شرعی حقیر بنا کرده اند و اینجانب آن را به نام مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نامیدم و از زمان اقامتم در زنجان تاکنون مشغول انجام وظائف شرعی می باشم، از قبیل تدریس فقه و اصول و فلسفه و تفسیر قرآن مجید و درس اخلاق و اصول دین برای طبقه جوان و شرح بیان تمام نهج البلاغه و تمامی روایات کتاب شریف توحید صبدوق و خدمات دیگر که فعلاً نیز مشغولم و اکثر مباحث اینجانب یا نوشته شده و یا در نوار ضبط گردیده است تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

۳- حضرت آية الله شیخ جلال الدین اصحابی:

به نوشته صاحب «الفهرست لمشاهیر علماء زنجان» ایشان در حدود سنه ۱۳۳۱ قمری در دهی به نام لولک آباد نزدیک ده حبش به دنیا آمده و در زنجان مقدمات متداوله را از علماء ادب فرا گرفته اند، بعد از سطوح فقه و اصول را از محضر علماء زنجان استفاده نموده و به درس مرحوم آية الله آقا شیخ فیاض شریعتی و آقا شیخ یعقوبعلی جبّاری حاضر شده و استفاده وافر از آن علمین نموده اند و به دامادی آقا شیخ یعقوبعلی، استاد خود مفتخر شده اند.

این رجل فقهی و اصولی و رجالی که ابد مردم و اتقاهم و فرید عصر

خود می باشد را نمی توان به غیر از مسجد و منزل دید.

هم اکنون طلاب علوم دینیّه و فضلاء حوزه علمیه زنجان و نیز مؤمنین از خرمین پر برکت ایشان استفاده نموده و به درس ایشان حاضر می شوند.

[این کتاب مقدمات چاپ را می گذراند که آن بزرگ در تابستان سنه ۱۳۷۴ شمسی روز ۱۷ مرداد مطابق ۱۰ ربیع الاول ۱۴۱۶ قمری، به دیار یار رحیل کردند، رحمة الله علیه رحمة واسعة].

۴- عالم ربّانی، حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سیّد مجتبی موسوی (رحمة الله علیه)

ایشان در سال ۱۳۱۸ شمسی در یک خانواده اهل علم و روحانی چشم به جهان گشود، موقعیت خانوادگی و علاقه شخصی باعث شد به سوی حوزه های علمیه قم وارد شدند. و از محضر اساتیدی همچون: حضرت امام (ره)، آية الله العظمی محقق داماد (ره)، علامه طباطبایی (ره)، آية الله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی (ره) فرزند مرحوم آية الله موسس و استفاده فقهی و اصولی و فلسفی و تفسیری می بردند.

در سال ۱۳۴۷ در ۲۹ سالگی به زنجان مراجعت نمودند و شروع به فعالیتهای سیاسی و دینی کردند و بسیار در این راه تلاش می نمودند و به تحریک مردم و جوانان بر علیه حکومت منحوس پهلوی می پرداختند تا اینکه در سال ۱۳۵۲ از سوی ساواک دستگیر و زندانی و شکنجه شدند

پس از آزادی از زندان همچنان به فعالیتهای سیاسی مشغول بودند تا اینکه انقلاب کبیر ایران به پیروزی انجامید. ایشان مسئولیتهای بسیاری در طول دوران انقلاب تا زمان رحلتشان داشتند آن عزیز یکی از استوانه های سیاسی و مذهبی شهر بودند و با وجود مسئولیتهای گوناگون، بسیار زاهدانه و عابدانه می زیستند، حالات معنوی آن/عزیز خصوصاً جذبات روحی در نماز بین خواص مشهور

بود، ایشان در سال ۱۳۶۹ در پس یک بیماری طولانی بهار عمرشان خزان شد.
*** سایر بزرگان و دانشمندان که الحال مردم متدین زنجان از علم و دانش آنان بهره‌مند هستند عبارتند از:**

- ۵- حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید طاهر علوی
- ۶- حضرت مستطاب دانشمند معظم آقای حاج سید محمد حسینی موسوی زنجان‌ای امام جماعت و تولیت مسجد جامع سید (اعلی الله مقامه).
- ۷- حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ ابوالفضل سلیمی
- ۸- حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ ابراهیم محمدی
- ۹- حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ بیوک خاتمی
- ۱۰- حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ تقی خاتمی
- ۱۱- حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ اصغر حبیبی
- ۱۲- حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید یعقوب موسوی
- ۱۳- حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ قربانعلی عباسی
- ۱۴- مرحوم حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ یعقوبعلی جبّاری (ره)

۱۵- مرحوم حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالحمید قائمی (ره)

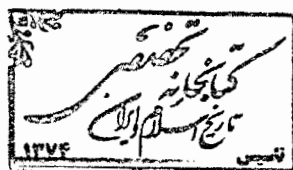
۱۶- حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد علی ویری که در قریه «ویر» مشغول تبلیغ و ترویج می‌باشند.

۱۷- و ...

هم‌اکنون شهر زنجان تقریباً ۵۰۰ نفر دانش پژوه علوم دینی اعم از طلاب و فضلا دارد که ساکن شهر هستند و این تعداد غیر از فضلا سایر شهرستانها و قم می‌باشند.

والسلام علی عبادالله الصالحین - زنجان - مكتبة الأحمديّة

«زندگینامه مؤلف»



زندگی نامه مؤلف کتاب: (۱)

نویسنده در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی در روستای بوئین از دهات سلطانیة زنجان بدنیا آمده است و در همان روستا به مکتب رفته و نزد مرحوم آقای شیخ بهاءالدین از قرآن و شریعت شروع به تحصیل کرده پس از آن هجرت به زنجان نموده (سنه ۱۳۱۸ شمسی) و در مکتب درس آخوند ملا نادرعلی قزلباش از کتاب گلستان و بوستان، نصاب الصبیان، امثله، و صرف میر را تلمذ نموده اند و سپس در مدرسه سید (اعلی الله مقامه) نزد مرحوم آقای حاج شیخ یعقوبعلی جبّاری از کتاب مقدمات قسمت انموذج را و نزد آیه الله شیخ جلال الدین اصحابی، جامی را خوانده اند و مدتی نیز شاگردی شیخ ابراهیم نحوی را نموده اند.

بعد از طی مقدمات برای ادامه تحصیل به شهر علم و اجتهاد قم مشرف می شوند و رسائل را نزد آیه الله کافی الملک تبریزی و قوانین را نزد آقای حاج شیخ صادق خوئی و مکاسب را نزد آیه الله شیخ موسی زنجانى تلمذ می نمایند آنگاه برای تحصیل کفایة الاصول زانوی تلمذ پای درس آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره) می زنند.

چندی نیز نزد آیه الله سلطانی و آیه الله شیخ محمد مجاهدی شاگردی کرده اند ایشان بعد از اتمام دوره سطح وارد درس خارج فقیه الأمّه آیه الله العظمی بروجردی (قدس سره الشریف) می شوند و خارج عروۃ الوثقی را نزد آیه الله حاج سید صادق روحانی و خارج کفایة الاصول را نزد حاج سید صادق

۱ - این زندگینامه بنا به درخواست ناشر آمده است.

شریعتمداری و نیز مقداری خارج فقه را نزد حاج سید کاظم شریعتمداری حاضر می‌شوند بعد از چندین سال تحصیل در قم با کسب اجازه از اساتید در سال ۱۳۳۴ شمسی مراجعت می‌نمایند به روستای بوئین و آنجا مشغول تبلیغ می‌شوند و بعد از یکسال دوباره به زنجان مهاجرت می‌نمایند و مشغول اقامه جماعت و تدریس در حوزه علمیه بوده‌اند. دوباره بخاطر فوت پدر به روستا رفته و بعد از چند سال برای همیشه به زنجان آمده و ماندگار می‌شوند مدتی را در درس آیة‌الله العظمی آقای حاج سید عزالدین حسینی زنجان (حفظه‌الله) که افاضه درس خارج فقه و اصول می‌نموده‌اند، به تلمذ می‌نشینند و مدتی نیز به امر ایشان در مسجد جامع سید اقامه جماعت داشتند.

شرکت در درس فقهاء معظم شیعه در قم - همانگونه که اشارت رفت - از ایشان رجلی فقهی و اصولی به بار آورده بطوری که بر تحریرالوسیله حضرت امام (قدس سره الشریف) شرحی مستدلانه نوشته‌اند و تاکنون بالغ بر ۱۲ مجلد شده که همه مخطوط می‌باشد و احتمالاً این مجموعه بالغ بر ۲۰ جلد خواهد شد.

هم‌اکنون ایشان یکی از استوانه‌های فقه در زنجان و یکی از مدرسین والا مقام حوزه آن شهر محسوب می‌شوند و حال که دوران پیری را سپری می‌نمایند در اکثر ساعات روز مشغول تألیف می‌باشند از تألیفات چاپ شده ایشان:

۱ - اصول الدین در اسلام

۲ - علماء نامدار زنجان (همین کتاب)

می‌توان نام برد و اما تألیفات خطی ایشان غیر از دوره کتاب «البیان فی شرح تحریرالوسیله امام» که به زبان عربی است، فعلاً ۱۵ جلد می‌باشد که در موضوعات اصول عقائد، ادبیات، حدیث، حکمت، اعمال سنه و ... به رشته

نیشته آراسته شده است. نیز آن عزیز دارای اجازاتی از مراجع گشته و حال می باشد بدین قرار:

- ۱- اجازه تخمیس از آیه الله العظمی خوئی (ره)
- ۲- اجازه تخمیس از آیه الله العظمی حکیم (ره)
- ۳- اجازه تخمیس از آیه الله العظمی گلپایگانی (ره)
- ۴- اجازه تخمیس از آیه الله العظمی اراکی (ره)

قم المحمیه

و آخر دعوانا و الحمد لله رب العالمین

«منابع و مأخذ»

منابع و مآخذ این کتاب

- ۱- منتخب التواریخ تألیف شیخ هاشم خراسانی
- ۲- سفینه البحار تألیف شیخ عباس قمی
- ۳- الفهرست لمشاهیر علماء زنجان شیخ موسی زنجانی
- ۴- تراجم الاعلام تألیف شسیخ محمدتقی ابن محمدالعاملی
- ۵- تاریخ زنجان - علماء و دانشمندان - سید ابراهیم موسوی
- ۶- مستدرک الوسائل - تألیف میرزا حسین نوری
- ۷- تحفة الاحباب - تألیف شیخ عباس قمی
- ۸- الکلام یجزّ الکلام - تألیف سیّد احمد زنجانی
- ۹- علماء و رجال زنجان - تألیف کریم نیرومند
- ۱۰- حکما و عرفای زنجان - تألیف کریم نیرومند
- ۱۱- خط سوم در انقلاب مشروطیت ایران تألیف ابوالفضل شکوری
- ۱۲- فرهنگنامه زنجان - تألیف محمدرضا روحانی
- ۱۳- از آنجا که اکثر ترجمه دانشمندان بخش اول این کتاب مربوط به نیمه دوم قرن چهاردهم هجری قمری بوده و حضرت مؤلف در آن زمان طلبه‌ای ۲۰ ساله بوده‌اند و در حوزه زنجان تحصیل می‌نموده‌اند، لذا اکثر شرح حالها را ایشان خود دیده و شنیده و یا از صاحبان اصلی آنها بدست آورده‌اند.